



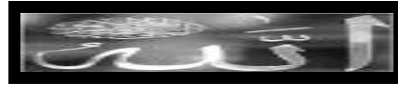
خدا آفرین

تورکجه - فارسی

فرهنگی ، اجتماعی ، علمی

اسفند ۱۳۹۶، شمارگان مسلسل ۱۶۱، سال چهاردهم، ماهنامه، قیمت ۲۰۰۰ تومن





شماره مسلسل (۱۶۱) اسفند ۱۳۹۶ ۸۲ صفحه

مدیر مسئول ، سردبیر و صاحب امتیاز:

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

مدیر داخلی: علی محمد نیا

اڈیتور: رکسانا کافی

زمینه مجله:

فرهنگی، مسائل اجتماعی، معیلمات عمومی، طنز و سرگرمی سالم

روش مجله:

آموزشی، تحلیلی، خبری، اطلاع رسانی، پژوهشی

گستره توزیع: آذربایجانهای شرقی غربی؛ اردبیل، تهران

آدرس چاپخانه: تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران/پ ۳

نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم

واحد ۵ تلفن: ۶۶۴۹۳۰۸۴ - 09192281916

نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورت world به ایمیل یا

آدرس ماهنامه به زبانهای ترکی و فارسی

جهت معرفی آثار دو جلد همراه با توضیح

مناسب ارسال نمایید.

اشتراک ماهنامه: یک سال ۶۰۰۰۰ و شش ماه

۴۰۰۰۰ هزار تومان به شماره کارت بانک تجارت

۶۲۷۳۵۳۳۰۱۰۳۸۸۷۰۷ به نام حسین

شرقی دره جک واریز نمایید.

KHUDAFARIN

Cultural and social monthly magazin

managing Director concessioner and chief

Editor: Dr. HÜSEYN

ŞƏRQİDƏRƏCƏK(SOYTÜRK)

ŞİRAJ 5000

XUDAFƏRİN

Aylıq Elmi, İctimai, mədəni Dərgi

Təsisçi və Baş Redaktor:

Dr. HÜSEYN

ŞƏRQİDƏRƏCƏK(SOYTÜRK)

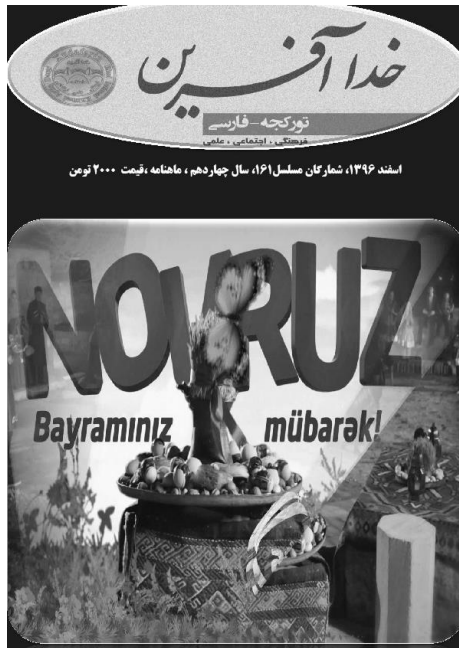
say 161-il-2018. Tehran. 14-Cİ İL

[https:// telegram.me/xudaferin](https://telegram.me/xudaferin)

soyturk1345@gmail.com

WWW.KHUDAFARIN.IR

تیراژ 5000 ، قیمت 2000 تومن



خداآفرین ۱۶۱

ایچینده کیلر:

۲----- ارگنه گون ویا نوروز بایرامی اسکی تورک گلنه یی

۳----- تاثیر حکیم جهانگیرخان بر اندیشه های شاعران قشایی

۹----- تاریخین کوسوفلاری. ارمنی مسئله سی

۲۰----- اوزان عاریف کیمدیر

۲۶----- زبان ادبی ترکی آذربایجان در قرن ۱۹

۲۹----- کتاب تانیتمی

۳۸----- مودیریکلردن درس آلسایدیم نه دردیم

۴۳----- شاه اسماعیل یارادیجیلیغیندا شیعه لیک ایدئولوژیسی

۴۷----- دده قورقود کیتابی دیرسه خان اوغلو بوغاج

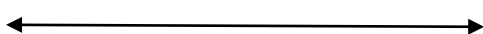
۴۹----- مختومقولو فراغی دن سئچمه لر

۵۴----- آذربایجان تورک دیلی

۵۷----- سوسیال شبکه لردن درلمه لر

۶۹----- دنیا شوهرتلی عالیم آکامیک عاکیف علیزاده

۷۲----- شعریمیز



ارگنه گون ویا نوروز بایرامی اسکی تورک گلنه یی

حالا چاغیمیزدا بوتون بشری ایجادلارین گوجو ایله بو نایلیته چاتماق هارداسا اولومسوزدور.

ارگنه گون معنوی وارلیقدیر اونو یاراداندان باشقا کیمسه منیمسیه بیلمز. بو فرهنگی و مدنی دیر او قدر آنلاملی دیر کی، اینسانین حیات طریزینی اوزونده احتیوا ائتمیش ویوز ایللر بویو حتی مین ایللر بویو کونوللری و روحلاری فتح ائتمه یی با جارمیشدیر.

گلنکلریمیزین یاشانیلان تیمثالی اولان ارگنه گون عادتلری ان آزی بیر ایلین ایکی آیینی اوز دولغون دیرلری ایله باریندیرماقدادیر.

بایرام یعنی گوندوز و گئجه نین برابر اولدوغو بیر گونون بشر دوھاسی ایله اثباتلادیغینی هم ده بو مسئله نی تام بیر آی عرضینده دورد چرشنه آنلامیلا قوتلاتما مراسیملری موسطویسینده حقیقی آکادیمیا کیمی اینسانین یاشام فلسفه سینه اوداقلانمیشدیر.

کونلوموز و دویغولاریمیز هر زامان ارگنه گون کوکونده اولسون. یئنی ایلده گوروشنه دک.

مدیر مسول دکتر حسین شرقی دره چک (سوی تورک)

ÖRGƏNƏGÜN VƏ YA NOVRUZ
BAYRAMI ƏSKİ TÜRK
GƏLƏNƏYİ

SƏRUMƏLİ MÜDİR: Dr. HÜSEYN
ŞƏRƏİDƏRƏCƏK SƏYFİLƏK



سؤینج و بایرام هر زامان بیر اوغورون و غلبه نین یادا قازانمین سونراسی یارانان دویقوسال و اونودولماز بیر اولایدیر.

تورک اولوسونون زورلوقلارا غلبه سینین سیمگه سی کیمی تاریخین یادداشیندا حک اولان "ارگنه کون" یا "ارگنه گون" سونرالار ایسه تورک آچیلیمی ایله اورتا آسیادان دیگر جغرافیالارا یاییلان و مختلف مدنیت و دیلدرده باشقا تور سسلنن بو مادی و معنوی تورک الدهه ائدینیمی سونرالار چئویری اولاراق ناوروز ، نوروز کیمی قاوراملارلا سسلنمه یه باشلامیشدیر.

اونوتمایاق کی دده لریمیزن کولتور ظفری کیمی دونیا اینسانلارینا تقدیم ائدیلن بو بشری ایجاد اونو گوستریرکی اونلار یارادیجی گوجه مالیک اولموشلار. بو یارادیجیلیق او قدر اونملی دیرکی



تأثیر حکیم جهانگیر خان بر اندیشه‌های شاعران قشقایی

دکتر حسین محمدزاده صدیق دوزگون



می کشیدند و یا برای دوری از هرگونه شائبه، این فنون را در خفا می آموختند و هیچ گاه تظاهر به آن نداشتند. فن الحان و فن عروض، در گذشته دانشی بسیار دشوار بود که از شعبات علم ریاضی به شمار می آمد و تحصیل آن برای هر کس مقدور نبود. ابونصر فارابی، شیخ الرئیس ابوعلی سینا و صفی الدین اورموی شخصیت‌های معروف جهان اسلام هستند که در این فن به آوازه رسیدند و سه کتاب معروف *الموسیقی الکبیر*، *دانشنامه* و *الادوار* که اکنون از آن سه تن برجای است، قرن‌ها در حوزه‌های علمیه مورد توجه و عنایت طالبان این فن بوده است.

حکیم قشقایی همانگونه که روایت شده، از جوانی به فن الحان و شعر و شاعری آشنا بوده است، ساز می نواخت و در آن اشعاری با مضامین غم هجران و اندوه غربت می سرود و «الهی» و «شاه ختایی» می خواند و «اوستادنامه» ترنم می کرد.

بعد از ورود به حوزه‌ی علمیه نیز به شعر و شاعری ادامه داده است. مرحوم وحید دستگردی در مجله‌ی ارمغان (س ۲۴، ش ۵-۴) سه غزل از وی را به مطلع:

تا یاد چین زلف تو شد پای بست ما،
رفت اختیار عقل و سلامت ز دست ما.

و:

درلقایش ز باده رفت سخن،
چشم وی با اشاره گفت که: من!

و:

هوای ساحت چین باد صبحدم دارد،
مگر گذار بر آن زلف خم به خم دارد.

در گذشته، اغلب علمای مذهبی با فنون شعر و شاعری و حتی فن الحان و موسیقی آشنا بودند. هم در منابر در کنار موعظه و بیان حکمت و اندرز، به سخن موزون می پرداختند و هم صاحب آثار قلمی در این فنون بودند. شیخ عبدالقادر مراغه‌ای *مقاصد الحان* و جامع *الحان* را به قصد نظام‌بندی موسیقایی قرآنی به رشته‌ی تحریر درآورد و حکیم ملا محمدبن سلیمان فضولی *حدیقه السعدا* را در زبان ترکی با عنایت به دستگاه‌های گوناگون فن الحان به نظم و نثر پرداخت و ملامحسن فیض کاشانی خود رساله در موسیقی نوشت و دیوان شعری ساخت که در اقطار عالم نامبردار شد.

سخن در این جاست که در سده‌های بازپسین شعر و موسیقی هرچه به دنیای کوچک و سخیف لاهو و لعب و مطربی و تنبلی و تنه‌لشی نزدیک‌تر می شد، بزرگان حکمت و دین و فلسفه بیشتر خود را کنار



نقل می‌کند که هر سه غزل در کمال جزالت و انسجام است و حکایت از تبحر حکیم به ظرائف و دقائق شعری دارد.

اما موضوع سخن من در اینجا تأثیر اندیشه‌های حکیم بر دیوان‌های ترکی شاعران قشقایی است که نمایندگان ادبیات اقلیت قومی قشقایی در مناطق مرکزی ایران به شمار می‌روند.

گروه غالب ترکان ایرانی، آذری‌ها هستند که در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، تهران، قزوین و شمیران زندگی می‌کنند.

قوی‌ترین گروه قومی ترکان ایرانی پس از آذری‌ها، قشقایی‌ها هستند که امروزه نزدیک ۳.۵۰۰.۰۰۰ نفر جمعیت دارند.

برخی از پژوهشگران ساده‌ لوح و یا غرض‌ورز ادعا می‌کنند که قشقائیان از ۲۰۰-۳۰۰ سال پیش به استان‌های فارس و اصفهان کوچانده شده‌اند،

درحالی که یافته‌های باستان‌شناسی و اسناد مکتوب تاریخی و نیز قرائن موجود در مواد ادبیات شفاهی اقوام مختلف ساکن مناطق جنوبی و مرکزی ایران، حکایت از حضور فعال هفت هزار ساله‌ی عنصر ترک در این مناطق دارد و الواح ترکی سومری را می‌توان نخستین آثار مکتوب تاریخ سرافرازان قشقایی به شمار آورد.

برخی از وجوه افتراق ویژگی‌های دیالکتولوژیک و گویشی ترکی قشقایی با ترکی آذری به همین سبب است ایجاد این همه وجوه افتراق دیالکتولوژیکی و سمانتیکی را نمی‌توان تفاوت‌های لهجه‌ای قشقایی با

آذری به حساب آورد که آن هم در ۲۰۰-۳۰۰ سال اخیر به وجود آمده باشد. ضوابط زبان‌شناسی اجازه‌ی چنین قضاوتی را به ما نمی‌دهد. البته نباید فراموش کرد که در دوران صفویان گروه‌های کثیری از ترکان آذری، خلیج، شاه‌سئون و قارا پاپاق و آغاچری و بیچاقچی و کنگرلو و حتی تورکمن به «ولایت قشقایی» کوچانده شدند و با قشقائیان درآمیختند، اما نمی‌توان تاریخ حضور قشقائیان در این استان‌ها را محدود به دوره‌ی صفویه کرد. نام «قایی» و «قاشقای» هم در الواح سومری، هم در کتیبه‌های اورخون و ینی‌سئی و هم در سنگ نبشته‌های بازمانده از دوران هیتیت در آناتولوی شرقی و هم در چرم نبشته‌های

دشت تورفان و هم در متون اسلامی دوره‌ی حکومت ایلخانان در ایران و پیش از آن آمده است. «قایی» و «قای» در معنای نفوذناپذیر و استوار و «قاشقای» در مفهوم پیشستان و قراولان نفوذناپذیر بوده است. بدین گونه هنگام سخن از تاریخ ادبیات مکتوب قشقایی نمی‌توان آن را به ۲۰۰-۳۰۰ سال اخیر محدود کرد. برخی از محققان معاصر قشقایی آثاری نظیر *قوتادغوبیلیغ* (اثر قرن پنجم هجری)، *عتبه الحقایق* (اثر قرن ششم هجری)، *دیوان حکمت* و کتاب *دده‌قورقود* و *قارامجموعه* را با مستندات ناموجهی جزو تاریخ شعر و ادب مکتوب ایل خود به حساب نمی‌آورند و تاریخ ادبیات قشقایی را از حکیم میرزا مآذون آغاز می‌کنند.

به هر انجام، در اینجا به لحاظ الزام به سخن و باب تأثیر آراء حکیم جهانگیرخان در ادبیات ترکی قشقایی این بحث را به مجالی دیگر وامی‌گذارم.

تأثیر حکیم جهانگیرخان و نقش او در تکوین ادب قشقایی در دو محور جداگانه قابل بررسی است.

محور نخست، ادبیات مکتوب یکصد و اندی سال اخیر که جانمایه‌ی آن دین‌مداری، خدامحوری، عدالت‌خواهی و نگرش فیلسوفانه به جهان و تفکر در احوال کائنات و خلقت است و بر سرتاسر آثار مکتوب نظم و نثر قشقائیان سایه افکنده است.

پژوهشگران زبان و ادبیات ترکی قشقایی، تاریخ ادبیات قشقایی دوره‌ی نوین را با میرزا مآذون آغاز می‌کنند و با ذکر احوال یوسف خسرو قره قانلی، مسیح خان قره چایی، حسینعلی بیگ بیات و قول اوروج آن را تا به امروز می‌رسانند.

در آثار خلاقه‌ی همه‌ی این شعرا اندیشه‌های دینی تابناک میرزا جهانگیرخان مشهود است. مآذون سه سال پس از جهانگیرخان در میان تیره‌ی قادرلو متولد شد و می‌توان او را همروزگار حکیم جهانگیرخان به حساب آورد که بارها درک حضور حکیم نصیبش شده است. این دو بزرگوار بی‌گمان در آفرینش ادبی همدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند، بویژه آن که مآذون نیز مانند حکیم دوران جوانی را با نواختن «الهی»ها در ساز سپری می‌کرد.

تلمیحات قرآنی و اشاره به آیات متعدد قرآن مجید، اعراض از زخارف این جهانی، نعت رسول اکرم (ص) و ذکر فضائل حضرت علی (ع) همه نشانگر آن است که مآذون حامل دین‌مداری و فضیلت محوری در تاریخ شعر قشقایی بوده است و در کنار آن توجه عمیق به فلسفه و ذکر علل و اسباب خلقت کائنات و آوردن اصطلاحات فلسفی در شعر، قرابت فکری و تأثر او را از مجاورت با حکیم نشان می‌دهد:

منع ائدن باطیلی، حقی بویوران

حلالی حرامدان سئچن آیین

بیخان بتخانه‌نی، منبر قاییران

قدم باسان مصلایه، محمد

*

عارف بیلر بو کلامی، بو دینی

اوخوسا حق کلامیندا/ یاسینی

یارب اولور باخا قیامت گونی

مآذون کیمی بی‌نویا محمد؟

حکیم جهانگیرخان تندیس پرهیزگاری و تقوا در روزگار خود بود. هنگام خواندن شرح زندگی او، هر کسی بر خود می‌لرزد و در مقایسه با خضوع و تقوای

در اصل «کلامی» بود و در آشتی دادن متکلمین و فلاسفه دنباله رو مکتب فلسفی عاشقانه‌ی فضولی-رجبعلی بود که در بستر آراء شهودی-عرفانی تجلی کرد. به گونه‌ای که گویا وی مکتبی جدید تأسیس کرده است که همگی خود را شاگرد او به حساب آوردند و عاشقانه جامه‌ی کهنات از تن کردند و همه جا را خانه‌ی عشق پنداشتند و شاید ابیات زیر زبان حال همه‌ی شاگردان حکیم است که مأذون سروده است:

الست ربکم طبیلین چالاندا

دوست و دشمن امتحانی قیالاندا

دوست سؤال ائندنده جواب آلالاندا

بیان ائتدیم عشق آدینی داهای هئچ

*

هانسی سلطان تختی گنتمه‌دی بادا

هانسی عاشق اولدو اوله دونیادا

آتام رحمت اولسون دئردی اوستادا

اوغولما درس عشق اویرهت داهی هئچ!

*

باخین نجدین تورپاغینا، داشینا،

یاس توتوب مجنونون گوزو یاشینا

مسکین مأذون اولسه قبری داشینا

یازین: «آمان! عشق ائویدیر، داهی هئچ!»

این عشق سبب می‌شود که گاهی چون نباتی به رقص درآید و چون مولوی فغان بردارد و چون فضولی مست و مدهوش شود و سر از پا نشناسد و گاه همانند شیخ محمود شبستری در فرامرزهای کفر و ایمان سخن گوید:

دلبر بئله بیزدن آپاریب آرام

بیلیم کی دل نه دیر، دل آرام نه دیر

او به نظرش می‌رسد که همه به باطل روزگار سپری کرده است. مرحوم جلال همایی او را از این نظر «انسان کامل» نامیده است و شهید مطهری وی را «نمونه‌ی متانت و وقار و انضباط اخلاقی و تقوا» دانسته است و شیخ آقا بزرگ تهرانی با حیرت گفته است که: «نماز جماعت او از بزرگترین تجمعات در اصفهان بوده است.»

مأذون نیز با خشوع و فروتنی در پایان ذکر فضائل حضرت علی چنین می‌گوید:

مأذونام مدحینه معرفتیم یوخ

معصیتدن آیری عبادتیم یوخ

مولاجان اوزگیه لیاقتیم یوخ

قنبرین قولویام الحمدلله

وارد کردن فرازهای اندیشه‌ی فلسفی در شعر دوره‌ی نوین قشقای بی، شاید اول بار نصیب مأذون، همعصر و ستایشگر حکیم جهانگیرخان شده است. از این جهت «قوشما»ی معروف زیر بسیار ممتاز است:

من گلمه‌دیم بو دونیادا غم چکم

غم وار ایمیش بو غمخانا وار ایمیش

منی ایچمک چین گوتورمه‌دیم جام جم

منی وار ایمیش بو میخانا وار ایمیش.

*

بیری نین دردی چوخ، بیری دردی آزر

بیری دل پریشان بیری دنواز

مجنون، مست عشق و لیلی، مست ناز

داغ وار ایمیش بو دیوانا وار ایمیش

مأذون همانند حکیم جهانگیرخان در تعارض عقل و عشق، راه عشق را برمی‌گزیند. حکیم جهانگیرخان نیز

بئله مست عشق اولموشام، آنلامام
ساقی نه دیر، شراب نه دیر، جام نه دیر؟

*

بیلیم نه یم یا نه ایدیم ازلدن
یا نه اولاسیام چیخام بو حالدن
چکیب گتیر دیلر نئچه محلدن

هنج بیلیمه دیم مطلب نه دیر، کام نه دیر!

در زندگی حکیم جهانگیر خان و میرزا مآذون یک نقطه‌ی مشترک نیز وجود دارد که سبب دگرگونی در احوال آن‌ها شده است. ملاقات با یحیی ارمنی، حکیم را به تفکر وامی‌دارد و به تحول روحی وی سبب می‌شود، ملاقات میرزا مآذون با یک ارمنی‌زاده‌ی جلفای اصفهان نیز حال او را دگرگون می‌کند، او را به «صفا» فرا می‌خواند و به «شراب ناب» و «ایاغ بلور» دعوت می‌کند:

رقبیدن اؤزگه بیر زمان چکیل گیلن قراغا گل
قوناق اولوب بو باغا گل، اوتاغا گل، قوجاغا گل
شراب ناب دولدوروب، گؤزل! بولور آیاغا گل
ایچیب مئی، چالیب نئی، صفا اندیب، دماغا گل

تفکر فلسفی در احوال جهان و کائنات در تاریخ دویست ساله‌ی اخیر شعر قشقایی که حاصل تأثیر اندیشه‌های پیش‌تاز خردورزان و در عین حال اصول‌گرایانه‌ی حکیم است تا عصر ما تداوم دارد و این واقعیت، ناشی از آن است که حکیم با جسارتی فضولی مآبانه فقه و شعر و فلسفه و موسیقی را با تدبیر و خردورزی درآمیخت به گونه‌ای که به سبب تقوا و پرهیزگاری فرابشری وی، کسی از متکلمین حوزه نتوانستند روند کفر انگاری تدریس فلسفه و موسیقی را دوام و قوام بخشند و از سوی دیگر شاعران و شیفندگان موسیقی به سوی حکمت الهی و فضیلت‌های

دینی جذب شدند و معنویت و روحانیت مداری را به قائمه‌ی خلاقیت ادبی خود بدل ساختند.

یوسفعلی بیگ معروف به «یوسف خسرو» یکی دیگر از نام‌آوران شعر و ادب دویست ساله‌ی اخیر ایل سرافراز قشقایی است که اشتیاق عاشقانه به وصال حق را مضمون اصلی شعر خود ساخته است:

بارالاه باغیریم دؤنوبدور قانا
اودلادی جانیمی یار/اشتیاقی.
هاچان اولور یاتان باختیم اویانا
صبح وصله دؤنه شام فراقی

و خود را همانند قوشچو اوغلو قربانی درگاه حق نامیده است:

قوربانلیق گنججه‌سی آیریلیب گئتمه
سحرکیملر اولور قوربانین سنین
قوربان که دئیرلر ایلده بیر اولار
من اوللام هرگونه قوربانین سنین.

و از «سلطان» سخن گفته و به عشق دیدار او جان باخته است:

سلطانیم روشن انت شمع رخسارین،
تابیلن کیم اونون پروانه‌سیدیر.
من سئومیشم، حسرتلیم، یانمیشام
مگر مندن آیری کیم یاناسیدیر.

شاعر دیگر قشقایی استاد محمد ابراهیم است که از قبیله‌ی هنرپرور «اوستادلار» ایل سرافراز است و پدر و فرزندان‌ش نیز مانند خودش از شعر و موسیقی متعالی قشقایی بهره داشتند و خود عارفی علی‌ستا بود و سنت علی‌ستایی را در تاریخ شعر قشقایی دوام بخشیده است:

گاهی عصایودی موسی‌الینده،

گاهی مسیح دمدیر عیسی دیلینده.

گهی راهدار ایدی معراج یولوندا

حقین اسراری نین خفیاتی دیر

*

اؤز ایگیرمی دؤرد مین والمرسلاتی

جذب ائدن بیلدیرن ذات صفاتی

آلتی مین آلتی اوز آلدמוש و آلتی

آیه ی قرآنین موجباتی دیر

روند دین محوری و فضیلت مداری تا روزگار ما

در بستر شعر قشقای مضمون اصلی بافت بسامان و

بهنجار آن را تشکیل می‌دهد. در کتاب نغمه‌های ایل

مضمون اصلی بستر شعر ایل سرافراز خود کرده است.

سخن خود را با آوردن چند بند از شعر «شاه

قاچماغی، امام گلمگی» اثر تیمور گردانی - یکی از

شعرای معاصر ایل سرافراز - به فرجام می‌رسانم:

او زامان که شاه پلید

هئچ زاددان یوخ ایدی تردید

خمینی نی ائتدی تبعید

ملت واری اولدو گریان

*

فرمان وئردی طاغوت شوم

فیضیه یه اولدو هجوم.

روحانی یه ووردو باتوم

جوانمرگ اولמוש آجان

*

ملت قلبی وئیرندا

بیز امامدان اولماگ جدا

سر و جان ائدریک فدا

اگر امام وئره فرمان

اما در باب تدوین آثار خلاقه ادبی حکیم

جهانگیرخان و بررسی تطبیقی آن با

دیوان‌های شعرای بازپسین قشقای،

همانگونه که پیش از این نیز گفته‌ام، راه

زیادی در پیش است. یکی از راه‌های

دستیابی به این آثار، مراجعه به مردم و

گوش دادن به بیان ذخائر مدفون در سینه‌هاست که

امیدوارم این آرزو به همت جوانان فرهیخته ایل

سرافراز که به امر بازگشت به خویشان بها می‌دهند،

تحقق یابد و برآورده گردد.



قشقای که در سال ۱۳۷۱ در شیراز چاپ شده آثار

بیش از پنجاه تن از شعرای معاصر قشقای گرد آمده

است که در تمام آن‌ها این مضمون به روشنی مشهود

است. گذشته از آن، نسل جوان قشقای دفاع از کیان

نظام مقدس جمهوری اسلامی را نیز جانمایه‌ی این

گئرجک ائرمنى و گئرجک ائرمىستانين كوك آراشدیرماسى تاريخده

تاريخين كوسوفلارى (۱)

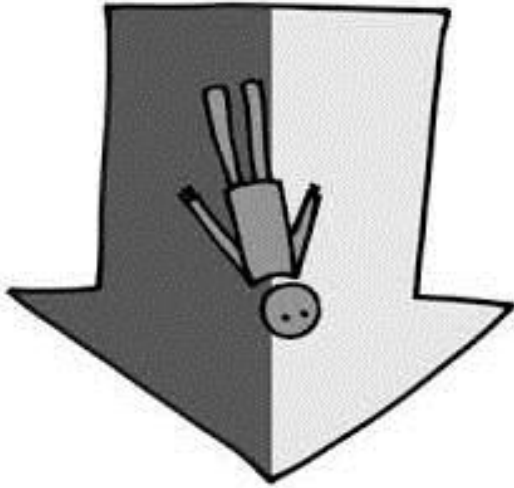
يازار : فرهاد جوادى يكان سعدى (عبدالله اوغلو)



باغ، باغچیلیک، آریاغ، آریاغچیلیک، موسکا، بویو، بویوجولوک، موسکاجیلیک، جادی، اوسون، اوسونجولوک، یات، یاتچی، ائرمیش و ائریشمک مؤوضوعلارینی آراشدیرماق و بو آددا اولان خالق ایله ایلیشگیسینی اؤیره نمک لازیمدیر. قدیم گئرجک ائرمنى بو کونولارلا ایلگیلی بیر آدم ایدی. اسکی ائرمنى آدمی بو ایشلرین اییه سی و پروفئسنالی ایمیش. او تورک خالقلارین لیدئری و اوندە رلریندن ساییلیرمیش. ائرمنى و ائرمىستانين آدی، بیزیم اوچون اونون گیزینين آناکتاری کیمی ساییلیر. بوآد بیزه آراشتیرما کونوسوندا هانکی سمتە یۆنلنمە یی و یورومه یی گۆستیریر. بشر تاریخی کیتابینین بیر سیرا بۆلوملری، بیر دفعه لیک اولاراق کۆکدن چىخاریلیب آتیلیبدير و او سیرا بۆلوملردن بیرى ده ائرمنى و ائرمىستان تاریخی بۆلومودور. گئرجک ائرمینلر تورک تاریخینین ان کۆکلۆ و حل ائدیجی رول صاحیبی اولان خالق و طایفه اولوبدور. ائرمنى و ائرمىستان، روم - یونان تاریخلرینده "آرمینی"، "آرمئیا" و عرب قایناقلا ریندا "ارمنیه" کیمی و فارس - تورک منبعلر و قایناقلا ریندا "ائرمىستان" کیمی قئیده آلینیدير. "آرم"، "آرمینی"، "آرمین"، "آرمین" آدلاری و سۆزلری تورک میفولوگیاسی ایله باغلی، میف و میفولوگیادان تۆره نمیش آدلار دیلار. قدیم ائرمنى آدمی یئری گلنده تورکون حکیمی و طبیبی، پسیکیاتیری، گینوتیزماچیسى، کۆتۆ و شر قوه لردن قورویوجوسو، پاپاز و دین خادیمی، اوسونجوسو، بویوجوسو، تانیری و تانیری ائلچیلری ده اولورموش. او، زمانیندا بیر نئچه اؤنملی و روحانی وظیفه لرین صاحیبی ایمیش. اونلارین (گئرجک تورک ائرمنى سینین) اساس ایلك مسکنی و قایناغی "اورمو (اورمیا)

ائرمنى و ائرمىستان کونوسو، دنیا تاریخی و اؤزلیکلە ده تورک دونیاسی و آذربایجان تاریخینین ان گیزلی و مورککب کونولاریندا بیر یسی کیمی، هر زامان گیزلی و آچیلما میش بیر دویون کیمی قالماقدادیر و نَدَنَسَه هئچ زامان دنیا عالیملری و تاریخ بیلگینلری بونو چۆزمه یه، اساسلی و کۆکدن آچیکلاما غینا نائیل و باشاریلی اولا بیلمه ییلر. گئرجک ائرمنى کونوسو، بشر تاریخینین ایلكین مدنیت دؤورلری یعنی یئنی داش دؤورونه عایید اولان بیر مسئله دیر. ائرمنى دویونونو و گیزینی آچماق اوچون، بشر تاریخینین ان درین قاتلارینا گئدیپ چیخماق لازیمدیر، تا بو آددا اولان خالق و کوتله نین کۆکونو آراشدیریب تاریخ صحنه سینده اوزه چىخارتماقلا، بو تاریخی گیزین ده اوستو آچیلما میش اولسون. گئرجک ائرمینى و ائرمىستانى تانیماق اوچون ایلك اؤنجه تورک بشر تاریخینده

اولماسین؟! اونلار ایندی ده تورک طایفاسی و خالق اولان آیریم و یونان – روم دیلینده یازیلیشی "آرم" لار یا آرم اولکەسی، و اورارتو تورکلرین دیل و یازیسیندا ("اینی"/"اونی" مکان اولکە آدلاریندا ایشله نن شکیلچی علاوه اولاراق) آرمینی// آرمونی تورک اراضی آدی آلتیندا اؤز حیاتلارینا داوام اندیرلر. یئرلی تورک خالق، های-لارین آرمینی دن سورگون اثرینده آرازین قوزئی ساحلینده، ایندیکی ائرمینیستان آدلانان اراضیلرده یئرلشدیگی اوچون، بو تزه گلن و سورگون اولموش 10/000 های"عائیلە سینە ده ائرمینی دئیلر، چونکی اونلار تورک یوردو و



تورپاگی اولان ائرمینیستاندان اورایا کتیریلیمشدیرلر، اونا گؤره اؤزلری ائرمینی و یئنی مسکون اولموش آذربایجان تورک تورپاقلارینا دا، بوش یئرە و ناحاق یئرە ائرمینیستان دئیلر. بونو گلە جه یی حساب ائتمه یین و قوناق پرور یئرلی تورک (آذربایجان) خالق ائتدی و زورلا هایلارا ائرمینی (توپونیم) آدینی بیر ائنتوس آدی کیمی وئردی و اونلارین یاشادیگی و یئنی مسکون اولموش اراضیه ده، ائرمینی آدی ایله باغلی اولاراق ائرمینیستان آدینی وئردی، یوخسا اونلار بو سون عصرلره قده ر ائرمینی آدینی منیمسه میردیلر و اؤزلرینی، اؤز

– وان گؤللرینین حؤوزه سی و چئوره سی اراضی اولموشدور. اونلار ائرادان چوخ اؤنجه لردن، بو اراضیلرین اییه سی ایدیلر و بو اراضیده ایلکین تورک – آذربایجان دؤولتلی یارانمادان اؤنجه، یعنی ماد(میدیا)– ماننا حکومتلریندن چوخ اؤنجه لر، بو اراضیلرده یاشاییب و بو اراضیین یئرلی اهالیسیندن ساییلردیلار. بو تورک سویلو خالق و اونون یاشادیگی اراضیلر، تاریخ بویو موختلیف و چئشیتلی آدلارا مالیک اولوب و تانییب دیر. "های" آدی، تورکجه سؤزدور و بیز اونلاری هایاسا آدی تورک ایالتی و اراضیسینین آدی ایله آدلاندیریریق. بونلار آروپا یا خود قارا دنیزین هارالاریندان و یا بالکان یاریم آداسینین هاراسیندان دوروب کؤچوب گلە لری و بیر مدت کیچیک آسیانین فریگییه اولکە سینده و سونرا تورک تورپاگی اولان هایاسا ایالتینده یئرلشمه لری و سونرا اورادان دا قدیم تورک اولکە سی اولان ماننلار // آیریملار یوردونا (Arm.ini) یئرلشمه لری و اورارتولار آرمینی نی آلیب ضبط ائده ن دن سونرا، اورارتو سوی آدینی داشیمالاری و آن سوندا اورارتو چارلارینین تشبوسو ایله آذربایجانین ایندیکی ائرمینیستان آدی اراضیلرینده یئرلشمه لری، بیر عجیبه و قریبه تاریخ اولایی دیر کی بیر آدسیز خالق هر دفعه کؤچدویو یئرین و قوناق قبول ائله دیگی آدامین یا ائو اییه سینین آدینی، اؤزونه آد سئجیب گؤتورمه یی، ائنتوسلار تاریخینده استئنا بیر حال دیر (یئرسیز یئرە یئرلی تورکلر، هایلاری ائرمینیستاندان سورگون اولدوقلاری اوچون، ائرمینی آدلاندیردیقلاری، آذربایجان تورپاقلاریندا، قوندارما ائرمینیستانین پئیدا اولماسینا و یارانماسینا سبب اولدو). بیر خالق نؤجه اولسون کی هر دفعه بیر باشقاسینین آدی آلتیندا یاشاسین و اؤزونون اؤزه ل و مستقیل و بللی سوی آدی اولماسین و ائنتوگئئزی بللی

تۆره ييب چوخالديلار و اونلارين ياشاديغي اراضييه ده ائرمينيستان دئديلر و تاريخده هئچ-هئچينه بير ديگر صونعى و سونرادان ساختا بير ائرمينيستان ياراندى. بو فرق ايله كى ايلكىن ائرمينيستان آنادولودا بير تورك اولكه سى ايدى ، اما بو سونراكى ائرمينيستان ، آذربايجان تورك تورپاقلاريندا ، آرازين شيماليندا يارانان اولكه و اهالييسى ده باشقا بير خالق، يعنى تورك اولمايان و آروپا كؤكنلى بير خالق ايدى. هاى ائرمينلرينين بئله اوزگه مالينا و تاريخينه ال آتما احوالاتى آز اولماييدير. تورك عاليملىرى و اوزمانلارينين بورجو بو قديم دوغما تورك آدلاريني ، باشقاسينين اييه لنمه سينين و منيمسه مه سينين قارشيسيني آماقدير و ايزين وئرمه يه لر كى اونلارين اوز دوغما سؤزلر و آدلاريني ،اونلارين اوز عليه لرينه ايشلستينلر و بد نيت پلانلار جيزسينلار ، نئجه كى هايلارين مسئله سينده بو سايق تاريخى سهولرى ، ايندى تورك خالقينين باشينا بؤيوك بلالار آچيب و آچماقداير و بوش يئره يئنى گلگيش بير خالقا موخته سينه، نئچه مين ايللىك ساييقيه يه (ايستاژا) ماليك ائرمينى آدى تورك خالقينين تاريخيني و اراضى سيني(آرمينى،آنادولودا وان گولو اطرافى تا اورمو گولو اطرافينا قدر) باغيشلاديلار و اوز دوغما تورك طايفا آدينى، ايندى اوز تاريخى دوشماني كوللانير. هاى ائرمينى خالقى هئچ زامان اوزونو ائرمينى آدانديرماييب، بو آدى يئرلى تورك خالقى اوزو بيلمه دن (گله جه يى بيلمه دن) اونلارا وئريبدير(تورك خالقى قديمدن آد قويما و آد وئرمه پئشهسىدير).هايلارين تورپاق ادعالارينين كؤكو و زمينى ، تورك خالقينين بوش يئره اورارتولار زامانى اونلارا تورك ائرمينلرين آدينى وئرمكده دير، چونكى اصيل تورك آرمينى / آرمينيا / ائرمينيا / ائرمينييه اولكه و ايلاتين اوزونه گؤره ،وان گولو حؤوزه سيندن تا اورمو گولونون چئوره سينه قدر اراضيسى اولوب و ديگر طرفدن ان اؤنملى سى

— اوزلوكلرينده "هاى" و تورپاقلارينين آدينى دا "هاستان" بيليپ دئييرديلر.اونلار موخته آدا اييه لنمكله ، بؤيوك بير تاريخه و عنوانا و بؤيوك بير اراضييه و كئچميشه ماليك اولدولار و تورك خالقينين اونلارا موخته يئره وئردىكى آدان ياخشيجا كوللانيب ،بهرملنديلر. ائرمينيستانين چوخ بؤيوك عظمتلى تاريخى، مدنيتى وار و اوزو ده چوخ قديم بير خالقدير. ائوتت بونلار دوزدور و بير حقيقتدير، آما بو سايديقلاريميز شان-شؤهرت ،عظمت، قديملىك، هانسى ائرمينى يه و هانسى ائرمينيستانا عاييدير؟! بو هايلارين اييه لنديكى ائرمينى آدى و هايلارلا دولوب اويوشموش ايندىكى آرازين شيماليندا آذربايجان تورپاقلارى ؟ ، يوخسا اصيل تورك سويلو آيريم تورك طايفاسينين يوردو ؟ هانسى؟ آنادولودا



يئرلشن حقيقى آرمينى يا ائرمينيستان ، بوتون تورك دونياسينين و او جمله دن ايران ، آذربايجان ، آريا و توركيستان(اورتا آسيا) توركلرينين موغلار(دين خاديملىرى) قايناغى اولان يورد و ايلاتيميش. آرمينى يا ائرمينيستان ، اووسونجو و بويوجو آيريملارين يوردو سايليرميش.اونلارين يوردونو اورارتو يازيلاريندا "آرمينى" و يونان — روما مؤليفلرين يازيلاريندا "آرم" فورماسيندا يازيليرميش و يئرلى توركلرين ديلينده ائرمينى و ائرمينيستان آدانيرميش و بو اولكه آنادولودا يئرلشيدى. البته اونلارا (هايلارا)، بو آدى يئرلى توركلر ايكي اللى سونوبلار . هايلارين آرمينى اراضيسيندن گلديكلرى اوچون ، توركلر اونلارا آرمينى دئديلر و چاغيرديلار. زامان كئچديكجه

بعضی تورک بوی و طایفالارینین آدی دا(انتونیمی) بو سیرا ایناملاردان و بو کیمی پئشه لرله ایلگیلی قاینقلاناراق ، انتونیملری یاراتمیشدیر. او سیرادان بیز ”ماغ“/”ماق“ Mağ//Maq طایفاسینی و ”آیریم“ Ayrim طایفاسینی آد آپارا بیلریم. ”آیریم“ لار آن اسکی تورک طایفا و بویلاردان بیرسی سایلیر. آیریم ،آذربایجان قبیله بیرلشمه سی حاققیندا تورلو خالق سۆز آچیملاری واردیر، آما آن قانع اندیجی و عاغیلا باتان آنلامی بو تورک قبیله و طایفاسینین آدی حاققیندا آچیکلامانی ، آذربایجان میفولوجو و تاریخچیسی ”میر علی سئییدوف“ M.Ə.Seyidov قلمه آلیر و یازیر : آیریم اسکی تورک سوی و قبیله بیرلشمه سی انتوسونون آدی ”آی“ Ay و ”ریم“ Rim سۆزلرینین بیرلشمه سیندن یارانیب. ”آی“ تورک سۆزو ”تانریسال ، تانری ، سماوی، ایلاهی، مقدس ، گۆیدن ائمه ، کوتسال ” آنلامیندادیر .

آدین ایکینجی بۆلومو یعنی ”ریم“ ایسه کازان Kazan، کویبال Kuybal، لئبئد Lebed، قیرقیز Qırqız، آلتای Altay، تئلئوت Teleut، شور Şor، ساکای(ساقای) Sakay/Saqay ” تورک دیلرینده ”اؤنجه دن خبر وئره ن“ ، ”اؤنجه دن خئیری-شئری بیلن“ ، ”پئیغمبرلیک“ دئمکدیر. ”ریم“ Rim سۆزوندن تورک خالقلاریندا ”ریمچی“ Rimçi و ”ریمچیلیک“ Rimçilik سۆزلری ده یارانیلیبدیر. هامیسی ”یاخشی خبری، گلن خوشباختلیغی ،کۆتو خبری ، باشا گلن



بو کی ،بو تورکلرین نئچه مین ایللیک تاریخلی و تاریخی ایزلری او بۆلگهده اولوب کی بونلاری بوش یئره باغیشلادیلار هایلارا و بو حرکت ایله دیگر بیر تورک اراضی سینین باشینی(آذربایجانین ایندیکی ائرمنیستان آدی تورپاقلارینی)دا، بوش یئره(او های خالقینی ائرمنی آدلاندیردیقلاری اوچون) بۆیوک بیر فلاکت سوخدولار، چونکی ایندیکی هایلار، تورک طایفاسی و خالق اولان ائرمنی نین تاریخینه و تاریخی اراضیسینه اییه لئیب سؤیکه نهرک، آذربایجان اراضیسینی ده او قدیم ائرمنی تورپاقلارینا علاوه ائدیپ، ”بۆیوک ائرمنیستان“ خریطه سینی جیزیپ و او خولیاسی ایله یاشاماقدادیر. یئر اوزونده کی تورک سویلو و تورک دیلی خالقلارین یاشادیغی اراضینی ، ساکیت اوکیان دان تا آغ دنیز- ائگئی ساحیلرینه قده ر اوزانان اراضیده ،ایکی اساس ائرمنی آدامنین قاینای و توپلوم یاشادیغی یئری اولوب. غرب (باتی) سمتینده کی اراضیده ”اورمو- وان گۆللی حؤوزه سینده، مرکزی ”اورومیا“ /”اورومو“ /”اوروما“ / ”آرما“ شهری و دیگر آنا قاینای و توپلوم مرکزی اولان ، تورک دونیاسینین شرق و دوغوسوندا یئرلشن ایندیکی شرقی تورکیستاندا ،او یغور تورکلرینین آنا تورپاغی ساییلان ،اورومچو شهریدیر. آیریم ... ارمی ... اورمیا . بیز مقوله ده چالیشیریق بو اوچ آدین بیر-بیرله باغلیلیغینی و اونلارین آراسیندا اولان باغلاری اثبات ائده ک.

ایندی بورادا یئری گلیمیشکن لازیم گؤرونور بو مقاله مؤلفینین تورکیه تورکجه سینده ۲۰۱۴ فنؤرال آییندا یازیلیمیش ”کولتوروموزده موسکا“ آدی مقاله سیندن ائرمنیستان کونوسو حاققیندا اولان پارچانی عینا بورادا کتیره ک ۱: ”انسکی تورکلرده بویوجولوک ، اؤوسون و اؤن گؤرولوک ، کؤک توتموش دینسل ایناملاری و اینانجلاری ،اؤز حیاتیینی داوام ائتدیرمکده ایدی و

رمیشلر و بو ایرماغین دالغالاری (لپه لری) و کۆپویو ایله اؤن گۆرولوک ائده ریشلر.^۴ تاریخی "آگاتنگلوس" Agathenglus ، "پئلینی" Pelini و "پلوتارک" Plotark دئییکلرینه گۆره آرمینی ده آن سئویملی تانری ، تانریچا Anahit "آناهیت" ایمیش و اؤزه ل آیلار و گونلر، آی و گونشَه حصر اولونموشدور. گزئنفون Gezenfon "آنابایس" دا Anabayis ایشاره اندیر کی آرمینی لر گونشَه ، سویا قوربان گسرمیشلر. تاریخی آگاتنگلوس یازیر کی گونش و نور ، ایشیق تانریسی میترا (میسرا) نین آرمینی نین باگایارنیک 'ینده تاپیناگی و اریمیش.^۵ بونو دا آرتیرمالیق کی آیریم Ayırım آدیندا "آی" Ay سؤزو آسکی تورک دیللرینه (بوخاریدا سایدیقلا ریمیز آنلاملاردان باشقا) "کونوشماک ، دئمک ، بیان ائتمک ، سؤیلمک ، وعظ ائتمک" آنلاملاریندا دا گلیبدیر.^۶ "ایریم irim / ایریم irim / ایرم یرم" (ریم rim / ریم rim) ، ویرد و دوعا اوخوماق ، میزیداماقلا بوغوناق و یاخشی دیولمایان بویؤ Büyü و جادو سؤزلری آنلامیندا اولان "آرم" Arm سؤزو ، "آیریم" Ayırım ائتئوسو و طایفاسی آدینین اونسوز ünsüz سسلسیز (صائیتسیز حرفلر // حروف بیصدا) یازیلیمیش فورماسیدیر. چونکی ائسکی چپوی (میخ) یازیلاریندا ، بیر چوخ آرادا گلن اونلو ünlü سسَلر (سؤزجوکلر) و یوموشاق "ی" y ، "غ" g کیمی سسَلر دوشوب یازیلمیردی. اؤرنک اوچون Ayırım "آیریم" آدی یازیلارکن ، a ، "آ" دان سونرا یوموشاق "ی" y و "ر" r دان سونراکی "ی" y اونلو سسی دوشوب و "آرم" Arm فورماسینا کئچیدیر. آیریم Ayırım <--- آرم Arm. توروخانسک یاکوتلاری میفلور یاسیندا "آی" / Ay ، "آی" Ai ، یارادیجی // یارادان // تانری آنلامیندایر.^۸ آذربایجاندا اؤزه للیکله ایران آذربایجانیندا "آیریمی" Ayırımı ، "آیریملی" Ayırlı آدلی تورک طایفا ایندی ده

اوغور سوزلوغو خبر وئرمک ، اوزان ، باکشی و اونلارین باشچیسی "ده ده قورقودو" یادا سالیر . سئیدوو Seyidov "آیریم" سؤزو یا آدینی ، تورک سئویلو ساک لار یا ساکالارلا باغلاییر.^۹ آذربایجانلی عالیمین وئردیگی ایضاح و آنلاملاردان باشقا بونو آرتیرمالیق کی "آی" Ay سؤزو عینی حالدا طبیقی ده ده قورقوت کیتابی "دانیشان" ، "کونوشان" ، "سؤیله یَن" دئمکدیر. ده ده قورقوت کیتابینین گیشینده اوخوبوروق "قورقوت آتا آیتدی: بورادا "آیتدی" ayıtdı یعنی "سؤیله دی ، هوشدارلیک وئرمک ، خبر وئرمک" آنلامیندایر. دئمک "آی" یَن تورک دیلینده (اؤزه للیکله اوغوز تورکجه سینده) بیر آنلامی دا (سئیدوفون دئییکلریندن باشقا) ، "سؤیله مک و خبردارلیق" ائتمکدیر. آیریم Ayırım سؤزو و ائتئونیمی اصلینده تورکجه "ایریم" İrim سؤزو ایله بیر کؤکدن اولای بیلر یعنی آیریم ، ایریم irim سؤزونون باشقا فوننتیک واریانتیدیر ، چونکی "ایریم" irim سؤزونون آنلامی دا بو فیکیری و احتمالی بیزده گوجلندیریر و بیزی ساندیغیمیزا سورکله بیر. شمس الدین سامی قاموس ترکی آدلی لوغت کیتابیندا "ایریم" irim سؤزونون آنلامیندا یازیر : ایریم =İrim ایرمک دن .

ایرمه ، وصول (چاتما ، نائیل اولماق ، اولاشماق) – فال آچما ، تَقال ، استخاره^۳ دئمک "آیریم" Ayırım تورک طایفاسی ، اؤز طایفا و ائتئوسونون آدینی ، اؤن گۆرولوک ائده ن و اؤنجه دن خبر وئره ن اؤز طایفا باشچیسی ، طایفا بؤیوکو و آغ ساققالی ، طایفا باکشی/باخشی و اوزانی نین شرفینه ، "آیریم" قویوبدور . چوخ گومان ، بو طایفانین باشچی و لیدئری ، اؤن گۆرو حیسیسینه مالیک بیرسی ایمیش و اؤنجه دن خبر وئره ن ایمیش... "تاستیوس"ون Tastius دئییکینه گۆره "آرمینی" Armini خالق فرات ایرماگی اوچون آت قوربانلیق ائده

کندی حیاتینا داوام انتدیرمکده دیر. بو ائسکی تورک طایفاسی قارا دنیزین گونئی دوغوسوندا یعنی وان گولونون چئوره سینده یئرلشیرمیش. آیریم تورک طایفاسینین بو یئرلشدیگی و یورت سالمیش یئرلری کندی انتتوس آدلاری ایله باغلی اولاراق ، ”آیریمینی“ Armini و یوموشاک ”ی“ y سسینین دوشمه سیله ”آریمینی“ Arimini و سوندا دا قیسسا (تورک دیلینه اوزه ل اولان) ”۱“ صائیت سسینین دوشمه سیله و عینی حالدا آسور ، آرامئی ، فارس ، بابیل، یونان ، های ،ایبری ، روم و باشقا هیند-آروپالی دیللرده اولمادیگی یوزوندن ، گیل تابلنت لرده ، داش و قایا اوزه رینده چیوی (میخ) یازیلاردا ،بالبال لاردا،داش بابالاردا،کتیبه لرده و کیتابلاردا و باشقا-باشقا قایناقلاردا و اوزه للیکله ده ”اورارتو“ داش و قایا اوستو چیوی (میخ) یازیلاریندا ، ”آریمینی“ Armini فورماسینی و آدینی آلمیش و بویله ده تاریخده تانییب و ایندی ده تانیماقدادیر. بو تورک ”آیریم“ Arimin طایفا، اولکه سینین آدینی عرب جوغرافیایچیلاری و گزگینلری (سیاحلاری) کندی اثرلرینده ”آرمنیه“ Ermaniyə گیبی یازمیشلار . بو تورک اولکه سی ”ارمنیه“ Ermaniyə//Ərmaniyə و یا اورارتولار و ائسکی یونان یازارلارین دیلیجه دئسه ک ”آریمینی“ Armini ، آیریم Arimin تورک طایفاسینین اولکه سی دئمکدیر. بیزه گوره هیت/هئت Hit /Het، ماننا Manna، میدیا Midia (مادMad) و آشور Assur ایمپئریالاری زامانی ، حیات سورهن بو اولکه ، دین خادیملری و دین باشچیلاری اولان ”ماق“لارین اساس مرکزی وقایناغی اولوب ، یعنی ماقلار دئدیگیمیز دین آداملاری دا، ”آیریم“ تورک طایفاسیندان چیخیب بوتون اولکه لره یاییلان دینچیلر و دین خادیملری اولموشلار و میدیا تورکلری دؤورونده بو دین باشچیلیغی رولونو تورک دونیاسیندا و

باشقا تورک یورتلاریندا، کندی اوزه رینه گؤتورموش خالق اولموشلار و ائله جه ده بوتون تورک توپراقلارینا یاییلدیقلارینا گوره ، گونو گوندن بو ”آیریم“ Arimin (آریمینی) ائرمینیه (Ermaniyə) اولکه سی، سای باخیمیندان آزالاراق باشقا یاد خالق اونون توپراغینا گیریپ ، یئرلشه رک ، او تورک طایفا و انتتوسون هم توپراغینا ، اولکه سینیه ، همی ده آدینا ، اویگارلیغینا بییه لنه رک ، تاریخده بیر ناحاق و یالان ادعادا بولونموشلار . بو ائسکی تورک انتتوسو یعنی ”آیریم“ Arimin انتتوسونون اولکه سینین و دؤولتینین آدی، اورارتو طرفیندن یئنیلیدکن سونرا تاریخده ”اورارتو“ Orartu آدی ایله ، سامی دیلی خالقارین دیلینده ”آراشتوا“ Araştua و ائرادان اؤنجه 5- جی یوزایلیکدن سونرا ”آریمینی“ Armini، ”ارمنیه“ Ermaniyə ایله تانیماقدادیر. آیریملارین Arimin (یئنیلیدکن اؤنجه) یاشادیقلاری بؤلگه نین مرکزی و قایناغی ”کاپادوکیه“ Kapadokiya اولموشدور. بو اولکه نین (اورارتو) بیر نئچه آدی اولوب و یاخشی دئمیش اولساق ، چئشیتلی خالقار طرفیندن وئريلمیش چئشیتلی آدلار داشیمیش خالق و اولکه دیر . اما بو اولکه نین کندی خالق طرفیندن وئريلمیش آدی ”بیا اینی“ Biyaini یا ”بویا اینی“ Buyaini ایمیش. بو خالقین کندی اولکه سینیه وئردیگی آد ، ”بیا اینی“ Biyaini یا ”بویا اینی“ Buyaini یوخ ، اصلینده ”بوگو- اینی“ Būgū ini یا ”بویو اینی“ Būyū ini اولموشدور و اسکی یونان، روم، آسور،فارس،ایبری و باشقا تورک اولمایان خالقارین ”او“ ü اونلو سسینین اولمادیگی اوچون ”بیا اینی“ Biya ini و ”بویا اینی“ Buya ini فورماسیندا قئید اولونوبدور. ”بیا اینی“ Biya ini و ”بویا اینی“ Buya ini بیر چوخ عالیملر و

تاریخ اوزمانلاری و آراشتیریجیلار طرفیندن یوروملانیب و بو قدیم اۆلکه آدینی ایکی آدلیم "اورمیا" Urmiya و "وان" Van گۆل لرینین بو اۆلکه ده یئرلشدیگی اوچون، "سولار یا سو اۆلکه سی" آنلامیندا یوروبلار ، حالبوکی بو اۆلکه نین آدی "آیریم" Ayrim تورک ائتتوسونون یوردو اولاراق ، آنلامی "بویو اۆلکه سی" **Büyü ölkəsi**، "بویو یورتو" **Büyü yurdu** . اۆنجه یوخاریدا قئید ائتدیگیمیز کیمی، "آیریم" لار اووسونجو ovsuncu، سئحیرباز sehirbaz، بویوجو bügücü، büyücü، طبّ حکیمی ، روح حکیمی (پسیکیاتیر) ، سئحیرجی ، موسکاجی (دووا یازان) و عینی حالدا دین خادیمی و تورک خالق دینینی و اینانجلارینی قُرویان آداملار اولوبلار . دئمک بو اساسلارلا "آیریم" لار Ayrim`lar کندی اۆلکه لرینه "بویو اینی" **Büyü ini** (بوگو **bügü**، بویو **büyü**، اووسون **ovsun**، سئحیر **sehir** و موسکا **musqa** یورتو) آدلاندیرماقلاری یئرسیز دئییلیمیش. بیز چوخ یاخشی بیلیریک کی ایندیکی "اثرمنی" آدلاندیردیگیمیز خالق ، اصلینده کندیلرینی "اثرمنی" بیلیرلر ، سایماییرلار و سانمیرلار . بو هیند-آروپا دیلی و سؤیلو خالق ، کندی آرالاریندا ، کندیلرینی "های" **Hay**، "هایک" **Hayk** و کندی یورتلارینی دا "هایستان" **Haystan** آدلاندیریرلار. اثرمنی آدلاندیردیگیمیز "های" خالق چوخ یاخشی بیلیر کی آنادولودا قارا دنیزین گونئی دوغوسوندا یئرلشمیش اسکی اثرمنیه / آرمینی/ اثرمنیستان/ اورارتو / بویا اینی ، تورک خالقلارین اۆلکه سی اولوب و بو تورک اۆلکه سی آیریمینی **Ayrimini** // آرمینی **Armini** بۆلگه و ولایتی ، آزل گوندن اسکی "آیریم" **Ayrim** تورک طایفاسینین یوردو اولموش و کندیلری سونرالار آروپا قاراسیندان (او زمان نه سؤی آدی داشییبیرمیشلار حالا بللی

دئییل) گزه- گزه گلیب "فریگی" **Frigiya** یوردونا و اورادان "هایاسا" **Hayasa** ولایتینه یعنی تورک "هیت" **Hit**/"هئت" **Hett** دؤولتی توپراقلارینا چاتمیش و زامان- زامان بو تورک یوردوندا (اورارتو دؤولتی تورک اۆلکه سی "آرمینی" نی آلمادان اۆنجه) "آرمینی" بۆلگه سینده سیغینیب ، یئرلشمیش ، کۆک سالمیش و سونرا دا اورارتو شاهلاری آیریمینی **Ayrimini** **Armini** // آرمینی نی آلدانان سونرا بو هایلارین بیر چوخ قیسمینی آذربایجانین آراز قوزئی کییی لارینا کۆله لیک و ایش چکمک اوچون سورگون ائدیپ یئرلشدیریر و اورارتو زامانیدان بری ایندیکی اثرمنیستان آدلاندیردیگیمیز توپراقلاریندا بولونماقدادیلار. یئرلی تورکلر بو سورگون اولانلارا (اورارتو`نون// بویا اینی دؤولتینین آرمینی// آیریمینی ولایت و بۆلگه سیندن گلدیکلری اوچون) یانلیش اولاراق سوی آدلاری ایله یوخ ، بلکی گلیب سیغینیب-یئرلشدیگی تورک اۆلکه نین آدینی یعنی "آرمینی" **Armini**، "اثرمنی" **Erməni** وئرمیش و آدلاندیرمیش ، عینی حالدا یئرلی تورک خالق اونلارین بو یئنی یئرلشدیکلری تورک توپراقلارینا دا ، تورک ولایت و اۆلکه نین آدینی یعنی "اثرمنیستان" اراضی آدینی وئیر و آرازین قوزئی ساحیلینده ، ایندیکی "های" لار یاشایان یئر "اثرمنیستان" دئیلیر. آذربایجان تاریخچسی "ق. غئیب اله یئو" **Q.Qeybullayev** یازیر : "ایندیکی اثرمنیلرین (هایلارین) اولو اجدادلاری اولان فریگی لر اثرادان اۆنجه بالکان یاریم آداسیندان کیچیک آسیا یا کنجیب گلmişلر. فریگی لرین بیر قیسمی آسور قاینلاریندا "اورومه" **Urume** و اورارتو قاینلاریندا "آرم" **Arm** ولایتینده(اصلینده آرمینی کیمیدیر لاکین بو آدین سونونداکی "اینی" **ini** اورارتو دیلینده یئر آدلارینین سونلارینا آرتیریلان شکیلچیدیر) یئرلشمیشلر. یازار سونرا قید ائدیر : "آرم **Arm** توپونیمی بالکان یاریم

هيند-آروپا كۆكنلى طايڧا ، بالكان ياريم آداسيندان كىچىك آسيايا ، هئتلرلن اۆلكه سىنه ، "هاياسا" Hayasa آدىلى ولايتە (ايندىكى آرزىنجانا Erzincan) گنلمىش، سونرا ايسه ائرادان اۇنجه 6-7 جى يوزايللردە ، ائرمىنى يايلاسىنا ، داھا سونرا اورارتو Orartu اۆلكه سىنه يايلىمىشىدى. ^{۱۰} دئمك آيدىن اولور كى ائرمىلر ائرادان اۇنجه ۶-۷ يوزايللردە ائرمىنى يايلاسىندا ياشايبىرمىشلار ، اساس سۆز بوراسىنداير كى بىز بو تارىخچىنىن دئدىگى ائرمىلر آروپا كۆكنلى اولان ايندىكى ائرمىلر ساياق ، يوخسا تورك دىللى و تورك سويلو آيىرىم Ayırım (آرم Arm) طايڧاسى و خالقى ساياق؟! آن اساس پروبلئم و مؤوضوع "آرم" Arm يا "آرمىنى" Armini سوي و ديل كىملىنىن آچىكلماق و بو تارىخى گىزى چۆزْمَكِدِر. بونون اوچون تورك تارىخچىلرلن اوزه رينه چوخ بىر آغير يوك دوشور و گرَه ك دىر بو گىزى چۆزْمَك لازىمدىر. روس تارىخچىسى دىاكونو Diakonov يازىر : "ئرمىنى انتتونىمى "آرم" Arm اىالتىنىن (اۆلكه سىنىن) آيدىندان آللىنمادىر. ^{۱۱} بو آد مىدىياللار ، فارسلا، اونلاردان دا عربلرە كئچمىشىدىر. تورك سويلو اورارتو شاهلارلى "مئنا Menum، آرگىشتى Argiṣti، ايكىنجى ساردور Sardur II" آرم اىالتىنى (اۆلكه سىنى) ايشقال ائدىب اورارتويا قاتمىشلار. بىرىنجى آرگىشتى بو اىالتدن ۶۶۰۰ دؤيوشچو ، ايكىنجى ساردور ايسه 10/000 نفر عائىلە نى وان Van گؤلۇ اطرافى اراضيه (يعنى اورارتويا) و سونرادا ايندىكى يئرئوان Yerevan (اىروان) شىرىنىن ياخىنلىغىندا تىكىدىكلرى اىرپونى İrpuni قالاسىنا كۆچورموشدور. آذربايجان اراضىسىندە ايندىكى ائرمىستانا ايلك ائرمىلرلن (اصليندە آروپا كۆكنلى هاى لارىن) گلەمە سى دە بو اولايلا و

آداسىندان كۆچوب گنلرلن سۆزودورمو ، يوخسا اونلار "آرم" آدىلى اولان اۆلكه يە گليب اوتورموشلار؟! ، بو هَلە آيدىن دئىل. ^۹ گۇرونور بىزىم كندى تارىخچىلرلرلرلرلر سۆزونون نه اولدوغونو و نه ايله باغلىدىر ، هَلە لىك چۆزە بىلمە يىب و آچىكلایا بىلمە يىبلر و بىر سىر و تارىخ گىزى كىمى قالماقدادىر. بؤيله اولونجا باشقالارى بو گىزلى قالمىش تارىخى حقيقت لردن ياخشىجا كندى خئىرىنه گۆره يارارلانيرلار و سونرا دا بؤيوك حوليالارا دالمىش اولورلار و توركه عاييد تارىخى گنرچك لر و اولايلا بىر باشقاسىنىن آدى ايله رقم يئىر و سوندا كندى گىزلى و اوستو آچىلمامىش تارىخىمىزىن اسىرى و گىرىفتارى اولوروق و هيچ يول بولامىرىق كى بو دويونلرى چۆزە بىلک. بو گىزلى چۆزە بىلمە يىنجه، "بؤيوك ائرمىستان" توپراقلارى خولياسيله يوز-يوزە گليرىك و باتى دونياسى و باتى تارىخچىلرلى دە بو يئرسىز و بوش ادعايا دستك دورور. آيىرىم اينى Ayrim.ini آيىرىم-اينى Ayirim.ini تورك اۆلكه سى و تورك خالقىنىن گىزى آچىقلانا قَدَر تورك خالقينا اولان يوروشلر و باسقىلار سونا آرميه جَك و داوام ائدە جَك. آيىرىم Ayrim تورك اۆلكه سى و خالقى گىزى، چۆزولمە يىنجه دوغو آنادولو توپراقلارىندان باشقا ، آذربايجان توپراقلارينا باسقىن، يوروش و ايشقال اولونما پروسئسلرلى داوام ائدە جك ، چونكى "بؤيوك ائرمىستان" خرىطه سىنه گۆره توركيه نىن دوغو قىسمى و آذربايجان توپراقلارى آللىنماليدير. بو سوي-نسيل آدىنى و عىنى حالدا بو اۆلكه آدىنى توركلر كندى آللرى له اونلار وئرىب و ايندى دە كندى آللىدردىغى اودون ايچىندە ياخىلير . توركون اويوماسى و آغير اويكوي دالماسىندان، گۇرون رقيب و توركه قارشى دورانلار تارىخ آدىنا تَلر سؤيله بىرلر . اؤرنك اوچون تارىخچى گ.كاپانسيان يازىر : "آرىم" Arim آدىنى داشىيان

Arma (تورک انتتونیمی آیریم /Ayrım /Arım /Armini /Armeniyyə آرمینی /آرمئنیه /Armanistan آرمانیستان) سۆزلری ایله تورک دیلرینین سس ده بییشیمی قانونو و اؤزه للیکلرینی (ب-B- م M سسلرینین ده بییشیلمه سینى) گۆز اؤنونه آلاراق عینی سۆزدور ، یعنی اصلینده "آرپاغ" Arpağ سۆزو هَمَن آرم /Arm /Armağ /Arma آرمآرما سۆزدور.

آرپاغ Arbağ <---- (ب B <---- م M) آرمآرماğ <----- (یوموشاق "غ" صامیتی دوشرکن) <---- آرمآرما /Arma /Arm .

بؤیله اولاراق بو سونوجا چاتیریق کی اسکی تاریخده اؤزه للیکله آنادولو اسکی تاریخینده "آربونی" Arbuni اؤلکه آدی دا هَمَن اسکی تورک اؤلکه سی اولان آرمینی /Armini /Arm.ونی / Arm.uni / آرمئنیه /Armeniyyə /Arm.این.استان Arm.in.stan دیر.

آربونی Arbuni <----- آرمونی Armuni <-----
< آرمینی Armini <----- آرمئنی Armeni <-----
< آرمئنی Armenia .

بو یوخاریداکی اؤرنکلرده "آرم"لا باشلانان سۆز و آدلارینین سونلوغوندا اولان "اینی" ini و "اونی" uni سونلوقلاری ، اورارتوچا یعنی اورارتو دیلینده اولان سونلوقلاردیر. اورارتو التصاقی دیلینده "اینی" ini ، "اونی" uni سونلوقلار ، یورت ، اؤلکه ، وطن دئمکدیر. "آرم.اینی" Arm.ini ، آرم یوردو ، بوگؤبؤگü // Büyölər yurdu و بویولر یوردو Büyü و دئمکدیر. تورکچه "آرم" Arm و "آرپاغ" Arpağ سۆزلری ایله باغلی بیزیم آذربایجاندا و آنادولو دا چوخلو توپونیم ، هیدرونیم ، اورونیم و انتتونیملریمیز وار ، او سیرادان آریا چایی Arpa çayı ، اورمیا شهری Urmiya şəhəri ، اورمیا

حادیثه لرله باغلیدیر.^{۱۲} های لارین بو بؤلگه لره گلمه لریندن چوخ اؤنجه دن ، "اثرمنی" تورک سۆزو ، بیر تورک آدی کیمی اورارتو// بویا اینی// آیریمینی تورکلری طرفیندن کوللانماکدایمیش. بو یئرلی تورک خالقی ائرادان اول ۷-۸ یوزایللیکلردن بو آرمَن Ərmən (اثرمن) و آیریمان Ayrıman آدلاری ایله تانیش ایدیئر و کندی چوجوقلارینا دا بو کیمی آدلاری قویورموشلار. اؤرنک اوچون اورارتو// Orartu بویا اینی //Buyaini آیریمینی Ayrımini شاهی Rosa روسائنین آتاسینین آدی Erimena "اثریمنا" ایمیش. Oscar White Muscarella "اوسکار وایت موسکارئلا" ، آسور شاهی سارگون -ون اورارتو یا حربی یوروشو حاققیندا یازدیغی راپورون اؤن یازیسیندا پروفیسور "استفان کرول" prof. Stephan Kroll قنید ائدیر کی سارگونون اورارتو یا ساواش یوروشو زامانی ، اورارتو شاهی روسا "اثریمن" -ین اوغلو ایمیش.^{۱۳}

"آیریم"لار تورک دونیاسینین دینسل و دینی آخوندلاری (خوجالاری) ، شامانلاری و موغلاری کیمی ، بوتون تورک اؤلکه لرینه و توپراقلارینا یاییلماقدا اولموشلار. آیریملار آن آسکی زامانلاردان یعنی آسکی تاش دؤوروندن بری اووسوندان ، موسکاجیلیکدان باشلایاراق ، سون دؤورلرین زرتوشت دینینین موغلاری // ماقلاری اولاراق ، موغ و ماق کیمی اسکی دونیایه تانیلمیشلار و گئت-گئده اصیل حقیقی "آیریم" آدی ایتیپ- باتیب، آرادان گندیپ و "ماق" فورمونو و آدینی قازانیب داشیماقدا اولوبدور. "آیریم" یعنی "اؤنجه دن خبر وئره ن" ، "اؤنجه گؤره ن" دئمکدیر. اسکی تورک دیلینده "بوگو" //Bügü "بویوبؤگü" ، جادی Cadı ، "اووسون" Ovsun, و Sehir "سحیر"ه ، "آرپاغ" Arpağ دا دئییه رمیشلر کی هَمَن تورکچه "آیریم /Ayrım /Arm آرمآرما

”اورمیا“ Urmiya شهر و توپونیمین آدی ایله باغلی و ایلیشکیده دیر. آذربایجان تاریخچسی ق.قئیب اله یئفه گۆره چوخ احتمیل ایندیکی ”اورمیا“ شهرینین آدی ، ”اورمئیاته“ Urmeyate توپونیمی آدینین قیسالمیشیدیر(ق.قئیبوللایئو-آذربایجان خالقینین تشککولو تاریخی). ائسکی تورک دیلینده ”آریم“ Arım ، ”ایریم“ irim سۆزلری ”فال“ ، ”نیشانه“ ، ”بلگه“ ، ”اؤنجه گۆره ن“ ، ”اؤنجه دن خبر وئره ن“ ، ”اووسون“ ، ”جادى“ ، ”بوگو“//”بویو“ و ”سئحیر“ دیر. ق.قئیبوللایئو یازیر کی بو ”آرما ایتی“ Armaiti آدین ترکیبینه ”آتا“ سۆزو ایشله نیلیدیر (آرم+آتئی Atey) و چوخ احتمیل کی ایندیکی ”اورمیا“ ویلایتی و شهرى، ”موغ“ /”ماغ“/”ماق“ لارین یئری-یوردو و اقامتگاهلاری اولموش ایدی. بونا گۆره دیر و تصادوفی دئییل کی ”اورمیا“ شهرى ”زرتوشت“-ون دوغولوغو یئر ساییلیر. قوزئی آذربایجانین زاگاتالا بؤلگه سینده ده ”آرماتیان“ Armatiyan آدلی اورونیم (داغ) وار کی چوخ احتمیل لا ماغ لار یا موغ لار لا ایلگیلیدیر. یعنی بو داغین آدی ”آرم“ +Arm ”آتئی“ Atey+”آن“ An(= بوگوچو و سئحیرجی پاپازلارین یئری و مسکنی). آرم = بویو ، سئحیر ، اووسون ، جادی، فال، طالع ، بخت و اقبال، اؤنگؤرولوک ، اؤنجه دن خبر وئرمک ، موسکاجی، بویو و موسکا ایله تداوی و درمان ائتمک و بو کیمی آنلاملار . (بونلار آرم-ین arm بیرینجی – ایکینجی درجه لی آنلاملاریدیر. آرم سوزو دیگر آنلاملار و معنا چالارلارینی دا الهه ائییدیر و بیزه گۆره معنا چالارلاریندان بیرسی ده اردو ، قشون و قشونون قوللاری دئمکدیر. مثال اوچون اردونون ساغ قولو یا سول قولو ، اینسان اورگانلاریندان

گؤلؤ Urmiya gölü، آرمئنستان Armenistan اؤلکه سی، آرموتلو Armutlu کؤیو و ساییره... آرپا چاپینین آدی اصلینده ”آرباغ“ ایمیش : آرباغ Arbağ<----> آرباغ Arpağ<----> آرپا Arpa(= بویو büyü/büyü/büyülü/بویولنمیش/büyülənmiş/ بویو یوردونان گئلن سو و ایرماک büyü yurdundan gələn su və irmaq). اورمیا شهرینین آدی ، گؤلون آدینان گؤتورولوبدور و بو گؤلون آدی اصلینده ”آرمیا“ Armiya اولوب و اسکی تورک سۆزو ”آرم“ Arm(= سئحیر sehir، اووسون ovsun، جادی cadı، بوگو bögü، بویو büyü، موسکا muska) و اسکی تورک سۆزو اولان ”یا“ Ya دان(= ائنگین سو engine su، دنیز deniz، دریا derya، گؤل göl) یارانیب و آنلامی ” بوگو bögü/büyü büyü/büyülü گؤل“ دیر. آرم یا Arm.ya<----> آرمیا Armiya<----> اورمیا Ormiya<----> اورمیا Urmia<----> سئحیرلی سو// سئحیرلی دریا // بویولو دنیز. شمس الدین سامی Ş.Sami آرباغ سۆزونون آنلامیندا یازیر : آرباغ = (قیسالمیشی ”آرپا“) ائسکی بوت پرست تورک موغ ، کاهین، گام باشچیلارینین حاستالارا اوخودوقلاری بوگو ، بویو، اووسون یا سئحیر.^{۱۴} ش. سامی ”آرباغجی“ سۆزونون آنلامیندا یازیر : اووسونجو ovsuncu، ساحیر ، بوگوچو bögücü// بویوچو büyücü، اوفوروکجو üfürükcü.^{۱۵} اسکی تاریخده تورک یوردو و اؤلکه سی اولان ماننادا ”آرما ایتی“ Armaiti “ آدلی شهر و ویلایتدن آد آپاریلیب . عینی حالدا عرب قایناقلا ریندا هر زامان اولدوغو کیمی گونئی (ایران) آذربایجانیندا ”اورمیا“ Urmia و ”اورم“ Urm آدلی ایکی توپونیمدن آد آپاریلیب کی بونلارین هر ایکسی ده ایندیکی



اورارتو دۆلتینین آیریمینی /Ayrımini
 ائرمنیستان Ermenistan تورک اراضیسینده
 یئرلشمیش "های"لارین، آرازین قوزئی بؤلگه
 سینه سورگون اولوب یئرلشمه لری یوزوندن،
 یئرلی تورک خالقلاری اونلاری ائرمنیستاندان
 گلدیکلری اوچون، ائرمنی آدلاندیردیلار و ائرمنی
 تورک آدینی، حقیقتی دوشونمه دن اونلارا تاخما
 آد کیمی تاخیدیلار و زامان سوره سینده بو تاخما
 آد، ناحق و یئرسیز اولاراق "های" خالقینین
 اوستونده قالدی و اونلار دا، یئنی یئرلشمیش
 یورتلارینا دا ائرمنیستان آدینی وئردیلر، یوخسا
 اصل حقیقی آیریم /Ayrım//Ayrım
 تورکلرینین یوردو و اولکه سی
 ارمنیه Ermeniyyə / / ارمینی /Armini
 ائرمنیستان Ermenistan، آنادولودا وان گؤل و
 اورمیا گؤل و چئوره سینده یئرلشمیش بیر تورک
 اولکه سی ایدی. موسقا //musqa موسکا
 muska یا طلیسیم بیر دوغال یا غیری-ی دوغال
 ماده دن دوزه لمیش شئی دیر کی اوندان
 قورووچو - بویولو قووه لر، خوش طالع
 وخت- اقبالی جذب ائتمه ده و شیطانی، قارا
 دؤولری و گوجلری دفع ائتمکده دیر.

اورمیه /۱۰ اییول ۲۰۱۴

آردی وار

ساییلان قول لار آرم-ین n درجه لی معنا
 چالارلاریدیر) "آنتی" Atey/Atay آتای = آتا،
 ده ده، آغ ساققال، پاپاز، کاهین، موغ، ماق
 ،شامان، گامان، موللا، خوجا، کاتولیکوس،
 پاپ، پایا و بو گیبی آنلاملار. "آن" An بیر
 احتمالا گوره "جمع"، چوخلوق علامتی و
 بلگه سی سونلوق (= پسوند) اولموش اول و
 باشقا احتمالا گوره ائسکی تورکجه و
 اورارتو'جا "این" in و "اینی" ini (= یورت،
 مسکن، یووا، یاشاییش یئری) توپونیملره اؤزه ل
 سونلوق و شکیلچی اولموش اول و. بورادا یئری
 گلیمشکن بونو دا آرتیرمالیق کی
 "ائرمیا" /Ermya/ "آرمیا" Armya پیغمبرین آدی
 دا چوخ احتمال اولونور کی "آرم" /Arm/ آرمیا
 /Armya/ اورمیا Urmya توپونیملری یا
 بوگو //bügü/ بویو büyü، اووسون ovsun
 سؤزلری و آدلاری ایله باغلی اولموش اولسون و
 بو پیغمبرین آدی اونون تورک سویوندان و آیریم
 /Ayrım/ آیریم /Arim/ آرم Arm یا ماغ
 /Mağ//Maq طیفاسیندان اولموش اولسون.
 "آیریم" /Ayrım/ تورکلردن تاریخده، آسکی آنا و
 دوغما یوردلارینین قورو آدی، ارمینی /Armini/
 ارمینیا /Armeniya/ ائرمنیستان Ermenistan /
 ارمنیه Ermeniyyə و آوروپا سویلو "های"
 خالقینین یانلیش اولاراق کندیسسی ایله داشیدیغی
 "ارمنی" /Ermeni/ سؤی آدی کیمی قالماقدادیر.
 "آیریم" /Ayrım/ تورکلرینین اصل، حقیقی و
 دوغرو اراضیسی ایندیکی آرزینجان تا کاپادوکیه
 بؤلگه سی اراضیسینده ن توتموش کارا دنیزین
 گونئی دوغو کیبیلارینا (ساحیل لرینه) قده ر
 اوزانیب گئدیرمیش. آراز ایرماغینین قوزئیینده
 یئرلشن /Armeniya/ "آرمینیا" یا ائرمنیستان
 Ermenistan اولکه آدی، تاریخ باخیمیدان و
 تاریخ علمی آچیسیندان، اصل، حقیقی اولکه و
 ائتتوس آدی دئییل. بو آذربایجان توپراقلارینین
 ائرمنیستان آدی داشیماسی بونا گؤره دیر کی

اوزان عاريف كيميدير

Ozan Arif kimdir

Prof. Maarifə hacıyeva

پروفیسور معارفه حاجی اوا



چوخ بۇيوك حۇرمت گۇستريلميش، اونلار باشا چكىلميشلر. پروفیسور سايم ساكوغلونون دا يازديغى كيمي: " آنادولودا سۇيلنن ايلك ساز شعيري اۇرنكى مطلق توركلرين بو تورپاقلارلا گلمه سى ايله ياشيددير "

مودريك اوزان آشيق تىپى نين ان باريز اۇرنكى «كىتابى دده-قورقود» داستانينداكى دده قورقوددور. آنادولو تورپاقلارينا گلميش اوزانلار دده قورقود كيمي اللرينده كى سازلارى و هئچ بير زامان قئيب ائتمه ديكلىرى ميللى كيملىكلرى ايله تورك مدنيتىنى، تورك شعيرلىرىنى يوزيلر بويو ياشاداراق گونوموزه گتيرميشلر.

تورك اوزان - آشيق صنعتى نين موعاصير دۇورده كى صنعتكارلاريندان اولان اوزان عاريف ۱۹۴۹-جو ايلده گيرئسونون آلوجرايا باغلى هاپو (يوكسلن) كندينده آنادان اولموشدور. اسل آدى عاريف، سويادى شيرين اولان عاريف كندده هامى نين حۇرمتىنى قازانميش، سئويلن بير عاييله نين اۇولاديدير.

ايلك و اورتا مکتبى سامسوندا اوخوموش، سامسونون پئرشئمبه كندينده صنيف موعليملىگى تحصيلى وئرن مکتبى بيتيرديكن سونرا موختليف مکتبلرده موعليم كيمي امك فالىتینه باشلاميش، سامسونون دئرئيش ايتيداي مکتبى نين موديرى اولموقدور.

آشيقلىق صنعتينه بۇيوك مارق گۇسترن عاريف شيرين " اوزان " لقبىنى اۇزونه تخلص سئچه رك اوستادى عبدالرحيم كاراكوچدان درس آلميشدير.

آشيق ادبياتى نين بونۇوره سى اسلام دينى نين قبول اولونماسيندان اول ايتلميشدير. اسلاميتدن اول ده، سونرا دا تورك ميلتى نين سسى اولان اوزان-آشيقلارين ياراتديغى بو ادبيات آشيق ادبياتى آدلانماقدادير.

اوزانلار آشيق ادبياتى و آشيق صنعتى تمسيلچىلىرى كيمي بو صنعتين خو-خوى اسره قدر " اوزان " آدى ايله ياشاتماق، سونراكى مرحله لرده " اوزان " مفهومو " آشيق " مفهومو ايله عوض اولونماغا باشلاميشدير.

تبريزدن، گۇيچه دن، اورتا عاصيادان باشلايان سازلى-سۇزلو داستان كلنكلرينه دايدانان اوزان-آشيق صنعتىنى اونونجو عصردن کوتلوى شكيلده آنادولوا گلمه يه باشلايان اوغوز توركلرى آنادولو تورپاقلاريندا ياشاتماغا باشلاميشلار. اوردو ايچريسينده شعيرلر سۇيله ين الى سازلى اوزانلارا سارايلاردا، اوردوگاھلاردا، بيلر و سولطانلار يانيندا

آخاری ايله گئتميش، اوزان
عاريف ده وطنينه گليب-
گئتمه يه باشلاميشدير.
حيات يولداشي و اوشاقلاری
ایله او ایللرده آلمانیانین
فرانکفورت شهرینده یاشایان
اوزان عاریف قوربتی ایچینده
یاشاداراق یارادیجیلیغینی
داعوام ائتدیریر، تورک آشیق
صنعتی نین آوروپادا تانییب



اؤزونون حیات حکایه سینی و " اوزان " تخلصونو
آشاغیداکي شعیرده بئله ایفاده ائدیر:
توللود قیرخ دوققوز، آدین عاریفدیر،
سوی آدیم کوتوکده شیرین بیلینیر.
گیرئسون، ألوجرا، هاپو کؤیوندن،
سویومو، سوپومو سورون بیلینیر.

اوزان دئییه تانیر تانیان منی،
کؤنلومده یاشاتمام غرضی، کینی.
ولاکین مملکت، میلّت هاینی،
اولانلارلا آرام سرین بیلینیر.

گؤرۈندۈیۈ کیمی، اوزان عاریف وطنینه، تورپاغینا
باغلی، میللی دوشونجه یه صاحب بیر خالق
آشیغیدیر. خالق نین میللی دوشونجه لرینی دیله
گتیرن بیر خالق اوزانی کیمی حیاتی نین گونوموزده
ده سوردورمکده دیر.

۱۹۷۰-جی ایللرده تورکییه نین کونیا شهرینده
کئچیریلن تورک آشیق‌لار بایرامیندا ایشتیراک ائدن
اوزان عاریف سازینداکی اوستالیق، شعیرینده کی
معنالارلا تقدیر اولونان گنج آشیق‌لاردان بیر اولدو.
تأسوف کی، ۱۹۸۰-جی ایللرده تورکییه ده " ساغ
" و " سول " دئییلن حادیثه لره اوزان عاریفین
ده آدی قاریشمیش، او، تورکیه دن آیریلاراق
آلمانیادا یاشامالی اولموشدور. سونرالار حیات اؤز

سئویمه سینه جیدی-جهد گؤستریردی.
ایلک شعیرلر کیتابی اولان ۲۸۲ صحیفه لیک "
بیر دئورین داستانی " آدلانان اثری ۱۹۸۷-جی
ایلدیه آلمانیادا نشر اولونموشدور. شعیرلری تورکییه
و آلمانیادا یاشایان تورکلر آراسیندا سئویله رک
یاییلیر و ازبرله میشدیر.

اوزان عاریفین تدقیقاتچیلاری نین دا یازدیغی
کیمی اونون یارادیجیلیغیندا ساز شاعیرلری نین
اساس مؤوضولاریندان اولان عشق، سئودا،
مؤوضولارینا راست گلمیریک. شعیرلری نین بیرینده
یازیر:

سیز سورمايین منه عشقی،
من بو یوردون آشیغیییم.
کالئش دوستدان گؤزوم ییلدی،
دوشمان مردین آشیغیییم.

شعیرلری نین عصاس مؤضولاری وطن، میلّت،
وطن هسرتی، قوربتدیر. " بو حالا گلديک " ، "
آلمانییا داستانی " ، " آلمانییا آدرسیم " ، " بیر
دئورین داستانی " ، " شئهیدلر اؤلمز " ، " وطن
تورکوسو " ، " توران تورکوسو " ، " بیر تاسلاغین
داستانی " کیمی شعیرلری نین مؤوضوسو میلّت
حسرتی، حاقسیزلیق، رشوتخورلوغون تنقیدیدیر.

قوزولارین مله دیگی زاماندر.
گلینجیگین تارالاری هر وئرده،
آغ ایرنگه بویادیگی زاماندر.

کۆچ زامانی ایندی کازیکبئلی نین،
سیس باسینجا حؤکو قالخار یولونون.
ساریئردن اسن دومان یئلی نین،
باجالاری یالادیگی زاماندر.

قوشمانین باشقا بیر دۆردلوگونه ایسه یازین
گلشینینی عکس ائتدیرن بیر کند منظره سی
اؤزونمخصوص ائتوقرافیک جیزگیلری ایله قارشیا
چیخیر:



دیکیلیمیشدیر چایرلارین قوروغو،
چکیلیمیشدیر بوستانلارین کاریغی.
چوبانلارین گون دوغمدان چاریغی،
دیزه قدر دولادیگی زاماندر.

اوزان عاریفین یارادیجیلیغیندا قوربت موضوعو
اساس موضوعلاردان بیریدیر. آلمانیا یاشایان تورک
عیرقیندن اولان سویداشلاری نین چکدیگی معنوی
عذابلار اونون بیر چوخ شعرلرینه موضو اولموشدور.
قوربتده یاشایان سویداشلاری نین یاد مدنیتله

اوزان عاریف جمعیتده اولان نؤقصانلاری،
ایجتیمای بلالاری، میللی دوشونجه ده کی
آینتیلری ساتیریک شکیلده ایفاده ائده رک، تورک
بیرلیگی نین مذهب آیریلیغینی قطعی شکیلده
تنقید ائده رک خالقی میللی تورک بیرلیگینه
چاغیریر.

چوخ ذوق آلدیق قونشوموزون حالیندن،
حظ یاپا، هز یاپا بو حاله گلدیک.
ایکیمیز بیر، اوچونجونون آردیندان،
سؤز یاپا، سؤز یاپا بو حالا گلدیک.

هپ گؤزوموز ائلین اکمک آشیندا،
بؤیله لیکله قالدیق صافین دیشیندا.

قادین ایشده اثرکن قومار باشیندا،
ایز یاپا، ایز یاپا بو حاله گلدیک.

نه قانوندان قورخدوق، نه ده فرماندان،
کسدیک، ییخدیق، تارلا یاپدیک اورماندان.
چوخ سوووردوق، دن چیخمادی هارماندان،
پوز یاپا، پوز یاپا بو حاله گلدیک.

پارچالادیق اوجا تورکون عیرقینی،
آیری دئدیک قربی ایله شرقینی.
اوچ ری اوچون مذهبهرین فرقینی،
کوز یاپا، کوز یاپا بو حاله گلدیک.

اوزان عاریفین شعرلرینده وطنین هر داغی، داشی،
چمن-چیچگی بیر موضوعا چئوریلیر. آشیغین
تدقیقاتچیلاری اونون طبیعت موضوعونو ایشلمه
دیگینی یازسالار دا، اوزان عاریفین شعرلرینده وطن
طبیعتی اؤز طراوتی ایله موضوعا چئوریلیر:
باهار گلدی، ایندی بیزیم کؤیلرده،

دیاربادییار گز مه یه محکوم ائتسه ده،
 بو دوشونجه لرین اونو بیر نئوع "اهلی-
 کامال" ائتدیگینی ایفتیخارلا قلمه آلیر:
 بو دونیانین قییمتینه،
 آلدانمایین سروتینه.
 آج قالسا دا، دؤولتینه،
 باغلی فردین آشیغییم.



عاریف دؤنموش بیر بولبوله،

او عاشیقدير باغدا گوله.
 اولگوچولوک دردسه بئله،
 من او دردین آشیغییم.
 اوزان عاریف تورک دونیاسیندا باش وئرن حادثه
 لری گؤرن، تورک دونیاسینا آرخادان وورولان ضربه
 نین سبه لرینی بیلن، آغی قارادان سئچمگی
 باجاران، حاق سسینی دونیا چاتدیرماغا چالیشان
 بیر آشیقدير.

تورک دونیاسی نین تاریخن یاشادیغی جوغرافیائی
 خاینجه سینه پوزماق ایسته یین، ال آچیب بو
 جوغرافیائین گؤزلیکلریندن زورلا پای ایسته یین
 معنویاتسیز نادوروستلر اوزان عاریفین لعنتینه دوچار اولور.
 تاریخ تویو اؤزونون بیر دؤولتی اولمایان،
 هیمایدارلیقلار سایه سینده " پای " وئریلن
 تورپاقلار حسابینا سووئتلر بیرلیگی دؤورونده بیر
 دؤولت قورماغا نایل اولان ائرمیلرین گؤزو هر زامان
 آذربایجانین، تورکیه نین، گورجوستانین گؤزل
 تورپاقلاریندا اولموشدور. قوناق کیمی یاشادیقلاری
 بو تورپاقلارین حسابینا یالانچی دؤولتی نین
 اراضیسینی گئنیشلندیرمک کیمی اساسسیز بیر
 خولیایا دوشه رک، آذربایجانین گؤیچه، قاراباغ،
 ناخچیوان کیمی ازه لی و ابدی تورپاقلارینا گؤز
 دیکمیشلر.

اوزلشیب بیر چوخ حاللاردا بو مدنیتله قاینایب-
 قاریشماسی نین نه یه مایل اولونماسینی، میلی
 کیملییه ووردوغو ضربه نی اورک آغریسی ایله ایفاده
 ائدیر:

بو آلمانیا، بیزه، یار یا، افندی،
 هر شئی سینی-سینی-سینی اؤیرتدی.
 تورکلوگوموز پاساپورتلا کیفلندی،
 یئتمیش ایکی بوچوک دیلی اؤیرتدی.

پاراسیلا دودویونو اؤتتوردو،
 دییاریندا دوه سینی گوتتوردو.
 قدره اینامی قاییب ائتدیردی،
 لوتویو، توتویو، دانسی اؤیرتدی

آنلاتماق زور بعضیسی نین حالینی،
 کیمی توتدو یئهووانین یولونو.
 "زییئکلر" اونوتدو "هارماندالی" نی،
 داداشیما بئله دانسی اؤیرتدی.
 عاریف دئر کی، زیککوم اولسون پاراسی،
 زور قاپانیر آلمانین یاراسی.
 عالیلری آلکس یاپدی بوراسی،
 هاسانین یئرینه هانسی اؤیرتدی.

اوزان عاریف تورک عیرقینه باغلی میللیتچی بیر
 شاعیردیر. اولگوجو (میللیتچی) دوشونجه لری اونو



وحشت دونیا، وحشت بو: دۇن باشینی باخ آرتیق،
 یا قاراباغ، یا اؤلوم، باشقا یول یوخ آرتیق!
 اثرمنی غصبکارلاری نین آذربایجانین حلال
 تورپاغی اولان قاراباغدا تۆکدوکلری قانلار دونیانین
 اعتیناسیزلیغی شاعیرین گریلمیش عصبلرینی تاریمما
 چکیر، دونیانی تۆکولن قانلارین هارایینا چاغیریر:
دونیا! گۆز یومامازسان بو اینسانلیق سوچونا،
گۆزونو قان بوروموش باخ اثرمنی بیچینه.
 منیم دئییر، گیرمیش ده هودودومون ایچینه،
 یا بو ایشه بیر دور دی، یا آرادان چیخ آرتیق،
 یا قاراباغ، یا اؤلوم، باشقا یول یوخ آرتیق!
 ایشته دونیا آنلاسی، قاراباغ «تورک» یتیمیشدیر،
 آتت ده قراریندا بونو تصدیق ائتمیشدیر.
 اثرمنی وطنیمی رسمن غصبه گئتمیشدیر،
 کایناتین اؤنوندە منیم آلنیم آغ آرتیق،
 یا قاراباغ، یا اؤلوم، باشقا یول یوخ آرتیق!
 زامان-زامان تورک تورپاقلارینا دا گۆز دیکن اثرمنی
 خیصلتی اوزان عاریفه تورک تاریخیندن یاخشی
 تانیشدیر. آذربایجانین تام گۆبگینده یئرلشن،

کؤهنه حیمایدارلاری نین کۆمگی ایله آذربایجانین
 قاراباغ تورپاقلارینا سوخولان اثرمنی
 سئپاراتچیلارینا (تجزیه طلب) قارشى اوزان عاریفین
 حاق سسی "یا قاراباغ، یا اؤلوم" شعیرینده اوجالیر،
 شعیری دیلرلر ازبری ائدیر.
 ۱۹۹۳-جو ایلهده قلمه آلینان ۱۴ بندق عیبارت
 اولان بو شعیر دینلندیگی ایلك گونلردن میلیونلارلا
 تورکون هیمنینه چئوریلیمیشدیر.
 شعیرین ۱-جی بندینده "یا قاراباغ، یا اؤلوم"
 سسی نین شرقین حاق سسی اولدوغونو و اثرمنی
 نامردلیگینی بئله ایفاده ائدیر:

دونیا دویسون بو سسی، بو سسی شرقین سسیدیر،
پئیغمبرین اؤودویو نجیب عیرقین سسیدیر.
بو سسی آذربایجانین، بو سسی تورکون سسیدیر،
بو اثرمنی تاک ائتدی، جانیمیزا تاک، آرتیق،
یا قاراباغ، یا اؤلوم، باشقا یول یوخ آرتیق!

قاراباغدا قان وار قان، آغلایر آذربایجان،
قاراباغدا قارالار باغلایر آذربایجان.
قانلار قاری اریتدی، چاغلایر آذربایجان،

ايكيلي استاندارتلارينا اولان اعتيراض نوتاسى كيمي بو گون ده سسلنمكده دير.

اوزان عاريف ايسلام بيرليگى نين، ايسلام همرايلىگى نين اؤنملى اولاجاغينا ايناناراق شعيرينه بئله داوام ائدير:

هارداسان اهلى-ايسلام، اى محمد امتى،
سندە مى گؤرمورسن بو ظولمو، بو وحشتى.
ايشته گون وحدت گونو، گئچكله دير وحدتى،
الله اكبر دئييب، تك يومروق اول، تك آرتيق،
يا قاراباغ، يا اولوم، باشقا يول يوخ آرتيق!

اوستاد آشيقي، اوستاد شاعير اوزان عاريف بو گونوموزده ده سازى و سؤزو ايله توركيه نين سامسون شهرينده عاييله سى ايله برابر سئويله رك ياشاير.

قيد: اوزان عاريف حاقيندا يازديغيم مقاله نين مؤلفى كيمي "خدافرين" درگيسى نين قيمتلى و حؤرمتملى اوخوجولارينا خاطيرلاتماق ايسته ييرم كى، منيم ۱۹۹۲-۱۹۹۸-جى ايللرده سؤزلىشمە مى پروفيسور اولاراق توركيه نين اوندوققوز ماييس اونيوئرسيتتينده علمى و پنداقوئى فعاليتيم دؤورونده "تورك آشيقلارى" آدلى بير كيتاب دا حاضيرلاييب ۲۰۰۴-جو ايلده آذربايجاندا نشر ائتديرديم. بو مونوقرافىيادا اون سككيز تورك آشيغى نين ساز و سؤز صنعتى حاقيندا اينجلمه لر آپارميشام. اونلاردان بيرى ده اوزان عاريف اولموشدور.



گؤزونون بىگى اولان قاراباغى ايستمكله حياسيزجاسينا آذربايجانين گؤزونه گؤز دىكن "

ائرمنى كؤپكلرى " نين دونن ده توركيه دن تورپاق ايديعاسى اولموش، بو وحشى ادعا ايله الينى توركون قانينا باتيرميشدير. بو تانيش مكرلى اللر آرتيق كؤكوندن قيريلماليدير اوزان عاريفه گؤر:

**آذربايجان بير گؤزدور، قاراباغ دا بىگى،
ينى آذربايجانين تام اورتاسى، گؤبگى.
گؤزومه مى گؤز دىكدى بو ائرمنى كؤبگى،
بو كؤپك سنين دونيا، قاپيميزدان چك آرتيق،
يا قاراباغ، يا اولوم، باشقا يول يوخ آرتيق!**

من ذاتن ائرمينى حاللاريندان تانيريم،
مين دوققوز يوز اون سككيز ايللريندن تانيريم.
قانما باتيرديغى اللريندن تانيريم،
شرط اولدو او اللرى كؤكوندن قيرماق آرتيق،
يا قاراباغ، يا اولوم، باشقا يول يوخ آرتيق!

اوزان عاريف قاراباغدا ائرمينلرين يازديقلارى بو قارا داستانين سپونسورلارى اولان روسيه و آمريكانين دا اينسانلىق سوچونا شريك اولدوقلارينا، بعضى ايسلام دؤولتى نين ده ائرمينييه دستك اولدوقلارينا تأسوفله نير، " الله اكبر " دئييب بير يومروق كيمي بيرلشيب بو وحشتدن قورتارماغين چاره سيني موسلمان-تورك وحدتينده گؤروردو.

**توركون دوستو الله دير، ايسلاما اينانميشدير،
ايسلامدا " حب الوطن من الايمان " دئتميشدير.
يانى وطن عشقيني ايمانلا بير آنميشدير،
دئمە، دى، دئمە، دونيا، منه جيهاد حاق آرتيق،
يا قاراباغ، يا اولوم، باشقا يول يوخ آرتيق!**

۲۵ ايل بوندان اول يازيلميش بو شعير هله ده آكتوالليغيني ايتيرمه ميش، دونيا ايجتيماعيتى نين

زبان ادبی تورکی آذربایجان در قرن ۱۹

پروفسور نظامی خودیف

ترجمه: دکتر ح. شرقی سوی تورک

دامن می زد تا استیلای آنها آسانتر صورت گیرد.^(۱۱۳)

در اواخر قرن ۱۸ قسمت شمال آذربایجان بطور کلی تحت استیلای روسیه درآمد. قسمت جنوبی آن نیز به مستعمره ایران مبدل گشت. ترکیه در حاشیه قرار گرفت و سیستم اداره و نوع حکومت و اقتصاد به تدریج سبب شکاف فرهنگی و سیاسی بین دو سوی آذربایجان شد. آنوقت که در شمال آذربایجان شهرهای با شکل مشرقی در سایه صنایع نفت نمود پیدا می کرد. در جنوب خبری از توسعه به چشم نمی خورد.^(۱۱۴) از سالهای سی ام قرن ۱۹ به تدریج فرهنگ مهاجم با افتتاح مدارس به زبان روسی تینت اشغالگری خود را نشان داد. و در سالهای ۵۰ همین قرن مدارس قدیمیه به تدریج جای خود را به مکتب هایی که اصول جدید نامیده می شدند داد. این واقعه به سرعت عملی می گردد.

فشارهای فرهنگی در سالهای ۷۰ به وضوح خود را نشان می دهد. آنچه مسلم است اداره فرهنگی- اجتماعی آذربایجان از مرکز واحد صورت می گرفت.^(۱۱۵)

در سالهای ۷۰ قرن ۱۹ تاثیر آذربایجان شکل می گیرد. در مناطق مختلف کشور نمایش ها اجرا می شود. اولین کارگردانها، هنرمندان و خادمین صحنه به عرصه می آیند، این حادثه باعث گسترش زبان شفاهی به واسطه رل های طبیعی صحنه نمایش، وارد شئون مردم می گردد. محض در این مرحله به نشر کتاب، روزنامه پرداخته می شود. برای بکار افتادن پتانسیل های زبان مادری شرایط مناسبی ایجاد می شود.



شرایط تاریخی - اجتماعی

روسیه از اوایل قرن ۱۸ قصد استیلا بر سرزمینهای قفقاز را در سر می پروراند. موفقیت بدست آمده آنقدر هم پابرجا نماند. در اواخر این قرن بازهم روسیه کوشش های فراوانی نمود تا توانست تمامی قفقاز را به اسارت خود درآورد.

در علم تاریخ نگاری اشغال آذربایجان هم نتایج منفی و اندکی هم نتایج مثبت به همراه داشته است. البته این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که چاریزم (امپراطوری روسیه) وحدت اراضی آذربایجان و تشکیل حکومت مرکزی آنرا نهی می کرد و همواره بر علیه آن بود. او خواستار ایجاد پل ارتباط تجاری به واسطه دریای خزر و تبدیل قفقاز به تأمین کننده منابع اولیه برای صنایع روسیه بود. چاریزم همواره به اختلافات میان دولت های فئودال منطقه

شود به کتاب «آذربایجان ادبی دلی تاریخی» تألیف ن.خودیف ص ۲۷۵.

باینکه دایره نفوذ زبان ترکی آذربایجان در شرق گسترش یافته است ولی اهمیت تاریخی و جغرافی آن به این است که این زبان در سرزمین تاریخی خود یعنی قسمت های شمالی و جنوبی آذربایجان ریشه قومی و ملی دارد. درست است که ارتباط و تبادل فرهنگی بین دیگر زبانهای ترکی وجود دارد. اما زبان ترکی آذربایجانی همواره کیفیت تاریخی خود را حفظ نموده است. این زبان به واسطه روزنامه، کتاب، تئاتر، سینما، مکتب و مدرسه تبلیغ می شود. اجتماعی می شود و از واحدهای گنگ و نامفهوم عاری می گردد.

منابع ادبی زبان ترکی آذربایجان در قرن ۱۹ متغیر و فراوان است. پیشرفت و توسعه زبان ادبی در نیمه اول همین قرن جالب توجه است. از طرفی شیوه واقف جا می افتد و از طرفی دیگر ادبیات فضولیه رشد می کند. از جهت دیگر طنز و تمثیلات به عرصه ظهور می رسند. بالاخره کتابهای فراوان ادبی و تاریخی در این قرن به رشته تحریر درمی آیند و با فعالیت های ادبی آخوندوف نمونه های زیبای نثر، تراکات فلسفی و دراماتورژی به میدان می آید.

در زمینه سبک رسمی به واسطه ترجمه ها پیشرفت قابل توجهی حصول می شود. در نهایت در نیمه د.م این قرن سبک پوبلیسیستیک هویدا می گردد. اول روزنامه «اکینچی» بعداً مجلات و روزنامه های متعددی در عرصه فرهنگ متولد می شوند.

در این قرن در زمینه شعر و شاعری نیز بین سبک های کلاسیک و فولکلوری نوع تضاد به وجود می آید. البته ق. ذاکر در شمال و ابوالقاسم نباتی در جنوب در هر دو سبک شعر سروده اند.

نظیره نویسی در آذربایجان در قرن ۱۹ توسعه فراوانی می یابد. بخصوص براساس اشعار فضولی

نشر و چاپ کتاب ها به زبان ترکی آذربایجانی سرعت بیشتری به خود می گیرد. این سرعت توسعه بیشتر در زمینه مسائل کشاورزی خود را نشان میدهد.^(۱۱۶) براساس همین روند توسعه امکانات ایضاحی و بیانی زبان نیز گسترده تر می گردد. گفتنی است که کتابهای چاپ شده در آذربایجان بیشتر از سایر جاها دقت مردم را جلب می کرد. این نیز بیانگر آن واقعیت می باشد که زبان ترکی آذربایجانی قابل فهم تر از دیگر شاخه های زبان ترکی است. فاصله بین زبان ادبی با زبان محاوره اندک است. نکته مهم دیگر این است زبان ترکی آذربایجانی زبان عموم فهم ترکان محسوب می شود چون «قانون جدید» کاترین دوم در نیمه قرن ۱۸ محض به زبان ترکی آذربایجانی برای فهم اقوام ترک ساکن در امپراطوری روسیه ترجمه و چاپ شده بود. زبان تاتار (ترکی آذربایجانی) در کل منطقه قفقاز قابل فهم بود.^(۱۱۷)

دیری نمی پاید که فرزندان آذربایجان (آ.آ.باکی خان اف.م.کاظم بی،م.ف.آخوندوف،ح.زرد آبی) زبان ترکی آذربایجانی را در اراضی وسیع امپراطوری به مقام شامخ یک زبان علمی و فرهنگی تبدیل می کنند و برای ترویج آن از جان مایه می گذارند. در سایه تلاش دلیر مردان عرصه علم و فرهنگ زبان مادریمان شأن و منزلت واقعی خود را باز می یابد. خود روس ها اعتراف می کنند که زبان ترکمنی در آذربایجان رایج است که ما به آن زبان تاتاری می گوئیم و چنان با زبان ترکی ترکیه مشابهت و نزدیکی دارد که هر دو خلق بدون مشکل همدیگر را می فهمند. این زبان در قفقاز ترکی نامیده می شود. با کلمات عربی و فارسی وزین گردیده است. نهایت زیبا و خوش آواست. یادگیری آن راحت و آسان است. این زبان همانند زبان فرانسه در اروپاست.^(۱۱۸) برای کسب اطلاع بیشتر از منبع این متن رجوع



تعلیم زبان مادری تبدیل می کند. زردآبی با ابداع این روش مرحله نوینی را پایه گذاری می کند. تدوین فرهنگ های لغت در قرن ۱۹ قابل تقدیر است. از این رو سبب می شود به لغت نامه های روسی- ترکی کاظم بی^(۱۲۳) بنام «قیسالغت» توریکو- تاتارسکو- روسسکی ل.م. لازاریوین، روسسکو- تاتارسکو سلوادی، م. غنی زاده اشاره نمود.

البته به غیر از اینها لغت نامه های فراوانی تألیف می گردد که اکثراً ترکی به روسی هستند. یکی از آثاری که جلب توجه می کند کتاب «تورک آذربایجان دیلینین مختصر صرف- نحوی» نریمان نریمانف است. این کتاب درباره کیفیت و نحوه تدریس زبان ترکی آذربایجانی ملاحظات را بیان می دارد. در حقیقت در قرن ۱۹ توسعه شعوری، علمی و نظارتی زبان شروع می شود. در اوایل قرن بیستم به اوج می رسد. حتی رنگ و جلای ایدئولوژی هم به خود می گیرد. بدینوسیله می توان گفت قرن ۱۹ شکل گیری زبان ادبی برپایه عناصر ملی است که مرحله نوین نامیده می شود.

نظیرهای فراوانی نوشته می شود.^(۱۱۹) البته در کنار نظیره نویسی فرم طبیعی زبان که از قرون ۱۷-۱۸ آغاز گردیده محافظه می شود.

پژوهشگران بر عقیده هستند قرن ۱۹ را بخاطر توسعه زبان ادبی ملی و ویژگیهای خاص خود باید مرحله جدید نامگذاری کرد.^(۱۲۰) محتوی همین نوگرایی از چه چیزی عبارت است؟ از ربع اول قرن ۱۹ زبان ادبی آذربایجان در دو سوی آذربایجان در شرایط اجتماعی و سیاسی خود رشد می کند. دیگر اینکه تفکر ملی از چمبر تفکر شرقی خارج شده و به غرب نزدیک می شود. خلاصه اینکه در قرن ۱۹ تفکر اجتماعی و ملی به سرعت توسعه می یابد و پروسه ملت شدن به وقوع می پیوندد. در این قرن علاوه بر اینکه زبان ادبی ملی برپایه عناصر ملی شکل می گیرد بنحو دیگری هم تفکر زبانشناسی ملی پایه ریزی می شود. با فعالیت های پروفیسور کاظم بی، م.ف. آخوندوف، حسن بی زرد آبی پروسه تکمیلی ملی شدن به وقوع می پیوندد و نظریه های زبان ادبی ملی بوجود می آید. در کتابهای مشهور دستور زبان کاظم بی^(۱۲۱) در کنار روح و تصویر زبان مادری یک سری تحقیقات ارزنده ای نیز در باب کلمات وامی صورت می گیرد. او نشان می دهد که اصل بودن زبان به این است که کلمات وامی را تابع قوانین داخلی خود بکند و با ساختار زبانی و روح بیان خود هماهنگ نماید. بعد از او کسی که بیشتر با مسائل زبان مشغول بوده است آقای آخوندوف می باشد.^(۱۲۲) نرمهای الفبائی این دانشمند شهیر قابل توجه است.

حسن بی زردآبی با نشر روزنامه «اکینچی» راه را برای ارزیابی و بررسی مشکلات زبان مادری هموار می کنند. او روزنامه اکینچی را به مدرسه برای

کتاب تانیتمی

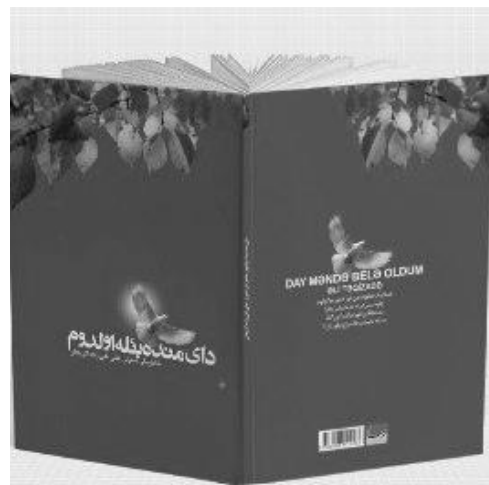
بو متن کتابین اون سوزودور

۱- نئچه ایل بوندان اول سمندر* دوستوم بو عنوانی دیله گتیردی. دئدی: اؤز حیاتیتمی اتوبیوگرافی کیمی یازیب کتابین آدین (دای من ده بئله اولدوم) قویاجام.

ایللر کئچدی، او حیات کتابین یازمادی. نه بیلیم. بلکه ایشی، حیاتی، ساز دنیاسی باشین قاتدی. اصلینده هر آرزونو گئرچکلشدیرمک اولمور. بو زماندا ان مُدرک انسانلاردا اؤز وقتین ایسته‌دیگی سایاق اداره ائدنمیر. خصوصاً فراغت آنلارین مجازی دنیا یارادانلار اله آلیب. من ده، ایکی سببه بو عنوانی سئچدیم. بیرینجی بوکی او یازماقدان واز کئچدی. بیر ده کی ظنیمجه او جمله‌نی ایکی‌میزده عینی آدامان ائشیتیمیشیک! سیز اونلا تانیس اولاجاقسیز.

بس هرکس او عنوانی تئز منیمسه‌سه حاقلی‌دی!!
۲- قیاس ائتمگین تصویری ده گناه اولار. آنجاق اورک سؤزومه اوخشارلیغی سبب اولدو بؤیوک داستایفسکی‌نین بو سؤزون یازام.

او «کارامازوف قارداش‌لاری» کتابی‌نین اؤن سؤزونده دئییر: اگر سوروشان اولسا کی آلكسی فئودوروویچ نه اوچون رُمان قهرمانی سئچیلیب؟ قانع ائدن جوابیم یوخدو. چونکو اونون باشقا انسانلار کیمی عادی حیاتی اولوب. آنجاق منیم اؤزوم اوچون ماراقلی‌دی! ایندی بو کتابین خاطره‌لرینده آدی چکیلن انسانلارین هامی‌سی، سنین منیم کیمی ساده، عادی، عین حالدا رئال آداملاردی. بوردا خلق قهرمانی یوخدو. هرکس اؤز حیاتی‌نین قهرمانی‌دی. اصلینده ده خلقه هئچ قهرمان لازم دئییل!



دیرلی اوخوجولار "دای من ده بئله اولدوم" کتابی علی تقی زاده نین شعر و اویکو توپلو اثریدیر. بیزده اونو اولدوغو کیمی سیزلره تقدیم اندیریک. کتاب حبیب فرش‌بافین اوجا روحونا تقدیم اولموشدور.

سرشناسه : تقی‌زاده، علی، ۱۳۴۱
عنوان و نام پدیدآور: دای من ده بئله اولدوم: حکایه و شعر توپلوسو/ علی تقی‌زاده لاریجان

مشخصات نشر: ارومیه: فرسار، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۱۳۶ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ سم
شابک: ۶-۲۶-۸۱۱۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: داستان‌های ترکی — ایران — قرن ۱۴
موضوع: Turkish fiction — Iran — 20th century
موضوع: شعر ترکی — ایران — قرن ۱۴
موضوع: Turkish poetry — Iran — 20th century

شناسه افزوده: موغانلی، سعید، ۱۳۵۳
رده بندی کنگره: ۴۱۳ LP / ۵۹۳۱ ۲۵۴۳۷۷

رده بندی دیوبی: ۳۱۶۳/۴۹۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۳۴۱۹
دای من ده بئله اولدوم

خاطره‌لر و شعرلر توپلوسو

علی تقی‌زاده لاریجان

ناشر: انتشارات فرسار

حاضر لایان: سعید موغانلی

گرافیست: اوختای ساحیر

بیچیم: رقعی-تیراژ: ۱۰۰۰

بیرینجی چاپ: ارومیه- ۱۳۹۶

شابک: ۶-۲۶-۸۱۱۲-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومن

پخش: یاشماق کتاب‌ئوی



بو ساده و صمیمی انسانلارین حیاتی نین نچه گونو، آیی یا ایلی خلاصه شکیلده مختلف حادثه لرله باغلی گۆزدن کئچیب.

عمر یوللاری عینی ده اولماسا، بعضاً چوخ اوخشارلی اولور. بیر صمیمی عائله وی دوستوموزکی ونکوور ده یاشاییر، (بیر عمر اوتانماق) مطلبی اینترنت ده اوخویوب چوخ گۆزل بیر ایمیل یوللامیشدی. یازمیشدی کی: دئدیم بس او حیاتی بیرگه یاشامیشیق.

حال بوکی او میانادا دونیا یا گلیب من سه ۳۶۰ کیلومتر اوردان اوزاق، آراز قیراغیندا.

بلکه سنین ده حیاتیندا ائله آنلار اولوب یا حادثه لر اوز وئریب؟!

۳- طبیعی دیر کی هر شاعرین خصوصی یا شخصی شعرلری اولور. من او شعرلردن یالیز یکی اوچون کی اجتماعی و عمومی موضوعلارا باخیشی وار گتیرمیشم. مثال اوچون غربت دردین وصیتیم شعرینده حس ائتمک اولور. باشقالاری هله خصوصی قالسین! و نهایت چوخ منتداریلغیمی بیلدیریرم بو کتابین ایشیق اوز گۆرمه سینده زحمتی هم ده راهنمالیغی اولان سعید موغانلی جنابلارینا کی حقیقتاً چاغداش ادبیاتیمیزن بؤیوک نماینده سی دیر و عزیز دوستوم شاعر آذرائلی یه کی تورک دیلینده گوجلو لغت شناس دیر.

حکایه

دای من ده بئله اولدوم...

شهریور آیینین ایستی بیر گئجه سی دی. ۱۳۶۹ - جو ایل. آی دره جیک داغیندان تزه بویلا نیب چیخیردی. اسداله کیشی نین قاپیسیندا کی سس کوی، بوتون ماهروزولو کن دین بوروموشدو. نچه گئجه گوندوز ایدی کی چال چاغیر ایدی. مرادین

قاپیسیندان او شنلیک اولان قاپییا، باغلارین آراسیندان چکیلن یول، قارانیق ایدی. آزا مراد ایوانین ایشیغی، هردن ده اسداله کیشی نین ایوانین چیراغان ائدن ایشیق لاردان، جانسیز شعالار، اودا یئل آغاجلاری ترپه دنده شاخلارین آراسیندان، بیر آنلیق یولا ایشیق سالیردی. اوزو اوسته قارانیقدا سورونن قوجا قادین یکی قیز اوشاغی نین یاخینلاشماسین هئج بيلمه دی. قفیلدن بؤیورتکن کولونون آرخاسیندان چخب اولنا قارشیلادیلار. چتینلیکله دوروب اوتوردو. ائله گؤستردی کی بیر شئی آختاریز: نه ایتیرمیسن آخی ننه؟ کمک ائدک تاپلسین.

کته هامی اونو آخی یا آخی ننه سسلردیلر. جوانلار، نوه نتیجه لر آخی ننه، باشقالار ایسه آخی دئیردیلر. آدی آغا خانم زمانی ایدی. جوان قیز چاغی، زمانی طایفاسیندان آقایی طایفاسینا گلین گلمیشدی. ایکی کؤکلو طایفانین نماینده سی کیمی حرمتی وار ایدی. منجه آدینا لایق بیر انسان ایدی. هم آغا هم ده خانیم ایدی. کیشی صفت، محکم، عین حالدا لایق آغ بیرچک بیر قادین. او اوزو هامی نی کیچیک آدی ایله چاغیراردی. هئج کسین آدینا آغا یا خانیم علاوه ائتمزدی. کیمسه ده اوندان اینجیمزدی. او

کیشی دئییر: بیر درهیه گومانیم گلیر. اورانی
آخارماغا گئدیرم. الی بوش قایتسام هؤنکورتومو
گؤره جک سن!

دوداقلارینین تیترمه سین گیزلیدیپ تئز اوزون
دؤندریب گئتمیشدی اسداله کیشی.

او ایتگیدن آغری اذیت چکمه میش بیر قوهوم اولاد
یا حتی دوست تانیس قالمادی. من حیات یولداشیم
ایله قیشین قارلی شاختالی گونلری کیچیک
اوشاغیمیزی ائوده قویوب زندانلاری، خسته
خانالاری، انقلاب دادگاهلارین، پادگانلاری
آختاریردیق. قاینیم اردشیر کؤنوللو سرباز
گئتمیشدی. او بؤیوک بیر عملیاتدا ایتیمیشدی. او
گونلر چوخ چتین گونلر اولدو هر قوهوم قونشو بیر
نذر ائله میشدی. بالاجا اوشاقلاردا نذر ائله
میشدیلر، حتی مکتوبدا یازمیشدیلار تانری یا ، آقا
امام زمانا (عج)..

آخی ننه ده نذر ائله میشدی کی نوه سی سلامت
قایتسا اؤز ائویندن قیزینین قاپیسینا قدر سورونه-
سورونه گئدیپ تانریا تشکرونو بیلدیرسین.

پالتارینی دیشیب قیزی محترمین ائوینه قایتیدی.
شنلیگه قوشولدو. قادینلارین شام بیشیرمه سینه
نظارت ائله دی. جوانلاشمیشدی آخی ننه. هم ایتن
نوه سی تاپلیمیشدی هم ده سس سیزجه نذرین
اؤده میشدی.

آخی ننه نین سونو یامان آغیر گلدی. اونوتقانلیق
خسته لیگینه دچار اولدو. ناخوش اولاندان بیر مدت
سورا تبریزده وفات ائله دی. اونون آلازیمر خسته لیگی
تزه بللی اولان زمان اوشاقلارا هله
بیلیندیرمه میشدیلر. آنجاق طایفانین بؤیوک لری
بیلیردی. عوام سایاغی یامان دا اوتانیردیلار. آخی
خسته لیگین نه اوتانماسی؟ تأسفلر کی آخی ننه
دنیاسین دیشین آنلار بیر غمرون آجیلی شیرینلی
آلوان خاطره سیندن بیر اپیزود دا خاطیرلایانمادی.

صمیمی لیک کی آخی ننه نین سسینده وار ایدی آغا
یا خانیم سؤزونون ساختا حرمتیندن اوستون ایدی.

— تاپارام بالا سیز یولوزدان قالمایین.. تاپارام.

قیزلار بیر آز تعجب له آرالاندیلار. او سورونه سورونه
اؤز اؤزنه دئدی: تاپارام... تاپارام... تاپمیشام!

او تاپمیشدی. دوز دئییردی. دیرسه یی نین یئره
سورتولوب قاناماسی هئچ وئجینه ده دگیلدی.
اسداله نین قاپیسیندا، یول آیریجیندا بیتن قوجا توت
آغاجی نین دیبینده آیاغا قالخدی. سس سیز اوست
باشی نین توز تورپاغین سیلکه له دی. چالیب اوینایان
جوانلارا نچه دقیقه دالدادان باخدی. سس کویون
ایچینده قوناق اوتاغیندان گلن اوغلو مرادین
سازین سسین ده تانیدی. مراد قاراچی هاواسی
چالیردی. سئوینجدن آخان گؤز یاشین سیلدی، اؤز
ائوینه قایتیدی. قولونون سییریلیمیش یئرین ایستی
سو ایله تمیزله دی. قیرمیزی داوا ایله درمانلادی، او
آنلار خیالی نچه ایل اؤله قایتیدی. او قارا گونلره،
قارا خبر یاییلان گونلره. قیز نوه سی اردشیر، ایران
عراق محاربه سینده ایتگین دوشن گونلره.

اسداله کیشی رحمتلیک عزت خدادادی ایله
کرمانشاه، اوردان لاپ جبهه خطینه قدر گئدیپ
عقلی چاتان یئرلری امکان اولان قدر، اوغلون
آختارمیشدی. هر کیمدن کی بیر نشان بیر علامت،
حتی اولسون اویدورما بیر خبر ائشیدیردی،
یوللانیردی. سون وقتلر، یینی بیر خبر آردینجا
گئندنه بئله دئتمیشدی: دوه سی ایتن بیر نفر هر
یئری آختاریب الی بوش مایوس قاییدیر. یالنیز
گومانی گلن بیرجه دره قالیرمیش کی اوخویا-
اوخویا اورا اوز توتور. باشقا بیرسی اونو عارسیز
سانیب دانلاماق قصدی ایله دئییر: کیشی! وار یوخون
بیر دوه دی کی ایتیرمیسن. هله سؤیله ییرسن ده؟!!

کڅجی گئندی او ایلر. بعضی لړ کیمی او کڅمیشه
فخر ائدیپ باشینا گلنلری شیشیردیپ افسانهوی
ناغیل ائتمز. بیر ده قاییتماسین او آجی ایلر!!

شعر لړ

آتش کس

سکگیز ایل ایران عراق محاربه سینین سون گونلری
قیزمیر گون شاخیپیر داغا داشلارا
ایستی آلوو کیمی قارسیر اوزونو
سوزور آلین تری قارا قاشلارا
سول ایله سیلیر ترلی گوزونو

چیگنیندن آسلامیش یونگول بیر تفنگ
آراملا دولانیر دقتله باخیر
آتش کس قورولوب دانسادا جنگ
دؤیوش میدانیندا هله قان اخیر

پاپروزو یاندریر سؤکه نیر داشا
اوتورور دینجه له بیر آن کؤلگه ده
بو داغی آرایان ایاقدان باشا
کیمدی بو یاد ائلی بیزیم اؤکه ده؟

آفریکادان گلیب صولحو قورویا*
بو قارا دریلی اوجا بوی عسگر
جنگه جنایته داها سون قویا
ایکی دوشمن آرا اولسا دا سپر

پاپروزونو چکیر دورور ایغا
یئنه آستا آستا یولا دوزه لیر
سولونو آختاریب بوکولور ساغا
دهشتلی بیر صحنه گؤزونه دیر

تزه ناخوش اولدوغو گونلرین بیرینده آخی ننه ایله
ایکیمیز، قیزی ائوینده ائیواندا اوتوروب جای
ایچیردیک. عادی صحبت ائله بیردی. جوان چاغلاری
اؤلرینده کچن آغیر قوناقلیق لاردان، آدلی سانلی خان
خاوانی لاردان، اوغلو مرادین شانلی کڅمیشیندن،
معلم اولدغو ایللردن، ساز مجلس لریندن، یادینا
دوشن بوتون شیرین خاطره لردن دانیشیردی. هئچ
من له او سایاق دانیشمامیشدی. بیردن سوسدو.
درین فیکره گئندی. باغچاداکي گؤیرچین قوشلارینا
گؤزون تیکیب حسرت له دئدی: دای من ده بئله
اولدوم، علی!!

گیزلین بیر سرّی اجازه سیز آچان اوشاق کیمی
اوتانیدقدان رنگی دیشیدی. الینده کی جای
استکانین یاریمچیق یئره قویدو، دیک آیاغا قالخیب
یئیین گئندی.

عُمر و مده او جور عاجز قالمامیشیدم من. دیلیم
توتمادی کی بیر سؤز دئییم. نه یاخشی کی توتمادی
دا!! آخی نه دئییه بیلردیم؟! منجه اونون حاللی
حوصله لی چاغلاری کڅمیش خاطره لرین اؤز
دیلیندن ائشیدیب یازان اولسایدی شیرین بیر رومان
چیخاردی کی ارسبارین معاصر تاریخی نین بیر
پارچاسیندا اوندا گؤرمک اولاردی.

اردشیر بهروزی سونرالار رادیولوژی اوخودو. ایندی
ده تبریز خسته خانالاریندا ایشله ییر. اونا مراجعت
اؤدن تانیس یا غریبه خسته لره الیندن گلن کمگی
هئچ زمان اسیرگه مه ییب. هامی نین صمیمی
حرمتین قازانیب. خصوصی یله قاراداغلی لار همیشه
اونا دوعا ائدرلر. سؤز وئریب کی جبهه خاطره سین،
نجه یارالانیب اسیر دوشمه سین، اسارتده کی
ایشکنجه لرین، بیر گون یازیب یایسین. هاما گؤزوم
سو ایچمیر. او چوخ تواضع کار انسان دی. هر زمان
اسارتیندن سوروشساق جوابدان چکینر. دئیر:

دالی قاتدا دوشوب بیر جوان عسگر
قاجیمیش الینده قانلی سر نیزه
قارنی شیر یخلانیب از یلیب کمر
قات قات باغارسینگی دولاشیب دیزه

بیلدی کی هئش جورا حربی سلاحین
بئله دیدیم دیدیم اولماز یاراسی
گوردو قانا باتیب چورخورا یاخین
بیر تیجی انیزه بیر قورد بالاسی

مجسم ائدرکن چیمچه شیر اتی
یارالی عسگرین سون تلاشین.
گولله بئلین ائشمیش یوخ حرکتی
بیر یاسدی داش اوسته قویوب باشینی

زینه بولاغ کیمی بئلدن قان آخیر
ایسلادیر تورپاگی یاشیل چمنی
بیر کمگ آردینجا گؤزلری باخیر
دئییر اونودارمی یولداشلار منی؟

گون چکیر اته گین داغدان دره دن
قارانلیق گئجه نین کؤلگه سی گلیر
یاخیندان اوزاقدان ائشیدیر هردن
قوردون اولاشماسی گؤیه یوکسه لیر

ال آتیب توفنگین گوتورور درحال
آنجا بوشدو سلاح بادرونی یوخ
عقلینه گلمزدی بئله بیر احوال
سرنیزه یه گلیر گومانی آز چوخ

بیر شیققیلتی سسی چالیر قولاغی
سس گلن طرفه ذیلله ییر گوزون
سومسونه سومسونه ائنیب آشاغی

سس سیزجه عسگره یئتیریر اوزون

گؤر جک اونو حرکتسیز، یارالی
جسارتی آرتیب نئچه قات اولور
سانکی تاپیب اووچو وورموش مارالی
زحمتسیز اوغورا بیر آن مات اولور
قورد اول دولانیب شیغییر سورا
بیر حمله ده قارنین سؤکور عسگرین
سورویور کی نعشین سالا چوخورا
قاجیمیش ال ترپندیریر کسرین

ایلدیریم سرعتله سرنیزه بیچیر
آغزی قانا باتمیش قوردون بوغازین
عسگرین ده حیات چیراغی گئچیر
طالع خزان ائدیر عمرونون یازین

طالعدی گوره سن یازینی یازان
یا طبیعت سئویر بو فاجعه نی
یوخ هئچ بیرری دگیل انساندی انسان
وحشی اورمان ائدن بو جامعه نی
**

فیکیردن آییلیر صلحی قورویان
گؤزلری دولوخموش اورگی یارا
دئییر ادین باتسین جنگ اودو قویان
نییه یانمیر جانین بو جوانلارا

مئیدین جیبیندن بونلاری تاپیر
بیر شکیل بیر مکتوب بیر کیچیک رادیو
دویو خوب دقتله شکله باخیر
یقین سئوگیلی نین شکیلی دی بو

هاردا سان ای آفت آی بختی قارا؟
کیمین آرزوسيله یاتب دورور سان؟
قوشولوب آداخلی یار یولداشلارا
فکرینده سعادت ائوی قورور سان

بیسیمی گوتوروب کمک چاغیریر
احتراملا آپاریرلار جسدی

هامی تاپدیغینی مرکزە وئیر
مرکز ایسه جنازه خرمنیدی

ایکی متخاصم اوردونون پایي
دقتله سئچیلیب پایلانیر بیر بیر

قارا ماتم باسیر اوتای بو تایی
آرزولار اورکده تورپاغا گئدیر

ساغلام جنازه دن آرتیق تاپیلان
قول قیچ وار جیسمسیر یا قانلی لباس
ئچه ایگیددن ده نشانه قالان
بونوندان آسدیغی پلاکدی، خلاص

بونلاردی سگیز ایل محاربه نین
تحفه سی قازانجی ایکی ملّته
بئله فاجعه نی توره دن یقین
چیرکین بیر دامغادیر بشریته.
تهران ۱۳۶۵ قش
× سازمان مللین پاسدار صلح سربازلاریندان

گۆز

سئوگیلیم واختینا قیارسان بیر آن؟
بیرجه گیلیم وار دوبارسان بیر آن؟
بیلیرسن کی بعضا کچ ایشلرینی
آجیلیق توره دن دئییشلرینی
گۆروب ائشیدرکن باغیشلامیشام
من ساواشدان آرتیق صلحه تانیسام
گیلیم اولاندا گیللی لئمه دیم
من گیللی لئمگی هئچ اویره نمیدیم
نه بیلیم بلکه می عیبیم دیر بو ایش
ائله هر برک ایشه چکیش گرگمیش!
من ائله بیلیردیم دیلدن کسرلی
دانیشقان اوتگون سۆزدن اثرلی
انسان ائولادینین گۆزو دانیشار
گۆز گۆزه باخارکن اۆزو دانیشار
اینان ایللردی کی یئر کوره سینده
بو گئنیش جهانین هر دره سینده

چارلی چاپلین دانیشقیسیر دانیشیر
گۆز دنیا دیلی دیر هامی آنلاشیر
دیل هارا گۆز هارا فیکیر وئراشی
حقیقت گۆزده دیر دیل نه دیر اشی
اولار حقیقتی دیل دانا بیله
دیل آخی گۆز دگیل اوتانا بیله!

دیلدن دوغرودان چوخ یالاندا چیخار
یالان دانیشان دیل سارایلار بیخار
نظامی نین تراژدی نغمه سی
فرهاد اوز جانینا قصد ایله مه سی
آردینجا شیرینی جاندان بئزدیرن
هر کؤورک اورگی سیخیب ازدیرن
سببی بیر یالان سۆز دئییلدیمی؟
یالان سۆزدن قوپان کۆز دئییلدیمی؟

شیرینین یالانچی اولوم خبرین
گتیرن قاری نین گۆزونه درین -
بیر نظر سالسایدی فرهاد او زمان
یالانچیلیغینی بیلردی اینان
یا سن اوتللو^۱ نون طالعینه باخ
شرقلی! یاقو^۲ نون یالانی او وخت
دئردمونا^۳ کیمی گوزهل انسانین
جانانی الیه اولموشدو جانین
بیرینجی ده اولسا سون گیلیم دیر
منیم سندن آنجاق بو دیله ییم دیر
اوز اوزه دوراندا گۆزلریمه باخ
گوزو قویوب دیله یالوارما ناحاق
گۆزوم عملینین دوز آیناسیدیر
آینا حقیقتین سۆز دنیاسیدیر
هر سۆزون هر ایشین اۆز قیمتینی
گۆررسن گۆزومده دوز قیمتینی
کاش دیلده گۆز کیمی دوز اولای بیله
کاش دیلده چئوریلیب گۆز اولای بیله !!
تهران ۱۳۸۵ یای

۱ و ۲ و ۳ شکسپیرین اوتللو رمانی نین شخصیت لری

یتیم

دوغمادان اؤگی دن سۆز آچیلاندا
چتین اینانیردیم دئییلن لره

آييرا بيلميرديم اوشاق چاغيندا
يالانى بير يئره دوزو بير يئره

ناغىللاردا اؤگى، بير غدار آنا
يا دا عاطفه سيز آتا اولاردى
فلک وورموش اوشاق گلردى جانا
يئرسيز جزالانىب دامغالاناردى

اللى ايلدن سورا گورورم ايندى
دوغماليق اؤگىلىق باشقادی بوتون
آينالى، گارالاي، آغ داش منيمدى
بو اؤگى شهرده ياشايش چتين
گور چايلار انؤومدن بورولوب آخير
اؤزگه محالدا دا غريب ائلده ده
گورورم اؤگى تک چاي منه باخير
باخيشيم بوغولور آخان سئلده ده

سودان آيرى دوشن باليق اولموشام
غربتده سوزالير غمور چيراغيم
پاييز لاميش باغچا کيمي سولموشام
ايتير آستا- آستا سسيم سوراغيم

گاهدان خيال سمندىنى چاپيرام
روحوم قانادلانير آز قالير اوچام
ايلده بيرايكى يول امكان تاپيرام
دوغما ديار دئيه باش آليب قاچام

شنگيمي گوتوروب يولا دوشورم
تله سيك قاچيرام اسن يئل کيمي
ايله کى يوزبندين يالين آشيرام
ساتاشير گؤزومه گونئى گؤرکمی

قوجامان سئهراما آغير اوتوروب
زيرههسى بورونموش قارا بورانا
دئيرم بس آتام اؤنومه دوروب
آرخاسى منهدى اوزو آرانا

درين فيکيردهدى باخسان هر زمان
نه يى سه گؤتور قوی ائله مکدهدى

سوزسوز اولاييلمز آغ ساققال بير آن
شبهه سيز کيمسه يه نه دئمکدهدى

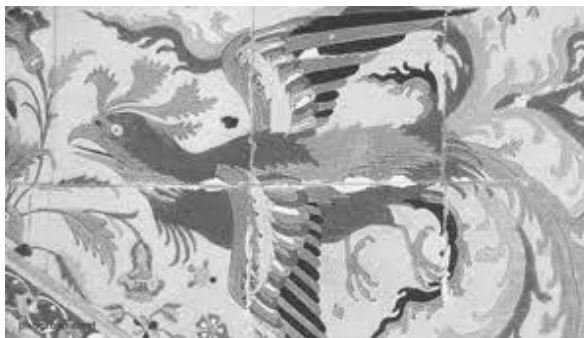
منجه گليشيمي حس اندير در حال
لال دليله منه خوش گلدين دئير
باشيني قاتماسين دئيه قال ماقال
تزهتيز گلمه گيمي تکليف ائيله يير

دومان تک بورولان شيمشک تک شاخان
دريني اولومسوز دايازى داياز
مين ايللر اوزونو چاغلاييب آخان
حيات چشمه سيدى آنام، خان آراز
روحومو اوخشاير آرازين سسى
اٹشيديرم منى سونام چاغيرير
شيرين لايلا چالير دالغا، لپهسى
سانكى محبتله آنام چاغيرير

باشا ووردوم غمرو گيلئى لر ايله
بو سون ايستگيمي بتيرين بارى
چورودو حياتم اوؤگئى لر ايله
جانسيز جسدیمی گؤتورون بارى

بو آغير نيسگيله سون قويون داها
سئهرامايا قوشماق ايسته ييرم
يوخسا باتارسينيز آغير گناها
آتام دا داريخار من ده دئيرم

کرج ۱۳۸۸ ياز



امید دنیام

بعضاً گئیش جھان منیم باشیما
اٹله دار اولور کی باغیریم چاتلاییر
بیر آچیلماز دویون دوشور قاشیما
کمـریمی غم شله سی قاتلاییر

قاجاق دوشور شیرین دادی حیاتین
دوداغیمدان منیم دلیمدن منیم
هفته سی گونو یوخ، بیرجه ساعتین
بیهنمیرم اؤتـن ایلیمدن منیم

قارا چیسگین اولور چؤکور اوستونه
قویمور ایشیلداسین اودو اوجاغی
اوغورسوزلوق ایله دورور قصدینه
امید ساراییمین سؤنور چیراغی

هئچ بیر ایشیق یولو گلیمیر گؤزومه
آرزولار باخچاسی سارالیر سولور
اورگیم آلدانمیر یالان سؤزومه
ساختا تبسمده ال چاتماز اولور!

بئلهجه امیدسیز قالاندا جانیم
بیتمز عمل لیریم سانکی قودورور
توتوب ساخلاماغا چاتمیر امکائیم
جرگه مدن آیریلیر قارشیمدا دورور

بیر دوشمن اوردوسو توپلو توفکلی
تپه دن دیرناغا سلاح گؤرونور
دوشمن فیرتینالی یئللی کولکلی
امیدسیزلیک اوندا گناه گؤرونور

بیردن آلوولانیر اورگیمده کی

سوزالیب سویویان امید آتشی
بیر ده قدرت آلیب بیله گیمده کی
ایستی قان، سوموکده، آتده ترپه شی

منی بئله گؤرجک ارییر بیر-بیر
اؤزومدن تۆره نن دوشمن قوشونو
اوچوردورام یئنه باش آلیب گئدیر
سونسوز سمالارا خیال قوشونو !!

غریبه گؤروش

قسمت اولدو بیر کره ده گؤروشو
ضیالی دوستلارین داغلاردا یئنه
مئشه لرین قورولوشو دوروشو
گئیش میدانیدی قوشلار سسینه

ناغیلداکی جنتیدی چؤل بایر
یاشیل بویامیشدی هر طرفی یاز
قورشاغا یئتیردی تر چیمین چاییر
یالواریردیم آستا کئچه واخت بیر آز

مئشه لرین عطرین اودون اوجاغین
اوشاقلینغین غمسیز باغین باغچاسین
قیرخ ایل اول ایتیردیگیم او چاغین
تاپا بیلیمیشیدیم تیکه پارچاسین

سئوینجیمه یوغرولالی بیر قههر
گوزوم ایسته میردی سؤزومه باخا
قورویوردوم ظاهریمی بیر تههر
گولوردوم اوزومه یاش آخا-آخا

مجلسدن آیریلیب سسسیز اریدیم
ساری چیچکلیگه سالدیم اؤزومو

بېلىمىرم اوانلار نه ساياق دئىدىم
لال باخيشلا كىتاب بويدا سوزومو

تانيش بىر اوشاقلا قوجا بىر كيشى
دردلشیردى شیرین شیرین اوز-اوزه
كاش هامینین بئله بیتته هر ایشی
اوتورموشدوم اؤز اؤزومله دیز-دیزه

قوجالینیم اوشاقلینیم قوناغی
بۇيوك كىچىك مجلسیدی دئیەسن
بو مجلسین كولو، اودو، اوجاغی
آغ ساققالی دا من اوشاغی دا من

بیرعمر آیریلیغی ایاقدان باشا
من اونا سؤیله دیم او منه دوزگون
گۇروشوموز تاماشایدی تاماشا
اوگونو بوگونه جالادیق او گون

دوستلار مجلسینه قاییتدیم یئنه
سازلا سۆزون یاریشیدی دئیەسن
دیز چۆكوب آیلندیم اوستاد درسینه
ائله گونوم بىر ده اولار گوره سن؟

شاعر ستار ایدی ایلقنا چایلی
نبی ده احسن ده خان اوغلانیلان
آغیر مجلس ایدی هایلی هارایلی
روزگارین شیلتاغینا بىر عصیان

شیرین كئچدی هر ساعاتی هر آنی
حیات نه دئمكى بیلیندی بوتون
داغیلدی كوؤنلومون قارى بورانى
اوره گیمین پاسی سیلیندی بوتون
“باغیرما باسیرام اوزاقدان سیزی”*

آی شاعر دوستلاریم قلمداشلاریم.
اؤپورم اوركدن تك تکییزی
مغنی، صنعتکار، ساز یولداشلاریم
سیزله كئچن گونوم معنالی كئچیر

من بئله فیه تی سیزه بورجلویام
كوئلوم او آنلاری قیمتی سئچیر
بو يوكسك قیمتی سیزه بورجلویام

باخیشین

باخیشینا دویون دوشور باخیشیم
جین دویونو کیمی آچیلماز اولور
دؤنور هیكل کیمی جانلی ناخیشیم
گوزوم گؤزلریندن قاچیلماز اولور

مین بىر اوخومالی ناغیل گۇرونور
من بیریسینیده اوخویانمیرام
سانکی طلسملی هانا هۇرونور
قاچان ایلمه لرین توخویانمیرام

دویغولارین هامیسیندان دئیەسن
بیری گؤزلریمه گوجلۇ توخونور
باخ بونون سببی ندیر گۇره سن؟
باخیشیندا درین حیرت اوخونور؟

گؤزومو گؤززونه جالاییب بىر آن
اوردان اؤز اؤزومه نظر سالیرام
سندە باش وئره نی گورورب او زمان
من ده گۇردویومه حیران قالیرام!

درین بىر درەنین او یالیندا من
گونشدن اوز گؤزو قارسیلان کیمی
سن ایسه بویالدا سرین چشمه سن
داغ دوشونه یاشیل ایز سالان کیمی

نه بولاغ دیشیر اؤز مجراسینی
نه کۆرپو سالماغا چاتیر امکانیم
توتوروق اؤز سئوگیمیزین یاسینی
هجران آتشینه آلیشیر جانیم

گؤزونده زیل قارا هر بویادان چوخ
دئییر: گله جه یین ائله شن دگیل
اوپوروروملو بو درەنین دیبی یوخ
اوتای بوتای ایله گۇروروشن دگیل!

مودریکلردن درس آلسایدیم نه دردییم

MÜDRİKLƏRDƏN DƏRS ALDİM NƏ DƏRDİM

AKADEMİK :TEYMUR BÜNYADOV

آکادمیک تیمور بنیاداف

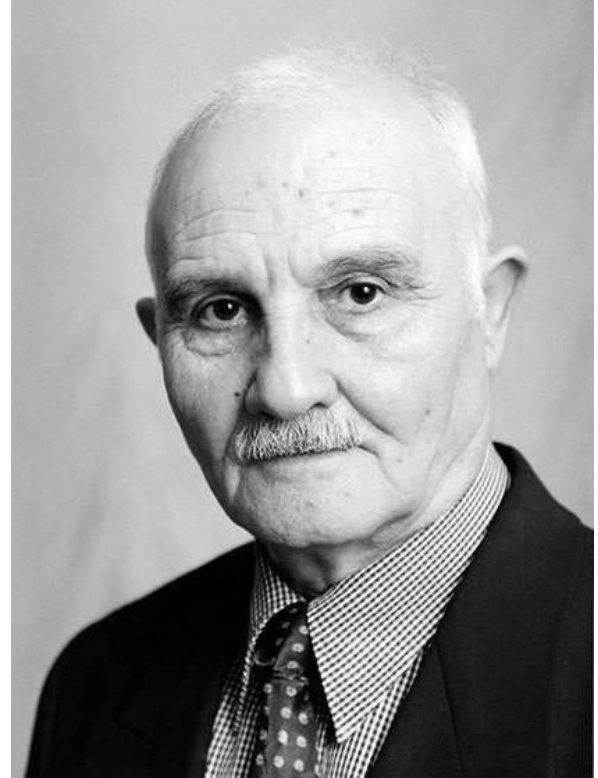
عیصمتلندیرر. غئیرتلیلردن غئیرتلن، عیصمتلیلردن عیصمتلن. خالقم یاشاریلیغی، خوش گلجیی، قلبه سی، طنطنه سی تعلیمده-تربییہ ده دی. بو کؤکن کؤکلن، بو موقدسلییہ سجده قیل...

اصلی-کؤکو، عادت-عنننه نی اوجا توت، اؤیود- نصیحتی باشینا تاج ائله. مودریکلردن درس آل، آغساققلا، آغبیرچه یه احتیرام قیل. تاملاش، بوتؤولش، قلبن تمیز، معنن زنگین اول، دورولاش، صافلاش. آبیر-عیصمت دئه، هامییا قیسمت دئه.

اینسان اینسانلیغا، حؤرمت حؤرمته باغلیدی. بؤیویه احتیرام بورجدو، بو گون اونا، صباح سنه. ائشیتممیسن کی، بؤیویون قدرینی بیلمه یهن بؤیوره-هؤیوره قالار؟ بؤیوکلره کیچیکلیک ائتمک، اونا باش آییمک، سجده قیلماق شرفدی، باش اوجالیغیدی. بلی، قانانا بیر باخیش دا بسدی. اونوتما کی، اینسان اؤلر، اینسانلیق قالار بو دونیادا. کیشیلر کؤچر، کیشیلیک قالار بو دونیادا...

ادب-ارکانی گؤزله، اوتوروشونو-دوروشونو بیل. قولاق آس، قولاق آر دینا وئرمه. مجلسلرده آياقدا اوتور، باشا چکسینلر. " آغیر اوتور، باتمان گل ". آز دانیش، آلقادان دانیش، ناز دانیش، حیکمست سؤیله. ائشیدنلر احسن دئسینلر، برکالله سؤیله سینلر. مصلحته یات، احتیرامی اوستون توت. " گنشیکیلیک دون گئن اولار " ای اونوتما، مودام یاددا ساخلا.

نه اودا سال، نه اودلان. زهملی اولما، رحیملی اول. کؤنتؤی باخما، گؤز آغارتما. نه بوزار، نه قیزار. نه کوس، نه کوسدور. یوللان یوللار، تئلری تئله جولا. بیل کی، خوشگل دین سئوینجیدی، الویدا قهر. تیکانلی



مودریکلردن درس آلسایدیم نه دردییم

ایری یولدان دوغرو یولا دؤنردیم

تربییہ بئشیک نغمه سی، آنا لایلاسیدی، سودله گه لر، سوموکلہ چیخار. بلی، غئیرت قانندان، عیصمت سوددندی. هر ایکیسی اولوی اولسا اولویلشر بشر. اؤولاد باش اوجالیغی، کؤنول خوشلوعودو. اصیل اؤولاد ائوه حؤرمت، ائله شؤهرت، خالقا باش اوجالیغی گتیرر. قابیل، قادیر اؤولاد عایله نین شاهلیغی، سولطانلیغیدی. اوغول وطنیدی، قیز آنا. وطنی، آنانی غئیرتلیلر قورویار، عیصمتلیلر

دردى-ملالى ياخما بوراخما، كىچر، گىندر اوميديله
ياشا. اونوتما كى، قاپى دۇيه نين قاپيسىنى دۇيرلر.
چاليش ياد ائله، داد ائلمه. افسانه، ناغيل دوزلو، مزه
لى، شيرين، حاقىقتين اوزو بوز، آجى...

دوزه چك، دوزه مئيل ائله. حالال ياشاماق جان
ساغليغى، اوزون عۇمورلوكدو، بير ده كۇنول
خوشلوغو. اليرى نين اوره يى ده آيريدى، ديلگى ده،
اوسته ليك عملى ده. گۇزواچيقاول، گۇزوكۇلگه لى
اولما. قلبى لكه ليدن، كۇنول بولاندير آندان اوزاق
گز، اوزاق دولان. ياد گۇزدن، بد نظردن، بد عملدن
ساكين. "آزاجيق آشىم، آغريماز باشيم" دئه. بوغاز
بويدان آشاغىنى اونوتما. گۇزون، كۇنلون توخ
اولسون.



هريسليگى قامچيلا، داد ائله، فرياد قوپار، ياخما
بوراخما. احتياط قيل، كلک ايشله دن كلکباز اولار.
كلکله گلن كولکله گىندر. سوورولار، هئچ-پوچ اولار.
نه ايزى، نه توزو قالار.

امك ايتيره نين امكى ايتير. تمكىنلى، گۇتوروملو
اول، تئز آليشما. گورولداما، نارين-نارين ياغيب ائللره-
اوبالارا سو چيله. هئچ وعده اويمما اغيار سۇزوننه. اۇزو

سۇز قلبى تىكانلار. قلبى سينيغين كۇنلونو
آل، قلبىنى دىندير، دردينه ملهم اول. زحمتله بۇيو،
قئيرتله ياشا. غئيريسى نين كۇلگه سينده ياشاما.
مين بوداق اول، اۇزون كۇلگه سال. گلنلر
كۇلگلىنسین، دىنجلىك تاپسين.

عۇمور اوزات، عۇمور اوزمه. اوزو دۇنه نين چيراغى
سۇنر. بايقوش خاراباليقدا اولار، بولبول گولوستاندا
اوتر. قانى سو ايله يويارلار، ناموسو هئچ نيله.
قايدادى، ايره لى باخان ايره لى گىندر. گئرييه
بويلانان گئريده قالار. هميشه ايشيغا سارى،
آيدىنليغا دوغرو.

تربيه سيزدن تربيه اومماق قباحتيدير. آبير سيزدان،
زيرجيكن، سيتالان، جاهيلدن، نادانان آرالى. بيل

كى، ائله قالماقال بده
سيلدن، بد اۇولاددان دوشر.
جاوانلىق ائله، جاهيللىك
ائلمه. چتینه دوشنده داد-
فرياد قوپارما، گۇتوروملو،
تمكىنلى اول. بيل كى،
دوستدان چوخ دوشمن وار.
حاقىقتدير كى، هر قارانلىق
گئجه نين بير آيدىن
سحرى وار. مين دردين ده
مين بير درمانى. "كيليمه
بورون، ائلن سورون".
"چاي گۇرمه ميش

چيرمنمه، واى گۇرمه ميش هۇنكورتو سالما". نه
قهرلن، نه قوررلن، نه شئشلن، نه يئكلن، نه آش، نه
داش، نه يئلن، نه داعوالان، بيرقرار اول. غئيرتينله،
هونرينله ظفرلن، تيلسىمى قير، زنجيرى پارچالا.
ايپى قيريقدان، ايكي يانا باخاندان، قيرديم قاجدى-
دان آرالى. اونوتما كى، قورخاق دا دوشمن قدر
تهلوكه ليدى. جسارتلى اولان هر شئيه قلبه چالار.

دوستلوقدا مۇحكىم، دوز ايلقار، دوز اعتبار اول! ال-
اله وئر، قول-قولا گير، متينلش، سيخلاش، نه آرايا
گيرسينلر، نه آرانى وورسونلار، نه ده سويو
بولانديرسينلار.

هامىيا بير گۆزله باخ، عئينى نظرله ياناش، آيرى-
سئچكىلىك سالما. عبدالله شايق باباميزم "هپيميز بير
گونشين ذره سيگيز، هپيميز بير يووا
پروردسيگيز" حيكمتينى هميشه قولاغما سيرغا ائله.

سखाوتلى اول، ايسرافچيل اولما. مالى نين قدرينى
بيلن، جانينين دا قدرينى بيلر، ائلى نين-وباسينين
دا. كاسيبا ال توت، يئتيم-يئسىر سئويندير، داردا
قالانا آرخا اول. عاجيز اولما، موباريز اول. قلبى
گئنيشين اورگى ده گئنيش اولار، آرزوسو، ديلي ده.
بد نظردين، بد عملدن، ياد گۆزدن ساكين.

كجه چكمه، دوزه چك. جيزيندان چيخما، يولونو
آرما، دوز يولا قايت. چيراق سؤندورمه، چيراق
ياندير، شام-چيراق توت، نور اله، ايشيق ساچ.

آغ قارى،

چيركاب توتماز آغ قارى.

تانرى تئزجه گۆتورسون

آراميزدان موردارى.

آزاد اول،

قير زنجيرى، آزاد اول.

هونرين ظفريندى،

آزاد ياشا، آزاد اول.

آر ائله،

آبیر-حيا، آر ائله.

ائلين گۆزو ترزى،

ائل-اوبادان آر ائله.

آغلاما،

بختى قارام، آغلاما.

يازان بئله يازيبدى،

بوتؤو، سؤزو بوتؤو اول. آخير سؤزونو اولجه دئمه.
دينله مگى باجار، قارشيداكمى اؤزوندىن اوستون،
عاغيللى ساي. ديز چؤكمكدنسه، آياق اوسته اؤلمگى
شرف ساي. آياق ائشنله آياق يالاپانم نه فرقى؟!
قويروق بولاما، يومروق گؤستر. دوستلوق شربتيني
ايچ. دوست يولوندا جاندا كئچ. ارک ائله ديگينه
اورك قيزدير، كؤنول وئر. ديكباش اولما، تاي-توش
اول.

زحمته قاتلان، زحمتكئش آدلان. گؤزو آچيق اول،
گؤزو كؤلگه لى اولما. اوز-گؤزونو تورشوتما، گولروز
اول. منم، منم دئمه، منمليك گؤستر. شؤهرت
دالينجا قاچما، قوى عملينله، آرزونلا اؤزو گلسين
يانما. قان- قاداتان آرالى، دئدى-قودودان كنار.
قاخمج، تؤهمت ائلمه. غضبدن، كيندن بير شئى
چيخماز، جان اوزر. صولحسئور اول، هئچ واخت
قاريشديрма، باريشدير. قانيچن اولما، ايشيق ساچان،
نور پايلايان، شام-چيراق توتان اول! پامبيقلا باش
كسمك دهشتدى، قيلينجلا دوشمن باشى كسمك
هونردى.

سراف نظرلى، مطلب قانان اول. آغى قارادان،
ياخشى ياماندان سئچمگى باجار. بيل كى، قارا
رنگ بيرليكدى، گوجدو، قودرتدى. بير ده ماتم. سان
سئوينجىدى، شنليكدى. گؤى رنگ گؤيون رنگيدى.
ياشيل طبيعتين رنگيدى، ياشارليغيدى، گؤزليكدى.
آغ رنگ گؤزلره ايشيقدى، آيدينليقدى، پاكليق،
تميزليكدى. قيرمىزى ياخشىليقدى، هم ده قاندى-
قاداتى. مودام اوخو-اؤيرن، كامالا چات. يئرين آلتى
دا بيل، اوستونو ده. اوجال، يوكسل، گؤيلرين
قوينوندا اولدوز در، آى در، باشم اوجا، آلتين آچيق،
گؤزون نورلو، قلوبين تميز اولسون. وطن سمالاريندا
شيمشكلن چاخ، دوشمنى ياندير-ياخ!

گۆزوم-كۆنلوم، آغلاما.
 آلله دئه،
 بنده يوخ، آلله دئه.
 گۆيه اوز توت، دردينى
 بير اولان آلله دئه.
 آغاچ باشيندا قورا،
 بيلمه ديم، دوشدوم تورا.
 او قيزى مندن ائله ين
 ايمانسىز گتسىن گورا.
 آرخاسيزا،
 سو گله، آرخا سيزا.
 آرخالى داياقليدى،
 آرخا دور آرخاسيزا.
 آللهيم،
 آللهيم
 اولو تانريم - آللهيم.
 ى ارادان-ياشادانيم،
 تكيم، واريم، آللهيم.
 آختارا،
 يادا سالا، آختارا.
 سن كيمي آختاردم كى،
 كيم ده سنى آختارا؟
 آيدان گليب،
 اولدوزدان، آيدان گليب.
 تانرى گۆندرن ملك
 يار سئويب، آيدان گليب.
 آ دنيا،
 داغيل، سؤكول، آ دنيا.
 حاقسىزلىق عرشه چيخيب،
 خارابا قال، آ دنيا.
 آت اوينادير،
 آتلايىب، آت اوينادير.
 مئيدان تولكولريندى،
 تولكولر آت اوينادير.
 آللهدان،
 بنده اومار آللهدان.
 كۆمك دوران آللهدى،
 گۆزله كۆمك آللهدان.
 آغساققالا،
 مودريكه، آغساققالا
 احتيرام ائت، حۇرمات ائت
 آغبيرچك، آغساققالا.
 آغزينا قوى،
 بال دادير، آغزينا قوى.
 آرتيق-اسكيك دانيشما،
 ديليني آغزينا قوى.
 الله وئرير،
 بير الله، الله وئرير.
 هر كسه بخت، قيسمتى،
 عؤمرو ده الله وئرير.
 آختارين،
 يادا سالين، آختارين.
 آنيلىسين خاطيره لر،
 دوست-تانيشى آختارين.
 آغلايا،
 آغى دئيه، آغلايا.
 مندن اوز دؤندره نيم
 قبريم اوسته آغلايا.
 آز آغلا،
 آز سينه دؤى، آز آغلا.
 گئدن گئتدى قايتماز،
 قايتمازى آز آغلا
 آغريما،
 آغرى گؤرمه، آغريما.
 جانيمدا جان اورگيم،
 يالواريرام، آغريما.

آدین قالسین،	آغلايیر،
عملین، آدین قالسین.	کۆرپه خسته، آغلايیر.
خالقا خیدمت شرفدی،	آنا دۆزمور بالایا،
شرفلی آدین قالسین.	آنا-بالا آغلايیر.
عار ائله،	آغلارام،
آبیر ائله، عار ائله.	آه چکرم، آغلارام.
ائل تۆهمتی یاماندی،	یئتییمی آغلار گۆرسم،
دوشون، داشین، عار ائله.	آغلار قالار، آغلارام.
آغلاما،	آغریما،
بسدی، یئتر، آغلاما.	آغری گۆرمه، آغریما.
یازان قارا یازیبدی،	آغریسان آغرییارام،
قارا بختیم، آغلاما.	جان اورگیم، آغریما.
آلماسین،	آغلا منی،
تانریم وئریب، آلماسین.	دسمال آل، آغلا منی.
آلیر آلسین جانیمی،	واخت یئتنده گئدجم،
منلیگیمی آلماسین.	ها ساری، باغلا منی.
آزغینلار،	آغساققالا،
ساغ اولماسین آزغینلار.	مودریکه، آغساققالا
ائل-اوبایا لکه دی	احتیرام ائت، حۆرمه ائت،
قودورغانلار، آزغینلار.	آغیرچک، آغساققالا.
آغاردی،	آغزینا قوی،
یورغون گۆزوم آغاردی.	بال دادیر، آغزینا قوی.
درد چکیب، قم یئمکدن	آرتیق-اسکیک دانیشما،
قارا ساچیم آغاردی.	دیلمینی آغزینا قوی.
آلما مننن،	آلله وئریر،
آماندی، آلما مننن.	بیر آلله، آلله وئریر.
آلیرسان آل جانیمی،	هر کسه بخت، قیسمتی،
یازماغی آلما مننن.	عۆمرو ده آلله وئریر.
آچیلسین،	آختارین،
نورلو صاباح آچیلسین.	یادا سالین، آختارین.
تانریمین رحمی گلسین،	آنیلسین خاطیره لر،
یاتمیش بختین آچیلسین.	

شاھ ایسماعیل ختایی یارادیجیلیغیندا شیعه لیک

ایدئولوگیاسی نین بدیعی تقدیمی

دوچنت دوکتور ماھمیزر مھدیپووا

یئری قایم، گۆیلری دووار ائدن پروردیگار!
جومله اشیلار گۆزون درخواب ائندیر گنجہ لر،
گۆیدہ کۆوکبلر گۆزون بیدار ائدن پروردیگار!
لوطف ایله احوعلینا قیلغیل ختایی نین نظر،
عشق ایچینده والہ دیدار ائدن پروردیگار. (۱، ص. ۲۱۱-۲۱۲)
ختایی اوچون شیعه لیک ایدئولوگیاسی نین
سوتونلاریندان بیرى ایسلام پیغمبرینه محبت،
اونون بویوردوقلارینا اطاعت، نهی ائتدیکلرینه
نیفرتدیر. اۆزو ده پیغمبر نسلیندن اولان شاعیر
جددینه محبتینی ایفاده ائتمک اوچون ان گۆزل
سۆزلردن ایستیفاده ائدیر:



صفوی خاندانی نین ایلك حۆكمداری و اورتاچاغ
آذربایجان پوئریاسی نین ان بۆیوک نوماينده لریندن
بیری اولان شاه ایسماعیل ختایی نین
یارادیجیلیغیندا شیعه لیک ایدئولوگیاسی و اونون
واسیطه سیله ان موختلیف اوبیئکترلره و اجتماعی-
سیاسی قوروملار یۆنلمیش ایدئولوژی تبلیغات، حاق
اوغروندا موباریزه یه هوسلندیرمه موتیولری آپاریجی
یئرلردن بیرینی توتور.

شول موبارک ذاتینا ایشیم ئنادیر، یا نبی،
عاصیلیک بیمارینا آدین شفادیر، یا نبی!
بو ختایی خسته یه قیلغیل شفات روزی حسر،
چونکی اصلیندن سنینلن آشینادیر، یا نبی! (۱، ص. ۲۱۲)
بیر آن بئله اورگیندن تانری، پیغمبر سئوگیسینی
چیخارمايان ختایی، اۆز تخلوصونون " خدا " سۆزو
ایله هماهنگ اولماسیندان دا بیر غورور دویور:
یقین بیل کیم، خدایدیر ختایی،
محمد موصطافایدیر ختایی.
منیم آدیم ولی شاه ایسماعیلدیر،
تخلوصده ختاییدیر ختایی

شیعه لیک ایدئولوگیاسی ختایی یارادیجیلیغیندا
اجتماعی-سیاسی و بدیعی فونکسییاسیندان آسیلی
اولراق موختلیف راکوسلاردان تقدیم اولونور.

ختایی یارادیجیلیغیندا شیعه لیک ایلك نۆوبه ده،
موقدس ایسلام دینی نین ان مۆحکم سوتونلاریندان
بیریدیر. بو باخیمدان ختایی اوچون شیعه لیک هر
شئیدن اول تانری سئوگیسی، ایسلام شریعتی نین
مۆحکم قایدا-قانونلاری، دین بۆیوکلرینه محبتدیر.
قصیده لری نین بیرینی میناجات شکلینده قلمه
آلان شاعیر یازیر:

ای کی، یوخدان بو جاھانی وار ائدن پروردیگار،

شاعیر حۆكمدارین اۆزو ده امام اؤولادی اولدوغو
اوچون ان گۆزل شعرلرینده نسل-کۆکو ایله فخارت
دویغولارینی ایفاده ائتمکدن یورولمور. تویوغلاری
نین دئمک اولار کی، هامیسینی امیرالمؤمنین علی
بن ابوطعلیبه حسر ائتمیش شاه ایسماعیل، اونو
مظلوملارین پاسیبانی، دین یولوندا یورولماق بیلمه

يولوندا شهيدلىك زيروه سینه اوجالمیش ایمام
اؤولادلاری نین بدیعی تقدیمی و ترنومودور.
شاعیرین فیکرینجه، شهیدلىك هر شئیدن
اۇنجه، گوناھسیز قانلارین تۆکولمه سینه قارشى
يۆنلمیش بیر حرکتدیر. شعورلو شکیلده اؤلومو
قبول ائدن شهید، بونولا یوزلرله اینسانین
اؤلومون قارشىسینی آلدیغینی باشا دوشور.

یارین یولوندا خسته ختایی، یوروخما تیغ،
اولغیل شهید دشتی بیابانی کربلا.

شیعه لیک ایدئولوگیاسی نین بدیعی تظاهور
فورمالاریندان بیرى ده، ختایی یارادیجیلیغیندا
کونکرئت ایدئولارین اطراف موحیطده یاشایان و
فعولیت گۆسترن کونکرئت اینسانلار، ائلجه ده
بوتؤولوکده بو اینسانلارین توپلومو-جمعیت، یا
دا آیری-آیری فونکسییالار داشیان کونکرئت
اینسان قروپلارینا آشیلانماسیدیر. بو باخیمدان
ختایی اؤزو شیعه بؤیوکلرینه صداقت و محبتله
خیدمت ائتدیگی کیمی، بونو اطرافینداکیلارا دا بیر
اؤرنک گۆستریر، مورشوده صداقت و محبتین هامی
واجیب اولدوغو فیکرینی ایره لی سوره رک یازیر:

گل بیر پیره خیدمت ائیله،

امک ضایع اولماز اول.

مورشود اتگین مؤحکم توت،

کیمسه علیندن آماز اول.

ختایی گۆرکملی لیریک شاعیر کیمی شیعه لیک
ایدئولوگیاسینی قورو تبلیغات چاغیریشلاری ایله
دئیل، یوکسک ایدئو-ائتستتیک دیره معلیک اولان
پوئتیک اوبرازلار و گۆزلیکلر واسیطه سیله تقدیم
ائتدیگیندن، بو ایدئولارا قارشى اینسانلارین
اورگینده درین محبت دویغولاری یاراتماغا نایل
اولور.



دن، فداکارجاسینا چعلیشان نهنگ بیر شخصیت
کیمی تقدیم ائدیر:

سایه خورشید صوبحاندير علی،

اهلی فقره شاه مرداندير علی.

ای ختایی، گنیمیش آسلان کيسوتین،

لامکان قصرینده درباندير علی.

شاعیره گۆره، هر کسین اورگینده علی محبتی

وارسا، اونون قلبینده کین-کودورت، پاخیللیق،

پیسلیک دویغولاری اول بیلمز:

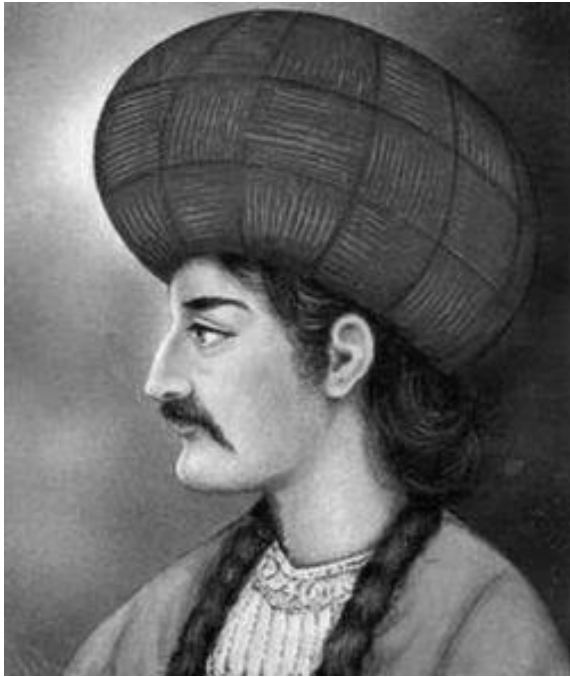
گر علی نین مولک اینساندير یئری،

در حقیقت عرش رحماندير یئری.

ای ختایی، کیمده وار مهر علی،

رحمت حاق، باغ ریسواندير یئری.

ختایی یارادیجیلیغیندا شیعه لیگین بدیعی تقدیم
واسیطه لریندن بیرى دین یولوندا، عدالت و ایدئو



ايريشدى وعد عهدى محمد،

ظهور ائده اوزون مهدى محمد.

شاه اسماعيل پيغمبرين و حضرت على نين
ايدئالارى نين قيزغين تبليغاتچيسى كيمي "
نصاحتنامه " پوئماسيندا اونلارى يوكسك بديعى-
اىستىتىك سوييه ده تقديم ائده رك على عاشيقى
كىمى چىخيش ائدير:

طريقى-اؤوليا بير دوغرو يولدور،

يئتر هر يئتنه كندونو يولدور.

اگر اولماز ايسن بو يولدا گئركچك،

ويلايت سوفره سيندن علىنى چك.

كرم كانى عليدن حاشالله،

هاچان اوز چاكرينى ائده گومراه؟

موحبيبى شاه اولان مؤختنده قالماز،

چىخار آيدىنليغا، ظولمتده قالماز.

جالانما دؤرد يانا، باغلان علييه،

ارنلر سرورى، شاهى ولييه. (۲۳۲..۱)

اؤز اصلى-كؤكو ايله هميشه فخر ائدن شاعير،
يئرى گلدىكجه بديعى اثرلرينده بونو تقديم
اوبىئرتينه چئويرمگى سئوير: قزللريندن بيرى نين
مقطع بيتينه نظر سالاق:

من حسيني مذهبم، شاهين قولو،

يعنى كيم، معنادا آلاهي قولو.

اى ختايى، پادشاه اولماز كيشى،

اولماينجا اوشبو درگاهين قولو. ۱ (ص.۲۲۳)

ختايينين بعضى اثرلرينده شاعيرين معنوى-
پسيخولوژى دورومونو، كئچيرديكى حس و
هياجانلارى عكس ائتديرين دينى رئعيلر و اوبرازلار
دا بديعى اىستحصالا داخيل اولور كى، بونلارين
كؤمگيله صنعتكار اؤز پسيخولوژى اووقاتى نين
بديعى ايفاده سيني وئرميش اولور. بو اوبرازلار توپلو
حالدا ختايينين بير صنعتكار و شخصيت كيمي
پسيخولوژى موحيطينى، اوخوجو و دينلگىچى
اوديتورياسيني يارادير كى، بونو دا بوتؤولوكدە
پسيخولوژى-اىستىتىك تائير واسيطه سى كيمي
ايفاده ائده بيلريك. بو واسيطه لرله شاعير اؤز
اوخوجوسونو حاق يولونا يؤنلتمك، اونو شردن،
شيطانى قووه لردن خيلاص ائتمك، جنتين
قاپيلاريني اونون اوزونه آچماق ايسته يير:

حسن حسيني سئو جانندان هميشه،

زهى دؤولتلى جان شاها بولوشا.

على، زين العباد، باقير و جعفر

اولاردير مؤمينه مورشيدى رهبر.

موسى كاظم، على، موسى الرضايه،

ريضا وئركيل يقين على-عبايه.

تقى ال با نقى شاه اكبردن

اولا گؤرگيل ايماملار گؤوهريدن.

شيعة





ختاییم، آل آتلییام، سؤزو شکردن داتلییام،
مرتضی علی ذاتلییام، قاضیلر، دئیین شاه منم.
"دهنامه" پوئماسی نین گیریشینده شاه
ایسماعیل عنعنه وی میناجات و نندن سونرا حضرت
علی نین، اون ایکی امامین مدحینده ده یوکسک
بدیعی سوییه لی سؤزلر دئییر. خصوصن اونون
موربسی شیعه لیک ایدئیلاری نین یاییلماسی
یولوندا آتیلیمیش مهم آددیملاردان بیرى سایلملیدیر:
باشلاردا هومایی تاجی دؤولت،
مروانا بلا، یزیده لعنت،
هم قاضیلرین قولوندا قوووت
آلله و محمدو علیدیر.
فخری شرفی نوفوسی آیام،
ذیکرو هوه سی خاص و عوام،
نقشی المی دوازده امام
آلله و محمدو علیدیر. (۱، ۲۴۳)

شیعه لیگین تبلیغی زامانی ختایی یوکسک سوییه
لی بدیعی تضادلاردان ایستیفاده یولو ایله
اوخوجونون ائوموسییلارینا تاثیر گؤسترملگین و
بونونلا دا شووروندا دوغرو یولا محبت اویاتماغین
اوستاسیدیر. قزلریندن بیرینده بئله بیر بدیعی تضاد
ایشله دیر:
ختایی اؤلمه یه جان وئرمه ییب میدانی عشق ایچره
یزید اوللام، دؤنرسم مرتضانین ذولفیقاریندان.
باشقا بیر قزه لینده ایسه عینی اوغورلا بولبول و
قارغا قارشیلیغینی یارادیر:
چون ختاییدیر بو گون گولزاری-وحدت بولبولو،
دخی اول زاغی سیعه گولزارا سؤیلن گلمه سین.
اؤزوندن سونراکی آذربایجان ادبیاتیندا دینی
ایدئیلارین و شیعه لیک ایدئولوگییاسی نین بدیعی
تقدیمی نین گئنیشلنمه سی و اینکیشافیندا شاه
ایسماعیل ختایی یارادیجیلیغی چوخ بؤیوک رول
اوینامیشدیر.

شیعه لیک ایدئولوگییاسی ختایی یارادیجیلیغیندا
ان موختلیف فونکسییالاری ایله سجیعيله نیر و
شاعیرین یارادیجیلیغیندا آپاریجی موتیولردن بیرینی
تشکیل ائدیر. بونا گؤره ده ختاییده ایسلام دینی نین
و شیعه لیک ایدئولوگییاسی نین بدیعی تقدیمی نین
مؤستثنا یئری و اهمیتی واردیر.

- قایناق
۱. ختایی. اثرلری. باکی: "شرق-قرب"، ۲۰۰۵، ۲۰۰۵.
 ۲. قاسیملی م. شاه ایسماعیل ختایی نین پوئزییاسی. باکی: "علم"، ۲۰۰۲.
 ۳. ممدواو ح. شاه ایسماعیل ختایی. باکی: "اوشاگنجنشر"، ۱۹۶۱.
 ۴. شاه ایسماعیل ختایی. اثرلری (ج. ۲). باکی: "آذرشر"، ۱۹۷۶.
 ۵. شاه ایسماعیل ختایی (مقاله لر توپلوسو). باکی: "علم"، ۱۹۸۱.

"دده قورقود" کیتابی "دیرسه خان اوغلو بوغاج"

دستانی

دستانین خلاصه سی و اطرافلی معلومات لار

یازار: محمد شریف

اؤن سؤز

میللت لر آراسی مدنیت آراشدیرماسیندا ائله دوشونولور کی بیر سئرا اینسانی کاراکترلرله، میللی عنعنه لر وارکی تاریخ سیرینده موختلیف حیصه لرده، اینکیشاف سیلسیله سینده قازانیلیب دیر و بیر سیرا دیگر اوبرازلار وارکی کئچمیش تاریخن سینه سینده قازیلیب و حقیقتاً یارانیب دیر. دده قورقود آراشدیرما نتیجه سینده آیدین لاشیر کی بو معنویات قازانیلمایب بلکه ان حقیقی معنادا یارانیب دیر.

دده قورقود کیتابی نین ایلک بویو (دستانی) "دیرسه خان اوغلو بوغاج"، خان لار قونوسوندا حئکایه اولوب و باشلانیشی عینی قونودا اولورسادا آنجاق ائل تمثیل چیسى دده قورقودون قهرمان لیقی ایله سونا چاتیلیر؛ بنله لیک ایله بو دستان لاردا زور یوخ سؤز، تاج یوخ ساز و بیر جمله ده دئورانش یوخ آنلایش حوکم ائدیر.

دده قورقود کیتابی دونیانین ان قوجامان حماسی اثری آدیلا یئر توتمادان علاوه بیر ایجتیماعی تاریخ قاینای کیمی ده مقامی واردیر نیه کی انسانلارین حیات طرزی، میللی عنعنه لری، موختلیف ایجتیماعی صویه لری و فیکرلری نین گؤسترچی سی دیر. اؤنوموزده کی مقاله ده یازار چالیشیب دیر دده قورقود کیتابینین "دیرسه خان

اوغلو بوغاج" دستانینی موعاصیر اوبرازلارا دایاناراق اطرافلی معلومات لار آچیقلاماق ایله، دستانین خلاصه سینى الده ائتسین.

دیرسه خان اوغلو بوغاج

باشلانیش: خان لار خانى بايىندیرخان بیر ضیافت اوچون اوغوللو قوناقلاری آغ اودا (اوتاق) دا، قیزلی قوناقلاری آلا اودادا و اوشاقسيزلاری قارا اودادا مکان وئردیریر.

اطرافلی معلومات: بو رئال عنعنه لری قبول ائتمه- لیک کی اوغوز ائللری نین حوکومدارى نین دوشونجه سینده اوشاقسيز اینسانا باخیش لار هنج یاخشی اولمایب و قیزلی لار آلا اودا قازانماق ایله، آق و قارا اودا آراسیندا یئر تاپیب دیرلار ائله کی اوغوللولاردان آلچاق و یوخلولاردان اوستون یئر آلیب لار. اما خان لار خانى نین سئویلمه یین باخیش- لاری نین قارشیسیندا دده قورقودون دوشونجه پرسپیکتیلری و فیکیر گئیشلی یی عکس ائدیر.

دستان داوام لانی: دیرسه خان اوشاقسيز اولدوغو سببدن، راسلاشدیغی رذیل آکسیالاردان اوزولوب و کندی قادینی نین اؤنونده دوروب، بیر عصبلی قارشیشمادان سونرا، اوشاقسيزلیغی نا سون وئرمک اوچون چاره ایسته دینی خواهیش ائتدی؛ نه گؤزل کی دیرسه خانین قادینی اونو ظولمات دان چیخارماق اوچون آیدین یول گؤستردی و او یولون داوامی ایله اوشاقا صاحب اولدولار.

اطرافلی معلومات: دده قورقود بوی لاریندا اوغوز ائللرینده قادینلار، ساده جه اوشاق یوخ، سئوگی



قورتارا بيلسين، نيه كى بير ايگيدى ايکينجى دفعه اولاراق دونيايا گتيرسين ديه چاره قيلسين.

دستان داوام لانير: ديرسه خانين لاييق خانمى بير ايگيدى ايکينجى ديه اولاراق دونيايا گتيرسين ديه قرار وئردى ائله كى جان شيرهسى ايله اولومه گؤز تيكن ايگيدى نين يارالارين بيتيشديردي.

جاهيل لر بوغاجين ديريليغيندن خبر تاپان كيمى، بو ديه ديرسه خانين جانين آلماقا قرار وئرديلر؛

اطرافلى معلومات: اما ائله بيل مادام بو دستاندا قادين قهرمانى وارديرسا حايات اومود ايله دوام ائتمگ مجبوريتينده اولمالى دير، نيه كى:

دستان داوام لانير: ديرسه خانين قاديني ايگيد اوغلونو اولاي لاردان آييق سالدى و بو آييق ليق نتيجه سينده، ايگيد بوغاج آتاسى ديرسه خانى جاهيل لر حصاريندان اؤزگور بوراخدى.

باينديرخان بئله بير شر خطائين، خيرلى سونوج ايله قورتولوشون دويانندان سونرا، بير مجلس قوردو و بو موحتشم مجلسى آنجاق دده قورقود اؤيودلر و موناجاتلار سرانجامى ايله بيتيردي.

محبت، اوندان سوايى آيدين فيكير و ها بئله ايگيدلىك گؤستريب و ايگيدلر بسله بيرلر، نيه كى:

دستان داوام لانير: يئنى يئتمه اوغول، باينديرخانين قارشيسيندا بير بوغايا (اؤكوزه) قالب گلرکن لاييق گؤرونور كى اونون آدينى دده قورقود وئرسين و بئله ليكله بو يئنى يئتمه ايگيدى آدى بوغاج قويولور و دده قورقود بو اوغولون گؤسترديغى ايگيدليغى اوچون آتاسى ديرسه خاندان مال-مقاملى اؤدول و عنوان ايسته بير.

اطرافلى معلومات: بو حيصه ده ديقتميزى چكن دده قورقودون، خانلار موناسيب لرينه قاتيلماسى و بير باش مصلحت چى كيمى ايفا ائديگى رول و قازانديغى مقامدير، ائله كى خانلار خانى وار ايكن دده قورقود، خانين اوغلونا آد قويماقا لاييق بيلينيپ و اونون اوچون حوكمودارلىق تختينى الله ائتمه ييني ايستيپ.

دستان داوام لانير: هر زامان خيرين قارشيسيندا شر دوران كيمى، بو ايستيقامتده ده بوغاجين مقاميني گؤزو گؤتورمه ين جاهيل لر پلانلار چكيپ و ديرسه خانين ساققيزين اوغورلاماقا اوغور قازانيب و يانليش جا بوغاجين خيانت و آلچاقلىق ائديغيني ديرسه خان اوچون اينانديرديلار و آنجاق ديرسه خانين ياييندان آتيلان اوخ ايله يئنى يئتمه ايگيدى سالديريلار.

اطرافلى معلومات: بلكه بو دهشتلى دورومدا ساده-جه قادين قهرمانى نين رولو دستانى تهليكه دن

بویوک تورک (تورکمن) شاعیری مختومقلی فراغی دن سچمه شعرلر

حاضیرلادی: دکتر حسین محمدزاده صدیق



اوقیب قرآن کتابی اولالیب اونه گلدینگ.
سونرالار بخارا شهرینه گتمیش و کوگلان
مدرسه سینده اوخوماغا مشغول اولموشدور. نچمه
ایل سونرا خیویه گتمیش و شیرغازی خان
مدرسه سینده وارد اولموشدور. اوچ ایل سونرا بیر
داها ایرانا دؤنموشدور و وفات ایللی ۱۲۰۳ هـ.
(۱۷۹۰ م.) یعنی ایلینه قدهر تورکمن ائللری اوچون
یازیب یاراتمیشدیر و وفات ائتدیگدن سونرا
آتاسی نین مزاری یانیندا دفن ائدلمیشدیر.
مختومقلی فراغی دُنیا شهرتلی بیر شاعر دیر. روس
شاعری پوشکین اونون «تورغیل دیدیلار»
قصیده سی تأثیری آلتیندا پیغمبر (prorok) عنوانلی
منظومه یازمیشدیر.

ناظم حکمت مختومقلی حاققیندا دئیر:
«من اوستاد مختومقلی دان و اونون یارادیجیلیغیندان
بهاسی بیچیلمز چوخ شئیرلر اؤیره نمیشم. من دیل
اوچون و اؤز ملتین باشی اوجا و آزاد یاشاماسی
اوچون شعر یازماغی اوندان اؤیرنمیشم».
اونون ازدواج ماجراسی ایسه چوخ مارقلیدیر.
منگلی خان، مختومقلی نین سؤگیلیسی، مدد
پهلوان آدلی بیر تورکمن بگی نین قیزی ایدی.
کالایه یه یاخین آق شور آدلی بیر کهنده
یاشایاردی. دئییلنلره گؤره، مختومقلی، ۱۸ یاشیندا
ایکن اونا وورولموشدور.
اونون دیوانیندا منگلی اوچون چوخ شعرلر واردیر.
بیر یئرده دئیر:
یارا یار ایشار اوچ موچه،

مختومقلی فراغی، دولت محمد آزادی نین
اوغلودور. او اؤز آتاسی حاققیندا دئیر:
«مختومقلی»! چاغیر رب العبادی،
بو دُنیا آخرت بئرگیل مرادی
رسول الله قویمیش آدین «آزادی»
آتام دولت محمد ملا حق اوچون.
آتامینگ ردیفلی شعرینده ایسه یازیر:
آغیر دولترلر، گؤنگل قویمه دی،
بو جهانین عشرتینی سؤیمه دی
اسکی شالدان آرتیق پوشش گئیمه دی
آخرت اتوی بولدی قصدی آتامینگ.
مختومقلی ۱۱۵۳ هـ. (۱۷۳۳ م.) ایلینده دُنیا یا گلیمیش
و ۷ یاشیندا مکتبه گتمیشدیر. اؤزو دئیر:
یئددی سگیز یاشینگده آتانگک ملاغه بئردی

صفاتین سۆیلهرم آنچه.
 لبی شکر، آغزی غنچه،
 رۇلفی قارادان آیریلدیم.
 آیریلدیم غنچه گولومدن،
 سیاه ساچلی سونبولومدن،
 خوش آوازلی بولبولومدن،
 شیرین گفتاردان آیریلدیم.
 تورکمن ادبیات تاریخی نین بو بؤیوک شاعری نین
 نشر اولموش دیوانیندان بیر نچه شعر
 آذریشدیره رک سفر یادداشتلاریمین سونونا
 ضمیمه اندیرم.
جیحون
 جیحون ایله بحر خزر آراسی،
 چؤل اوستونده اسر یئلی تورکمنین.
 گول غنچه سی، قارا گۆزون قاراسی،
 قارا داغدا یئتر سئلی تورکمنین.
 حق سیلامیش باردیر آنین سایه سی،
 چیرپیشار چؤلونده نری، مایه سی.
 رنگ به رنگ گول آچار یاشیل لایلاسی،
 غرق بولموش ریحانا چؤلور تورکمنین.
 آل- یاشیل بوره نیب چیخار پریسی،
 قوقاییب برق اورار عنبرین ایسی.
 بیگ تۆره آغ ساققال یوردون اییه سی،
 کورن توتار گۆزل ایلی تورکمنین.
 اول مردین اوغلودور مرددیر پدری،
گور اوغلو قارداشی، سرخوشدور سری.
 داغدا دوزده قاوسا صیادلار دری،
 آلا بیلمز یولبارس اوغلو تورکمنین.
 کۆنوللر، اوره کلر بیر اولوب باشلار،
 تارتسا یاغین، اریر توپراقلا، داشلار،
 بیر سفره ده تاییار قیلینسا آشلار،
 گۆتورولر اول اقبالی تورکمنین.
 کۆنول هاوالانار آتا چیخاندا،
 داغلار لعله دؤنر، قییا باخاندا.
 بال گتیره ر جوشوب دریا آخاندا،
 بند توتدورماز گلسه سئلی تورکمنین.
 غافل قالماز، دؤیوش گونی خوار بولماز،
 قارغیشا نظره گرفتار بولماز.
 بولبولدن آیریلیب سولوب سارالماز،
 دایم عنبر ساچار گولو تورکمنین.
 تیره لر قارداشدر، اوروغ یاری دیر،
 اقباللار ترس گلمز حقین نورودور.
 مرد آتا چیخسا ساواش ساری دیر،
 یاد اوستونه یاددیر یولو تورکمنین.
 سرخوش بولوب چیخار جگر داغلانماز،
 داشلاری سیندیرار یولو باغلانماز.
 گۆروم غیره دوشمز، کۆنلوم اگلنمز،

مختوم قولو سۆزلر دیلی تورکمنین.

باغیشلا بیزی

رسول دامادیدیر، اؤز آصلانیندیر،

سن امام علی یه باغیشلا بیزی.

چشم و چیراغیمدیر، نور عئینیمدیر،

سن امام حسنه باغیشلا بیزی.

یالان دنیا کیمه ائتدین وفانی،

آخرتده آنلار سورهر صفانی.

شیمیرید ایله یزید وئردی جفانی،

سن امام حُسینه باغیشلا بیزی.

نصر، مروان حکم دؤورونده،

اماملار قالدیلار جفا جؤورونده.

بیر چایا آتدیلار دمشق شهرینده،

زین العابدینه باغیشلا بیزی.

فاطمه زهرادیر آنین آناسی،

داتیندا بیر ذرّه یوخدور گوناسی.

همایون داغیدیر آخر بیناسی،

محمد باقره باغیشلا بیزی.

کمالی فلکدن آشیدیر عرشدن،

باشا قویدو جدّی گئیدیگی تاجدان.

اوج کرامت ایله قالدی حجاج دان،

سن امام جعفره باغیشلا بیزی.

کیم بیلیر ایچینده نه سیررلر وار،

عاغیل اونا یئتمز قدرتلی جبار.

دشمنی دوستونا ائتدین گرفتار،

سن موسی کاظمه باغیشلا بیزی.

تای توشلار یانیندا بیر بی کمالام،

عاشقم، مجنونام، شکسته بالام.

سینهی خراسان، زوآر عالم،

سن امام رضایا باغیشلا بیزی.

اماملار عشقیندن منه وئرگیل جام،

آچیلسین دلیمیز، اوخونسون کلام.

الاهی! به حق فاطمه قیام،

محمد تقی یه باغیشلا بیزی.

دنیدا چکدیلر یوز درد، داغی،

محشر گونونده مینرلر بوراغی.

حقیقت یولونون شمعی، چراغی،

علی النقی یه باغیشلا بیزی.

یقین کؤنول ایله مشتاقام بنده،

یادینیز ائیلهرم، اولارام زنده.

آدی گوندن مشهور اولموش جهاندا،

سن صاحب زمانا باغیشلا بیزی.

مختوم قولو آیدار: «من خاک پایام،

اماملار یولوندا جانی فداایام.

کمینه بنده یم، گلن گداایام،

قوشغولار (۶ + ۵)

اوچدوم يارانلار

بیر جمعه گنجه سی گۆردوم دوشومدا،
بال اوروب گۆیلره اوچدوم يارانلار!
پرواز ائیلیب، سئیران ائتدیم دنیانی،
بیر آوادان جایا دوشدوم يارانلار!

کھکشانا چیخیب دورلو ثمرلر،
مین دورلو مئوهلر، خرّم شجرلر.
نارینجی - تورونجو لیمون آلمالار،
بیر آوادان باغا دوشدوم يارانلار!

آچیلیمشدير آندا رنگ به رنگ گوللر،
شورش و افغاندا شیدا بولبوللر.
مرمردن حاووضلو، کوثردن سولار،
حیران اولدوم بونا چاشدیم يارانلار!

اول قارا باغليقددا گۆردوم بیر چمن،
عجایب مجلسین گۆردوم انجمن!
دؤوره گیریب گۆردوم اوتورموش چهلتن،
سلام وئریب، قولون قوجدوم يارانلار!

هامی آواز ائیلیب، علیک آیدیلار،
اشارت ائيله ییب «اؤتگیل!» دئدیله.
دؤوره ووروب جاما شراب قویدولار،
منه یئتگج، قولوم آچدیم يارانلار!

سن عباس علی یه باغیشلا بیزی.

گلّمه دی

کۆچن - قوناق ایله گئتدی عبدالله،
هامی گئدن گلدی، بولار گلّمه دی.
محمد صفا گئتدی کؤمک وئرمگه،
اوزادانلار گلدی، بولار گلّمه دی.

آناسیندان آیری یاتماز اوغلانلار،
یارب! گۆرن وارمی بولاردان ائللر؟
آیلانارلار آیلا، دولانار ایللر،
آیلار - ایللر گلدی، بولار گلّمه دی.

ساغالدی خستهلر، زهر دادانلار.
حقّین آلیب گلدی گونون گودنلر.
آلتی آیلیق کعبه یولون گئدنلر،
حاجی اولوب گلدی، بولار گلّمه دی.

اوزاقدان یاخیندان واریب گلنلر،
وارمی دؤرد دؤوره دن گۆروب بیلنلر.
هندستانا بازار گانلیق ائدنلر،
مالین ساتیب گلدی، بولار گلّمه دی.

مختوم قولو دردی قویماز یاتماغا،
اوغرون بیلمز سورا - سورا گئتمگه.
یئردن جواب چیخماز خبر توتماغا،
گۆرن بیلن وارمی؟ بولار گلّمه دی.

سدره صحراسیندا، عیسی شهرینده،
منیم صاحب جمالیمی گۆردونمو؟

حضرت علی^(ع) ائتگچ عالمه دعوی،
قافدان قافا دوشدو حضرتین ساوی.

یا اقلیم یئیه سی احمد یسوی!
منیم صاحب جمالیمی گۆردونمو؟

مسکن توتמוש قاراداغین بورنوندا،
علی نین ملکونده، عیسی اورنوندا.
یثرین آرخاسیندا، گۆیون قارنیندا،
منیم صاحب جمالیمی گۆردونمو؟

مختوم قولو چکر یارین غمینی،
گزیب تاپا بیلمز روی زمینی.
یا آدی جبرائیل حقین امینی،
منیم صاحب جمالیمی گۆردونمو؟



بیلمه دیم چوخمو یا منه آز وئردی،
اؤزگه عالم، باشقا بیر آواز وئردی.
عشق آلدی کۆنلومو دیله ساز وئردی،
آیاقدان آیاغا دوشدوم یارانلار.

مختوم قولو هوشیار اولدوم، او یان دیم،
او یان دیم، اورتان دیم، توتوشدوم، یان دیم.
معنی بازاریندا خیاطا دؤندوم،
شیرین غزل دونون بیچدیم یارانلار.

گۆردونمو؟

یاختی سالار، گئدهر ظلمت تونونده،
منیم صاحب جمالیمی گۆردونمو؟
بهار ایامیندا، هیهات گونونده،
منیم صاحب جمالیمی گۆردونمو؟

عنقا صفت دوموب هودیپ قالخان قوش،
گئجه سی دیریدیر، گوندوزو بی هوش.
نوی چیغایلی اگنی خرقة پوش،
منیم صاحب جمالیمی گۆردونمو؟

قان ائدییدیر فلک باغیریم فراقدا،
یار دئییب گزه رم دایم سوراقدا.
کعبه اطرافیندا، شامدا، عراقدا،
منیم صاحب جمالیمی گۆردونمو؟

عاشیقلار آهیندا، قولزوم دؤرونده،
قبه الاسلامدا، جیحون بحرینده.

آذربایجان تورک دیلی

آکادمیک نظامی جعفراف



تورکچولوکدور، آذربایجان تورک دیلی نین
مؤوجودلوقونو قبول ائلمکسه تورکچولوک دئییل...
مسئله ایسه، اصلینده، باشقا جوردور...

موختلیف تورک دیللری نین هامیسی هئچ ده
عئینی تکامل سوییه سینه مالیک دئییل - ان
چوخ اینکیشاف ائتمیش دیلر شرق (تورکستان)،
شیمال قرب (اورال وولقابیو) و جنوب قرب (قافقاز
کیچیک آسیا) تورک ائتنیک کولتورولوژی
رئگیونلاریندا یئرلشیر: شرقده اؤزبک، تورکمن،
قازاخ؛ شیمال قریده تاتار؛ جنوب قریده تورک و
آذربایجان تورک دیللری... قدیم (اؤلجه ده ایلک
اورتا عصرلر) تورک دیلی اؤرنکلی اوزرینده کی
موشاهیده لر گؤستریر کی، موختلیف تورک دیللری
تشککول تاپانا قدر (اثرامیزدین اول ای مینیللیگین
اورتالاریندان بیزیم اثرانین خ عصرینه قدر) اوچ
تورک دیل عنعنه سی مؤوجود اولموشدور: ۱) هون،
یاخود قیپچاق، ۲) اوغوز؛ ۳) کارلوق اوغور. تاتار،
قازاخ دیللری هون، یاخود قیپچاق؛ تورک، تورکمن
دیللری - اوغوز؛ اؤزبک دیلی کارلوق اوغور دیل
عنعنه لری نین بیللاواسیطه واریشیدیر. آذربایجان
تورک دیلی نین اساسیندا ایسه هون، یاخود قیپچاق
عنعنه سی ایله اوغوز عنعنه سی دایانیر و دئمه لی،
اساسن بیر «منبع» یه مالیک تورک دیللریندن فرقلی
اولاراق آذربایجان تورک دیلی ایکی «منبع» دن گلیر.
بو ایسه، هئچ شوبهه سیز، بیزیم دیلیمیزه دیگر
تورک دیللری ایله موقاییسه ده بؤیوک اوستونلوک
وئرملکه یاناشی، اونون هر حالدا اؤزونه مخصوص بیر
حادیثه اولدوغونو گؤستریر.

آذربایجان تورک دیلی نین تشککول تاریخی نین
اثرامیزدان اولکی مینیللیکلره آپاریب چاхарانلارلا

آذربایجان تورک دیلی، هر شئیدن اول، موعین
تکامل پروسئسی نین محصولودور و اونا گؤره ده
آذربایجان تورک دیلی نین موعاصیر پروبلئلرینی
حلل ائدرکن تاریخه اساسلانماق لازیم گلیر. لاکین
چوخ تأسوف کی، همین تاریخی هره بیر جور
تصور ائدیر، موتخصیصلرله یاناشی، غئیری
موتخصیصلرین («هوسکار» لارین) سون ایللر
مطبوعاتی آغزینا گؤتورموش موختلیف ملاحظیه
لرینی ده بورایا علاو ائتسک، مورککب بیر
«آذربایجان تورک دیلی تاریخی» تصوورو ایله
قارشیلانیر. هئچ شوبهه سیز، آذربایجان تورک
دیلی تاریخی نین حللی کیفایت قدر چتین اولان
پروبلئلری مؤوجوددور، بونولا بئله، عمومی مسئله
لر آرتیق آیدینلاشدیریلیمیشدیر... ان گنجی ۹-۱۱
عصرلردن مستقیل آذربایجان تورک دیلی (هم
عمومخالق دیلی، هم ده ادبی دیل کیمی) فعالیت
گؤستریر. و بو گون «مستقیل آذربایجان توک دیلی
مؤوجوددورمو؟» سوالی منه ائله گلیر کی، ساغلام
تفککور زمینینده مئیدانا چیخمیر - بو بئله بیر
یانلیش تصور یارادیر کی، گویا «عمومی تورک
دیلی» نین مؤوجودلوقونو قبول ائلمک

خاقانی نین، خصوصیلہ ن. گنجوی نین دیلینده ایشلنن تورک منشالی سؤزلر، ایفاده لر او قدر چوخدور کی، اونلار ۱۱-۱۲ عصرلرین دیل منظره سی باره ده موعین تصور یارادیر. ائله ۱۱-۱۲ عصرلردن باشلایاراق عومومخالق دیلینده (و نتیجه اعتباریلہ ادبی دیلده) مووازیلیک، پارالللیک اؤزونو گؤستریر: من بن، دئمک آیتماق، گئتمک وارماق، چاغیرماق او قوماق، چؤل یازی، سؤز ساو (جاب)، دورماق دایانماق و س.

البتته، بئله بیر سوال اورتایا چیخا بیلر: آذربایجانین تورک دیلی داها چوخ هون قیپچاق، یا اوغوز خصوصیتلرینه اساسلانیر؟ بو سوالا بیر باشا جاواب وئرمک چتیندیر، لاکی نونو دئمک مومکوندور کی، بن، آیتماق، وارماق، ساو کیمی بیلاواسیطه اوغوز خصوصیتلری موعین مودت آذربایجان تورک دیلینه مخصوص اولسا دا، سونراکی دؤورلرده آرادان قالخمیش، هون قیپچاق خصوصیتلری داها اساسلی حادثه اولدوغونا گؤره اوستون گلمیشدیر.

۱۳-۱۶ عصرلردن باشلایاراق آذربایجان تورک دیلی نین کیفایت قدر چوخ منبعلرینه تصادوف اولونور بونون بیر سببی آذربایجان تورک ادبی دیلی نین موکمللشمه سیدیرسه، ایکینجی سببی آذربایجاندا ائتتیک و ایجتماعی سیاسی موناسیبتلرده اؤزونو گؤسترن تاراضلیقدیر: اول مونقول تاتارلارین، سونرا ایسه تئیمورلنگین هوجوملاری اؤلکه نین تصروفات حیاتینا نه قدر بؤیوک زیان ووردوسا، آذربایجان تورک دیلی نین او واختا قدر گئنیش یایلمیش عرب، خصوصیلہ ده فارس دیلی نین نوفوذو سیندیرماسینا بیر او قدر کؤمک ائتدی و عزالدین حسن اوغلودان ع. نسیمییه، نسیمیدن م. فوضولییه قدر آذربایجان تورک ادبی دیلی، موتخصیصلرین گؤستریدیگی

یاناشی، سون دؤورلره گتیرنلر ده واردیر - مسئله ایسه بوندان عیبارتدیر کی، بیزیم دیلمیز ایکی مرحله ده تشککول تاپمیشدیر: ۱) ائرامیزدان اول ۱ مینیللیگین اورتالاریندان بیزیم ائرانین و عصرینه قدر؛ ۲) ۵ عصردن ۱۰ عصره قدر. بیرینجی مرحله ده آذربایجان تورک دیلی هون، یاخود قیپچاق عنعنه لری اساسیندا موعینلشمیش، ان گنجی ۱-۵ عصرلرده آرتیق موکمل بیر دیل کیمی فعالیت گؤستمیشدیر. بونو عصرلره مخصوص یونان (بیزانس)، ائرنی و گورجو منبعلرینه کی آذربایجان تورک سؤزلری ده تصدیق ائدیر. آذربایجان شیفاهی خالق شعرینده، خصوصیلہ قونشو شمال خالقلاری نین دیلینه کئچمیش نومونه لرده هون قیپچاق عونصورلری نین موطلق اوستونلوگو گؤستریر کی، آذربایجان تورک دیلی اؤز تشککول تاریخی نین ایلک مرحله سینده هون قیپچاق خصوصیتلی بیر دیل اولموشدور. ایکینجی مرحله اوغوزلارین آذربایجانا کوتلوی آخینی ایله باشلاییر و «گلمه» اوغوز خصوصیتلری نین «یئرلی» قیپچاق خصوصیتلرینه «قاریشماسی» ایله باشا چاتیر. لاکین قئید ائتمک لازیمدیر کی، «قاریشما» پروسئسی اوزون زامان حتّی دئمک اولار کی، ایندییه قدر داوام ائدیر، بونولا بئله، همین پروسئس ۹-۱۱ عصرلردن اعتیبارن، گؤرونور، کئیفیت حددینه چاتدیغینا گؤره سونرالار اولدوقجا لعنگ گئتمیشدیر.

۹-۱۲ عصرلرده آذربایجان تورک دیلینده منبعلره تصادوف اولونمور - بو ایسه او دئمک دئییل کی، بو جور منبعلر، عومومیتله، مؤوجود اولمامیشدیر. آذربایجان فولکلورونون ان گؤزل نومونه لری (مثلن، «کیتابی دده قورقود») محض بو عصرلرده مئیدانا چیخمیش و آذربایجان تورک دیلی نین تاریخی کئیفیتی بوتون گوجو ایله نوماییش ائتدیرمیشدیر.

تشککولو، عومومیتله، آذربایجان مدنیتینده اؤزونو گؤسترن میللیشمه پروسئسی نین ترکیب حیصه سیدیر.

۱۹ عصرین سونو ۲۰ عصرین اولرینده آذربایجان تورک دیلی اولدوقجا مورککب تاریخی کولتورولوژی شرایطده فعالیت گؤستریر - عومومخالق دیلینده اساسلی بیر تبددولات موشاهیده اولونماسا دا، ادبی دیله موناسیبتده موعین تئندئرسییالار مئیدانا چیخیب گوجلنه نیر، حتی بیر سیرا حاللاردا سیاسی ایدئولوژی مضمون کسب ائدیر: بونلارین بیرینجیسی شرقچیلیک، ایکینجیسی ایسه قربچیلیک تئندئرسییاسیندان عبارتدیر. شرقچیلر آذربایجان تورک دیلینده شرقده، قربچیلر قریده دایاق آختاریرلار - اصلینده ایسه، بو دایاق هم شرقده، هم ده قریده اولمالی ایدی؛ اوچونجو تئندئرسییا (بو، دئموکرات معاریفچیلیک تئندئرسییاسی ایدی) مؤوجود رادیکال مئیللری بیرلشدیرمکله داها موکمل مؤوقئ توتور و پرینسپ اعتباریله موعاصر آذربایجان تورک ادبی دیلی نین تیپولوگیاسینی، خاراکتئرینی حاضیرلایردی.

گؤروندویو کیمی، آذربایجان تورک دیلی نین موختلیف تورک دیللری ایچریسینده موعینلشمیش تاریخی مؤوقئیینی دانماق مومکون دئییل و نظره آماق لازیمدیر کی، آذربایجان تورک دیلی بؤیوک تاریخه مالیک موستقیل بیر خالقین دیلیدیر، اونا گؤره ده دیلله باغلی هر هانسی مسئله نین ایضاحیندا مطلق و مطلق بو تاریخ گؤز اؤنونده دایانمالیدیر. آذربایجان تورک دیلینی بیر داها «تورکلشدیرمه یه» هئچ بیر احتیاج یوخدور... لاکین بو، او دئمک دئییل کی، بیز «عومومی تورک دیلی» ایدئاسینی اینکار ائدیریک: صؤحبت اوندان گئدیر کی، بیر مسئله او بیرینه قاریشدیرلماسین و آنا دیلی نین پروبلئلرینه حددیندن آرتیق سربست موناسیبت گؤستريلمه سین... ۱۹۹۲

کیمی، اساسن ایکی اوسلوب فورماسیندا تظاهور ائدیر: کلاسیک اوسلوب و فولکلور اوسلوبو.

۱۳ - ۱۶ عصرلرده آذربایجان تورک دیلینده اوغوز خصوصیتلری ۱۵-۱۶ عصرلرده کی نه نیسبتن گوجلؤ اولموشدور - بیرینجیسی اونا گؤره کی، شرقدن (ورتا آسیادان) کیچیک آسیایا اوغوز آخینی ۱۵-۱۶ عصرلرده تدریجن دایانیر؛ ایکینجیسی ایسه، آذربایجان تورک دیلی گئتدیکجه داها چوخ اؤز تاریخی خصوصیتلرینی (بونلار هون قیپچاق خصوصیتلریندن عبارت ایدی) قاباردیر. گؤرونور، خصوصیه ۱۱-۱۲ عصرلرده قیپچاقلارین شیمالی قافقازدا فاللاشماسی، مملوک تورک مدنیتی نین اینکیشافی دا بورادا موعین اهمیت کسب ائدیر.

۱۷-۱۸ عصرلرده آذربایجان تورک دیلی نین تاریخینده اساسلی چئوریلش باش وئیر، لاکین همین چئوریلشین مضمونونو آنلاماق اوچون اونا قدرکی تکامل پروسئسینی تصوورده جانلاندیرماق لازیمدیر. هر شئیدن اول، آذربایجان تورک دیلی دیالکتلری نین موعاصر سیستئمی موعینلشیر و عومومخالق دیلینین جوغرافیاسی، اساسن، قروپلاشیر؛ ایکینجیسی، ثابت ائتتیک ایجتماعی موحیط فورمالاشیر کی، بونون دا نتیجه سینده هم عومومخالق دیلی، هم ده ادبی دیل مؤحکم سوسیال اساسلار مالیک اولور؛ اوچونجوسو، شرق دیللری ایله علاقه لر اینتئرسیولیگینی ایتیریر، ادبی دیل بیر قایدا اولراق بیلاواسیطه عومومخالق دیلینه دایانیر (حتی دیل سیستئمی ایله نیطق نورماسی عئینیلشیر). آذربایجان تورک دیلینی تاریخینده ۱۷-۱۸ عصرلر ان چوخ اونونلا علامتداردیر کی، همین عصرلرده میللی دیل تشککول تاپیر آرتیق بوندان سونراکی دؤورون دیلینی «یئنی آذربایجان تورک دیلی» آدلاندیرماق مومکوندور. میللی دیلین

سوسیال شبکه لردن در لمه لر



درگذشت اولین مترجم قرآن به تورکی اوغوری در زندان چین



یک مترجم قرآن و اندیشمند برجسته مسلمان اوغور
چهل روز پس از دستگیری توسط پلیس در شهر
اورومچی، پایتخت ایالت مسلمان‌نشین سین‌کیانگ،
درگذشت.

به گزارش یول‌پرس به نقل از پایگاه خبری RFA ؛
سازمان حقوق بشر اوغور اعلام کرد: محمد صالح
حاجیم ۸۲ ساله، ۴۰ روز پیش به همراه دختر و برخی
بستگانش دستگیر شده بود که سرنوشت آنان هنوز
مشخص نیست.

این سازمان افزود: شرایط دقیق مرگ وی در ۹ بهمن
مشخص نیست.

سازمان حقوق بشر اوغور از دولت چین خواست در
مورد شرایط بازداشت و نگهداری صالح شفاف سازی و
اعضای خانواده وی را در صورت نداشتن جرم آزاد کنند.
این سازمان همچنین خواستار فشار بین‌المللی بر دولت
چین برای پایان دادن به بازداشت مسلمانان اوغور و
فرستادن آن‌ها به کمپ‌های «بازآموزی» شد.

دیلکسات راکسیت، سخنگوی کنگره جهانی اوغور گفت:
صالح یکی از محترم‌ترین و پرنفوذترین علمای دینی
اوغور بود که به عنوان اولین مترجم قرآن به زبان اوغور
شناخته می‌شد.

وی افزود: ما معتقدیم که دولت چین در حال سرپوش
گذاشتن بر مرگ صالح است تا از وقوع اعتراضات
احتمالی جلوگیری کند.

کمپ‌های بازآموزی در واقع مراکز بازداشت مسلمانان
چینی هستند. آن‌ها در صورت انجام اعمال عبادی
ممنوعه مانند استفاده از سایت‌های اسلامی، عبادت زیاد
و ... به اتهام «افراط‌گرایی» یا «داشتن دیدگاه‌های
سیاسی غلط» در این کمپ‌ها بازداشت می‌شوند.

دولت چین ادعا می‌کند که این کمپ‌ها مدارسی برای
«مقابله با افراط‌گرایی» هستند که زبان چینی و قوانین
کشور چین در مورد اسلام و فعالیت سیاسی را آموزش
می‌دهند اما نهادهای حقوق بشری هشدار می‌دهند که
این‌ها مراکز شست‌وشوی مغزی مدرن هستند.

سین‌کیانگ، محل زندگی ۱۰ میلیون مسلمان اوغور،
سال‌ها است هدف سرکوب و کنترل شدید دولت چین
به بهانه مبارزه با تروریسم بوده است.

آشنایی با سرمربی جدید

تیم فوتبال تیراخور

ارطوغرول ساغلام کیست؟

در حالی که حضور مصطفی دنیزلی مربی سرشناس
فوتبال ترکیه در تیم تیراخور آذربایجان منتفی



گرفتن در رده ۱۲ حاصل دست‌آورد ساغلام در اولین سابقه سرمربی‌گری‌اش بود.

یک ماه پس از جدایی ارطوغرول ساغلام از سامسون اسپور، وی هدایت تیم کایسری اسپور را بر عهده گرفت. تیمی که در فصل ۲۰۰۵ - ۲۰۰۴ به سختی از سقوط به دسته پایین‌تر فرار کرده بود و وضعیت بحرانی داشت. ساغلام فصل جدید را با موفقیت آغاز کرده و تیم کایسری اسپور را در پایان نیم فصل تا رده سوم جدول بالا آورد. در سال ۲۰۰۶ نشریه رسمی لیگ قهرمانان اروپا وی را در زمره ۲۰ مربی موفق آینده معرفی کرد. ساغلام تا آن زمان تنها مربی تورکی بود که به چنین افتخاری دست پیدا می‌کرد.

در این دوره تیم بشیکتاش به سراغ بازیکن سابق خود و مربی موفق لیگ ترکیه رفته و به وی پیشنهاد بر عهده گرفتن هدایت این تیم بزرگ را داد که ساغلام این پیشنهاد را رد کرد.

کایسری اسپور در این فصل با هدایت ساغلام در رده پنجم جدول قرار گرفته و جواز حضور در جام اینترتوتو اروپا را به دست آورد. (اینترتوتو نام رقابت‌های فوتبالی بود که مرحله مقدماتی جام یوفا محسوب می‌شد، برگزاری این رقابت‌ها در سال ۲۰۰۸ میلادی متوقف شد. اینترتوتو بعد از مسابقات لیگ قهرمانان اروپا و جام یوفا معتبرترین مسابقات فوتبال در سطح قاره اروپا بود.)

پس از جدایی جین تیگانا از بشیکتاش، این باشگاه مجدداً سراغ ساغلام رفته و این بار با او به توافق

شده است، بسیاری از منابع خبری ارطوغرول ساغلام را به عنوان گزینه نهایی و قطعی هدایت این تیم معرفی می‌کنند. نامی که شاید برای بیشتر هواداران تیراخور کمی ناآشنا باشد. در این نوشته با ارطوغرول ساغلام و کارنامه عملکرد وی در دو دوره حضور در مستطیل سبز و مربی‌گری بیشتر آشنا خواهیم شد.

به گزارش یول‌پرس، ارطوغرول ساغلام (متولد ۱۹ نوامبر ۱۹۶۹ زونگولداغ) سرمربی ترکیه‌ای و بازیکن سابق تیم ملی این کشور است.

وی سابقه بازی در تیم‌های جوانان فنرباغچه، تیم ملی جوانان ترکیه، قاضی‌آنتپ اسپور و سامسون اسپور را در کارنامه خود داشته و در فصل ۱۹۹۵ - ۱۹۹۴ لیگ ترکیه با امضای قراردادی به تیم مطرح بشیکتاش پیوست و ۶ سال برای این تیم بازی کرد. ساغلام در طول ۱۶۸ بازی که در لیگ برتر فوتبال ترکیه با پیراهن سیاه و سفید بشیکتاش به میدان رفت در مجموع ۱۰۳ گل به ثمر رساند و نقش پررنگی در موفقیت‌ها و قهرمانی‌های این تیم ایفا نمود.

وی نهایتاً در فصل ۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ از بشیکتاش جدا شده و به تیم سابق خود یعنی سامسون اسپور بازگشت و تا سال ۲۰۰۳ که از دنیای فوتبال خداحافظی کرد در این تیم بازی نمود.

ساغلام پس از ترک مستطیل سبز به عنوان مربی در تیم سامسون اسپور باقی ماند و در فصل ۲۰۰۵ - ۲۰۰۴ سرمربی‌گری این تیم را بر عهده گرفت. وی در این فصل در اقدامی جالب توجه ۵ بازیکن را به دلیل برهم زدن آرامش تیم اخراج کرد!

وی که عملکرد خوبی در این تیم نداشت در پایان فصل استعفا داده و از آن جدا شد. ۳۴ بازی، ۱۰ برد، ۸ مساوی، ۱۶ باخت، ۳۸ امتیاز و در نهایت قرار

سرزمینی ماد شکل گرفته برای اولین بار نام خود را در تاریخ ثبت کرده اند؛ معنی واژه پرسوآ در اصل یک گروه جنگجویان تشکیل شده از مردان هست؛ و یا یک گروه مردانی که قابلیت جنگی دارند؛ و یا طایفه ی از مردانی که اهل رزم هستند؛ پر و یا پور و یا پسر که امروزه در زبان دری مصطلح شده است ریشه در تاریخ اقوام التصاقی زبان همچون اور؛ سومر (تورک) دارد؛ بنا به نوشته کتاب لغت التترک محمود کاشغری در صفه ی ۱۱۹ (أر) (أری) (اور) (اورو) کلمه ایست که طایفه اورها؛ سومریان و ترکان باستان که به جنس نرینه و به فرزندان ذکور خود میگفتند؛ سوآ که در این کلمه مرکب گنجانده است میتواند اسم مکانی باشد که این طایفه از آنجا سر بلند کرده اند؛ همانطوریکه اهل تحقیق میدانند در تاریخ باستان تمام طایفه هارا به تعداد مردان جنگی آنها میشناختند؛ و به همان نام آنها را قید میکردند؛ مثل کلمه اور؛ سومر؛ آسور؛ ائرمی؛ ایرن؛ (ایران)؛ لر؛ (لرستان)؛ پس واژه پرسوآ نام طایفه هست؛ نمی تواند یک نوع ورزش رزمی تلقی بشود؛ اگر قرار باشد نام پرسوآ را یک نوع ورزش رزمی تلقی بکنیم؛ آن موقع نام طایفه از آنها سلب شده باعث سر در گمی در تاریخ میشود البته میتوان قبول کرد که این جنگجویان همچنین ورزشی رزمی به عنوان دفاع خود ابداع کرده باشند که در این مورد هیچ گونه سندی اراء نشده است؛ آقایان فارس و جعل گنده گان تاریخ منطقه در صد سال گذشته بی مهابا خود را به آتش میزنند هویت تازه ی برای خود دست پا نمایند غافل اینکه امروزه تاریخ به عنوان یک رشته ی تحصیلی بصورت علمی در دانشگاه های کشورهای مختلف تدریس شده حد الامکان واقعیت تاریخ گذشته گان را شفاف سازی می کنند .

قوم پرسوآ در تاریخ با نامهای همچون (پرسه) (پرسو) (پارسواش) (پرسووش) (پارس) (فارس) به نام یک طایفه اقلیت قید شده است که بصورت ایلاتی کوچرو زندگی می کردند؛ بنابه ازدواج درون خانوادگی مثل ازدواج پدر با دختر و یا پسر با مادر جمعیت خود را افزون کرده اند؛ که این متن در آثار منسوب رزشت به عنوان (خویدوده) منعکس شده است؛ و محل تردد این طایفه کوچرو از حوالی آذربایجان (پسوه) تا

رسید. وی در اولین تجربه سرمربی گری خود در بشیکتاش، با تیم شریف مجارستان در لیگ قهرمانان اروپا رویارو شد و علاوه بر این تیم، زوریخ را نیز شکست داد. وی فصل ۲۰۰۷ لیگ ترکیه را با شکست ۲ بر یک مقابل فنرباغچه به پایان رساند. وی بعدها و با جدایی از بشیکتاش سرمربی گری تیم هایی همچون بورسایسپور، اسکی شهیر اسپور، بار دیگر بورسایسپور و در نهایت مالاتیا اسپور را نیز تجربه کرده و سابقه قهرمانی با تیم بورسایسپور (به عنوان اولین قهرمانی) را در کارنامه عملکرد خود ثبت کرد.

جلی دیگر در تاریخ منطقه پرسوآ (یا همین پارسی خودمان) یهود مرادی ائلچی بی



چندی قبل در اینترنت مقاله ی از آقای قادی نامی تحت عنوان پرسوآ ورزش رزمی ایران باستان خواندم؛ بعداز کنکاش و مطالعه و رجوع به منابع مختلف حال در جواب این دوست عزیز مطالبی را گوشزد میکنم؛

آنطوریکه از بطن تاریخ استخراج میشود پرسوآ نام طایفه ی کوچک در اراضی آذربایجان و در داخل تشکیلات حکومت و

سیما دارد، چرا که این مجموعه می‌تواند با استفاده از شخصیت‌ها و کاراکترها در برنامه‌های تولیدی، اذهان و رفتار مردم جامعه را جهت دهد.

متاسفانه در خصوص تولید برنامه و پوشش اخبار در صدا و سیما کشورمان نقدهایی وارد است، نقدهایی که باید مدیران این سازمان به جهت پرورش و رشد فرهنگ مثبت در کل کشور و حتی عدم قهر مردم از این سازمان، مواردی را اصلاح کنند.

به صراحت می‌توان گفت مردم آذربایجان و دیگر تورک‌های ایران یکی از اصلی‌ترین متضرران صدا و سیما بوده‌اند از توهین و تحقیرها تا عدم پوشش اخبار. در صدای و سیمای کشورمان بخصوص در مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی پخش شده، نقش‌های افراد ساده‌لوح و نادان و بعضاً خلافتکار به تورک‌ها نسبت داده می‌شود، کارهایی مانند رفتگری، سرایداری و ... به افرادی با لهجه تورکی داده می‌شود (خیلی از این بازیگران خود تورک نیستند).

لازم بذکر است منظور این نوشته بی‌اهمیت یا تحقیر عزیزانی مانند رفتگران یا سرایداران نیست؛ بلکه تحقیری است که در صدا و سیما به آنان با نادان جلوه دادنشان صورت می‌گیرد؛ شغل‌هایی بااهمیت که همواره شاغلان‌شان با لهجه تورکی و ساده‌لوح نشان داده می‌شوند.

اگر بصورت خوش‌باورانه، قبول کنیم که اینگونه نقش‌ها در صدا و سیما بصورت غیرعمد صورت می‌گیرد اما تکرار اینگونه اقدامات؛ حتی اعطای نقش‌هایی منفی به افرادی با لهجه تورکی در حالی که خانواده همان شخص در برنامه مذکور با نقش مثبت و لهجه کامل فارسی حضور دارند، این احتمال را در ذهن متبلور می‌کند که اقدامات این‌چنین

شمال خلیج فارس امروزی ثبت شده است؛ و به نظر می‌رسد کلمه پرسوا آمیختگی با واژه پرتوا ویا همان (پارت) داشته باشد و یا اینکه این دو طایفه باهم خویشاوندی داشته اند؛ لازم به ذکر است که در اوایل سران طایفه پرسوا در دولت ماد نوکری کرده و بعدها بر علیه خداوندگان خود یعنی حاکمان مادی یاغی شده و به قدرت رسیده اند؛ که دراین زمینه کتابی بانام (تمدن اورها) دردست تالیف دارم که بنا نبود منابع کافی کارم به کندی پیش می‌رود در تلاش هستم تا اواخر ۱۳۹۷ به پایان ببرم؛ ۱۳۹۶/۱۰/۲۸

منابع

http://www.iranpartoa.ir/index.php?newsid=78 سایت پرتال اطلاع رسانی

ورزش پرسوا

https://fa.wikipedia.org/wiki/ویکی‌پدیا

http://ghiasabadi.com/ezdevaj-ba-maharem-dine-

zartoshti.html سایت پژوهش‌های ایرانی

کتاب تاریخ ماد- دیاکونوف

کتاب -تاریخ ایران -داود پیرنیا

کتاب -لغت التورک محمود کاشغری

چرا تورک‌ها در صدا و سیما هنوز رفتگرند؟



صدا و سیمای کشورمان سال‌هاست که بصورت آگاهانه و یا ناآگاهانه، دست به تحقیر و ساده‌لوح جلوه‌دادن تورک‌ها در ایران زده است، اقدامی که موجب بی‌اعتمادی به این سازمان و حتی در مواردی اعتراضاتی را موجب شده است.

یکی از علل اصلی گسترش و یا جلوگیری از تحقیر و توهین به تورک‌ها در کشور، بستگی به رفتار صدا و

بصورت برنامه‌ریزی شده و کامل تداوم پروژه تحقیر تورک‌هاست.

تأثیر تحقیر و توهین به تورک‌ها در برخی شهرها تأثیر خود را نشان داده و نگرش محقرانه به غیرفارسی‌ها در این شهرها جولان می‌دهد و در تقابل نیز در شهرهای تورک‌نشین نوعی نگرش واگرایانه و گریز از مرکز به چشم می‌خورد که برای یکپارچگی و اتحاد کشورمان مضر است.

آخرین مورد اینگونه عمل صدا و سیما را دیشب شاهد بودیم؛ بطوریکه در قسمت ۲۶ سریال محکومین (شبکه یک سیما) نقش ساده‌لوح و رفتگر به یک تورک داده شده بود و از طرف نقش اصلی فیلم به حقارت برخورد می‌شد.

اینگونه رفتار صدا و سیما سال‌هاست که بی‌اعتمادی قومیت‌های غیرفارسی به صدا و سیما و مرکز را موجب شده است، رویه‌ای که باید تغییر کند و در صورت عدم تغییر می‌تواند شدت خود را در موضوعاتی مانند "برنامه فیتیله" نشان دهد.

منبع: یول پرس

کردهای مسلح و زیاده خواه سوریه گرفتار در گرداب سیاسی

مهندس حسن راشد

Telegram.me/yurddash



کردهای مسلح و زیاده خواه سوریه گرفتار در گرداب سیاسی! نیروهای مسلح ترکیه از روز شنبه (

دیروز) 30 دی ماه ۱۳۹۶ (۲۰ ژانویه ۲۰۱۸) عملیات نظامی علیه نیروهای مسلح کُرد متشکل از نیروهای مسلح کُرد سوری و تروریستهای پ ک ک که کانتون کُردی را در منطقه "عفرین" سوریه تشکیل داده اند را آغاز کردند. ساکنین بومی منطقه "عفرین" از تورکمنها و عربهای سوریه هستند و ساکنین بومی کُرد ندارد و یا کردهای ساکن آن بسیار اندک و قابل اغماض است ولی نیروهای مسلح کُرد بعد از متلاشی شدن نیروهای "داعش" با کمک آمریکاییها حاکمیت این منطقه را در دست گرفتند. منطقه عفرین منطقه استراتژیک و حساس برای ترکیه و مرز مشترک شمال غربی سوریه با ترکیه است، زیرا در صورت حاکمیت کردها به این منطقه، کردها کریدور شرق به غرب یعنی از ایران - عراق - سوریه تا دریای مدیترانه را بهم وصل می کنند و می توانند آینده مبهم و خطرناکی را برای ایران، عراق، ترکیه و سوریه رقم بزنند. از طرفی چون تشکیل نیروی مسلح کُرد در این منطقه (و به گفته آمریکا متشکل از ۳۰ هزار نفر نیروی مسلح (با توافق و همکاری آمریکا صورت می گیرد می تواند تهدید جدی برای رقیب آمریکا یعنی روسیه باشد. البته در این میان فرصت مناسبی برای ترکیه پیش می آید تا با رضایت روسیه و سکوت مجبوری ایران حمله به نیروهای مسلح و زیادی خواه کُرد در این منطقه را تدارک دیده آنها را سرکوب کند. ترکیه که نیروهای مسلح کُرد سوریه را مثل تروریستهای پ ک ک می داند می خواهد با حمله به عفرین و در اختیار گذاشتن این منطقه در حاکمیت "ارتش آزادی بخش" سوریه که ترکیه حامی آنهاست خیال خود را از تهدید کُردهای مسلح راحت کرده راه کریدور ایران - سوریه - دریای مدیترانه را مسدود کند. از آنجائیکه کُردهای مسلح سوریه امید به پشتیبانی

آمار کودکان سرطانی در استان اردبیل از متوسط کشوری بالاتر است

رئیس بنیاد حمایت از کودکان سرطانی استان اردبیل با اشاره به زیرپوشش بودن ۲۸۰ بیمار سرطانی در اردبیل گفت: آمار کودکان سرطانی در استان اردبیل از متوسط کشوری بالاتر است.

به گزارش یول پرس، جواد قرآن نویس ظهر امروز در مراسم تجلیل از پرستاران نمونه در حوزه مراقبت از بیماران سرطان در اردبیل اظهار داشت: هم‌اکنون نزدیک به ۲۸۰ بیمار سرطانی در بنیاد حمایت از کودکان سرطانی استان اردبیل تشکیل پرونده داده‌اند که در این زمینه هرگونه خدمات درمانی و غیردرمانی به این بیماران ارائه می‌شود که در نظر داریم تا با حمایت خیران این خدمات درمانی ارائه شده به بیماران سرطانی را ارتقاء بخشیم.



وی با اشاره به اینکه بنیاد حمایت از کودکان سرطانی تمامی هزینه‌های درمان و برخی از هزینه‌های جانبی کودکان سرطانی در سطح استان را تامین می‌کند، افزود: در نظر داریم تا با اجرای برخی برنامه‌های ویژه که به جد در دستور کار بنیاد حمایت از کودکان سرطانی در سطح استان قرار گرفته سطح خدمات درمانی و جانبی ارائه شده به کودکان سرطانی را تا حد قابل قبولی افزایش دهیم.



آمریکا دارند و بدون حمایت آنها نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، اما آمریکا هم نمی‌خواهد به بهای حمایت از آنها رابطه استراتژیک خود با ترکیه قدرتمند را که عضو "ناتو" هم است از دست بدهد و ترکیه را بیش از این به روسیه نزدیک کند، با تمام توصیه‌هایی که به ترکیه کرد تا به "عفرین" حمله نکند، اما ترکیه با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه عفرین و آینده بحران را آن، توصیه‌های آمریکا را نادیده گرفته وقتی تصمیم به حمله گرفت، آمریکا اعلام کرد: "حمله ترکیه به عفرین رابطه ما با ترکیه را خدشه دار نخواهد کرد" هم اینک نیروهای مسلح ترکیه پایگاههای نظامی گردها در عفرین را توپ باران و بمباران می‌کند و احتمال اینکه نیروهای مسلح گردد تا چند روز دیگر این منطقه را ترک کنند بسیار است، اعتراض دولت مرکزی سوریه به حملات هوایی و زمینی ترکیه به عفرین هم به نظر نمی‌آید جدی و مهم باشد، چرا که بشار اسد و دولت مرکزی سوریه در حقیقت فقط صاحب نام این واژه‌های سیاسی هستند نه تصمیم گیرندگان و مجریان خواسته‌های سیاسی خود. در اصل تصمیم گیرندگان و سیاست‌گزاران برای دولت مرکزی سوریه سیاستمداران کشورهای دیگر هستند که آنها هم بی‌میل به حمله ترکیه به سوریه نیستند.

قرآن نویس گفت: هم‌اکنون ۲۵۰ نفر از کودکان سرطانی در بنیاد حمایت از کودکان سرطانی استان تحت درمان قرار دارند که متأسفانه باید گفت که آمار کودکان سرطانی در استان از متوسط کشوری بالاتر است و نیاز است تا به منظور پیشگیری از رشد و افزایش بیش از این آمار آموزشهای لازم به خانواده‌ها داده شود.

چشم‌انداز سیاسی در ایران و آذربایجان ایران در اوایل قرن بیستم



در اوایل قرن پیش، ایران کشوری بود که توسط خاندان تورک قاجار مدیریت می‌شد. قاجارها که از ایل‌های قدیمی تورک هستند در تأسیس دولت صفوی نیز نقش داشتند. به همین دلیل در زمان صفوی دارای پرستیژ بالایی بودند. قاجارها که قبلاً در محدودهٔ بیگلربیگی «چوخورسعد» ساکن بودند، پس از تملک این مناطق توسط عثمانی، به جنوب آراز کوچیدند. بعدها نیز در استرآباد مازندران سکنی گزیدند. با این‌که قاجارها اسم خود را تا دههٔ ۱۹۳۰ حفظ نمودند، اما به مرور زمان، بعضی شاخه‌های آن نیز از ایل اصلی جدا شده و خود ایل مستقلی شده بودند. در قرن هیجدهم، با ایلاتی چون آغاجا قویونلو، آغجالو، شام بایاتی، ییوا، ییرمی‌دؤرت که از قاجار منشعب شده‌اند مواجه می‌شویم. حتی بین تورکمن‌های حلب (در سوریه) نیز یک ایل به نام قاجار مشاهده شده است.

پس از شهادت نادرشاه افشار در سال ۱۷۴۷ و فروپاشی دولت افشار، قاجارها حاکمیت مرکزی را حق خود دانسته و شروع به مجادله نمودند. این مجادلات را آقامحمدخان قاجار

رئیس بنیاد حمایت از کودکان سرطانی استان اردبیل تصریح کرد: خدمات درمانی ارائه شده به کودکان سرطانی تحت حمایت بنیاد کودکان سرطانی در سطح استان اردبیل بسیار قابل قبول بوده به طوری که بسیاری از بیماران سرطانی در استان طول درمان خود را تمام کرده‌اند و خدمات ارائه شده به این بیماران بسیار نتیجه‌بخش بوده و برخی از ۲۸۰ بیمار سرطانی اردبیل نیز در حال طی دوره درمان خود هستند.

قرآن‌نویس با اشاره به مراحل مراقبت، نگهداری و گذران طول درمان بیماران سرطانی در سطح استان اردبیل افزود: مراقبت و نگهداری از بیماران سرطانی کاری نسبتاً مشکل است که در این زمینه پرستاران زحمتکش کادر بخش سرطانی با تلاش شبانه‌روزی خود در حال انجام وظیفه هستند که نیاز است تا از این پرستاران تجلیل و تقدیر شود.

وی با تأکید بر حضور خیران در امر خدمات‌دهی به بیماران و کودکان سرطانی در استان اردبیل تصریح کرد: خوشبختانه در این راستا خیران استان اردبیل با همکاری بنیاد حمایت از کودکان سرطانی استان زمینه‌ای فراهم کرده‌اند که کودکان سرطانی نیازمند هیچ‌گونه دغدغه مالی برای درمان نداشته باشند و در این زمینه قابل ذکر است که علاوه بر خدمات درمانی به خدمات جانبی این کودکان توجه ویژه‌ای می‌شود.

رئیس بنیاد حمایت از کودکان سرطانی استان اردبیل بیان کرد: خوشبختانه هم‌اکنون با همکاری کادر پزشکی، پرستاری و خیران مالی استان اردبیل هیچ‌گونه دغدغه‌ای در راستای خدمات کودکان سرطانی به ویژه در حوزه خدمات درمانی آنها وجود ندارد که با وجود این تلاش بر بهبود و ارتقای سطح این خدمات در استان اردبیل است که این امر نیز باز حضور فعال خیران استان را می‌طلبد.

مثلاً میرزا حسین خان سپهسالار که از حمایت مادی امیرکبیر برخوردار بود و پس تحصیل در غرب به استخدام دولت در آمده بود، برای یک رژیم موناشرسی معتدل در ایران تلاش می‌کرد و در این راستا یک کادر تشکیلاتی جدی نیز تشکیل داده بود.

بعد از ۱۹۲۰، شکاف واضح و صریحی بین دو بخش تورک و فارس‌زبان لاییک‌ها معلوم گردید. در حالی که تورک‌های لاییک، متمایل به حکومتی بودند که ضمن حفظ تمامیت ارضی کشور نماینده تمام گروه‌های ملی موجود باشد، فارس‌زبان‌ها به عنوان مدافعین هویت ایدئولوژیک دوره پهلوی عرض اندام می‌کردند. بانیان و مدافعان گفتمان پانفارسیسم اینها هستند. آخرین و برجسته‌ترین نماینده تورک‌های لاییک «مصدق» بود.

وجود عناصر مشترک بین این دو جناح لاییک (تمامیت ارضی ایران، استقلال و لاییک بودن رژیم)، گاهی به اشتباه باعث ارزیابی یکسان آنها می‌شود.

اسلام‌گراها: این گروه نیز در داخل خود به دو جناح تقسیم می‌گردد. اسلام‌گرایان روشنگر و ملایان شیعه اصولی.

گروه اول را جمال‌الدین اسدآبادی که پدر فکری اتحاد اسلام بود و طرفداران اتحاد اسلام تشکیل می‌دادند، و در رأس گروه دوم، علمای اصولی شیعه که با قیام تنباکو به یک نیروی سیاسی بدل گشته بودند قرار داشتند.

به نظر طرفداران اتحاد اسلام، ضمن حفظ دین اسلام، علوم غربی باید اقتباس می‌شد. زیرا تمدن غرب از لحاظ اخلاق و معنویات خیلی عقب‌مانده‌تر از اسلام است. بزرگ‌ترین تفوریسین این گروه یک تورک متولد اسدآباد به نام جمال‌الدین اسدآبادی بود که به افغانی شهره است. پس از وفات وی، حضور سیاسی طرفداران اتحاد اسلام تا آخر جنگ جهانی اول ادامه داشت. این گروه که در صورت لزوم عملیات ترور را نیز مباح می‌دانست، در جنگ جهانی اول در کنار تورکیه جای گرفت و علیه اشغالگران روس و انگلیس در ایران جنگید.

اما علمای اصولی، پس از شکست آرمان‌هایشان در انقلاب مشروطه (۱۹۱۱ - ۱۹۰۵) به تشکیل یابی اجتماعی دورنی پرداختند و با سازماندهی گسترده، در نهایت، معمار جمهوری اسلامی ایران گردیدند.

در سال ۱۷۹۵ با قبضه زمام امور کلیه مناطق ایران کنونی به پایان رساند. اما قاجارها به‌رغم پشت سر گذاشتن همه موانع داخلی، ابتدا با روسیه و سپس با انگلستان مواجه شدند.

دو جنگ پیپای قاجار - تزار (که با دو عهدنامه گلستان ۱۸۱۳ - ۱۸۰۴ و ترکمنچای ۱۸۲۸ - ۱۸۲۶ به پایان رسید)، راه را برای کاهش نفوس تورک‌ها از نظر نظامی، مالی، اداری و جمعیتی در ایران باز کرد.

علی‌رغم این، در اواسط قرن نوزدهم در بین اقوام ساکن ایران، تورک‌ها از لحاظ جمعیت در مقام نخست بودند. این را با توجه به گزارشاتی که آ. دوپری در اوایل قرن نوزده و لیدی شل در اواسط همان قرن در باره لیست نفوس ممالک محروسه (ایران) ارائه کرده‌اند می‌گوییم.

تعبیر برخی مورخین معاصر مبنی بر «تفوق جمعیتی فارس‌ها بر تورک‌ها» یک اشتباه بزرگ است. این اشتباه از آنجا ناشی می‌شود که تورک‌ها خود را تورک و همه گروه‌های غیر تورک را تات می‌نامیدند. در چنین شرایطی فارس حساب نمودن همه کسانی که تات نامیده می‌شدند صحیح نیست. حتی اگر تفوق جمعیتی گروه‌های ایرانی بر تورک‌ها قابل قبول باشد، این به معنای فارس بودن همه این گروه‌ها نیست.

در ایران اواسط قرن نوزدهم، سه گروه اجتماعی که آینده ایران را رقم خواهند زد در حال شکل بود. این گروه‌ها عبارتند از:

لاییک‌ها: که به دو بخش تورک و فارس‌زبان تقسیم می‌شوند. بین فارس‌زبان‌ها افرادی از آرامنه، آسوری‌ها و یهودی‌ها نیز حضور دارند. این گروه تمایلات بیشتری به غرب دارند.

پس از محمدشاه (۱۸۴۸ - ۱۸۳۴) و دور نمودن امیرکبیر از قدرت و دربار قاجار در دوره بعد از ۱۸۵۰ (که طی یک کودتای درباری صورت گرفت)، این گروه که از حمایت شدید انگلستان نیز برخوردار بود، شبکه بوروکراتیک کشور را تماماً قبضه نمود و جز برخی استثنائات، تا پایان دوره قاجار حاکمیت خود را حفظ کرد.

تا دهه ۱۹۲۰ مرز و شکاف خاصی بین تورک‌ها و فارس‌زبان‌های این گروه وجود نداشت. هر دو بخش تحصیل کرده غرب بودند و پیشرفت‌های غرب را برای کشور خود نیز می‌خواستند.

تراژدی تلخ مرگ شهروند میانه ای در راه تهیه آب خوردن

برخی از شهروندان میانه ای که از کیفیت آب آشامیدنی خود ناراضی هستند، هر چند روز یک بار جاده‌های پرپیچ و خم سمت تهران و تبریز را برای تهیه آب شرب مناسب و سالم از سرچشمه های طبیعی طی می کنند که این موضوع امنیت جانی آنان را نیز به خطر انداخته است.



به گزارش یول پرس به نقل از میانا بهره مندی از آب شرب سالم و باکیفیت حق هر شهروندی است، در این میان دولت می بایست با توجه به امکانات و بسترهای آبی موجود منطقه این موهم را برای ساکنین هر شهر و روستا فراهم سازد. در طبقه بندی استان های کشور براساس شاخص پایش منابع آب از مهرماه تا اسفندماه سال ۹۳، ۱۱ استان کشور شامل آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و رضوی، سمنان، کردستان، کهگیلویه و بویر احمد، گیلان و مازندران در دسته مناطق درگیر با "تنش آبی" گزارش شده اند.

شهرستان میانه به عنوان وسیع ترین شهرستان استان آذربایجان شرقی در شرایط کنونی آب شرب خود را از

اجتماعیون - عامیون (سوسیال - دموکرات‌ها): سومین گروه را نیز اجتماعیون - عامیون، یعنی سوسیال - دموکرات‌ها تشکیل می‌دادند که اکثرشان تورک، گیلک، مازنی و ارمنی بودند. این گروه در انقلاب مشروطه به دو جناح سوسیالیست‌ها و ملی‌گراها تقسیم گردید.

در حالی که سوسیالیست‌ها شدیداً از روسیه بلشویک متأثر می‌گشتند، ملی‌گراها که بعداً با انگ پان‌تورکیست متهم شده و از میان برداشته خواهند شد در کنار اتحادچی‌های عثمانی و مساواتچی‌های آذربایجان (شمالی) جای می‌گرفتند.

سوسیالیست‌ها تحت هویت حزب عدالت ایران سازماندهی شده و بعدها موجودیت خود را با نام حزب توده ادامه دادند. ملی‌گراها در مقاومت ستارخان جای گرفته و در جنگ جهانی اول در کنار تورکیه در جنگ اشتراک داشتند. در دوره جمهوری دموکراتیک آذربایجان (۱۹۲۰ - ۱۹۱۸) در تفلیس و باکو سازماندهی شده و علیه قیام خیابانی و بلشویک‌ها شدیداً مجادله نمودند.

پس از سقوط حکومت مساوات، تماس بین جمهوری تورکیه و شوروی، شهادت انور پاشا در تورکیستان و نهایتاً قتل‌عام مساواتچی‌ها توسط رضاشاه، که پس از اشغال نیشان (آوریل) ۱۹۲۰ به ایران پناهنده شده بودند، موجودیت این گروه به طور طبیعی از بین رفت.

پروژه سیاسی قرن بیستم در ایران با مشارکت این سه گروه شکل گرفته است. اوایل قرن بیستم، دوره نمایانی، ابراز و سازماندهی درونی این سه نیروی سیاسی، و مدیریت سیاسی جمعیت موجود در ایران می‌باشد.

در این دوره، خاندان قاجار که پس از حمله دیپلماتیک احمدشاه در ۱۹۱۹ مورد غضب روس و انگلیس واقع گشته و با کودتای ۱۹۲۱ از قدرت دور شده بود، فقط حضور نمادین داشت. شایان دقت است که قیام ۱۹۲۰ تبریز و اتفاقات خیابانی از طرف جناح چپ گروه سوسیال - دموکرات حمایت می‌گردید.

منبع: پرونده تحقیقات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آذربایجان جنوبی، شیخ محمد خیابانی و دولت آزادستان (۱۹۲۰)، مجموعه مقالات، بهار ۲۰۰۵، آنکارا، جمعیت تبلیغات آذربایجان جنوبی، صفحات ۸۹ - ۱۰۵، پشت پرده یک انقلاب، ایسون قوآر (İsun Quar)

به نقل از یول پرس // چنوبری: ایلتریش قوتلوق

@rashtturkleri

شهرستان های همجوار تامین می کند که و ۳۰ حلقه چاه ، تنها منبع تامین آب شرب مردم این منطقه بشمار می آید . علی رغم اینکه جمعیت شهرستان رو به کاهش است اما در خود شهر میانه شاهد افزایش جمعیت هستیم و هر ساله ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ خانوار به آن اضافه می شود، لذا این تعداد چاه جوابگوی تامین آب شرب شهر نخواهد بود.

شهرستان میانه همچنین به عنوان وسیع ترین شهرستان استان آذربایجان شرقی سالهاست که با مشکل آب شرب مواجه است و با وجود اینکه یک سوم از آب های آذربایجان شرقی در این شهرستان می باشد اما با کمال تأسف مردم این شهرستان سالیان درازی است که از نبود آب شرب سالم رنج می برند.

این شهرستان با دارا بودن ۴۲ سد، بیشترین میزان سدهای آبی استان را به خود اختصاص داده است اما با این وجود به علت عدم توجه کافی و ضعف برخی مدیران اجرایی و مهم تر از همه این ها عدم تحقق وعده های نمایندگان وقت در خصوص انتقال آب سد گرمی چای جهت تأمین آب شرب سالم برای میانه، از موضوعاتی است که سلامتی ساکنین میانه را با خطراتی مواجه کرده است. سالهاست که کیفیت آب شرب در شهر میانه در شک و ابهام است و با وجودی که مسئولان اصرار بر سلامتی آب شرب دارند اما مراجع مردمی از جمله نمایندگان و گاه مراجعات مردمی به پزشکان داخلی، عفونی و عمومی و حتی متخصصان کودکان خبر از کیفیت نامطلوب آب شرب می دهد.

مردم میانه برای تهیه آب شرب سالم یک روز در میان جاده های پرپیچ و خم سمت تهران و تبریز را طی می کنند و شهر آچاچی و سرچشمه های طبیعی رشته کوه های قافلانکوه یکی از مناطقی است که شهروندان میانه ای که حاضر نیستند سلامتی خود را هر چند در طول بلند مدت با مبتلا شدن به امراضی چون سنگ کلیه و بیماری های پوستی به خطر اندازند، برای تهیه آب شرب مناسب به آن مراجعه می کنند.

یکی از این شهروندان میانه ای با بیان اینکه از ساعت ۸ صبح برای بردن آب شرب از میانه به آچاچی و دامنه های کوه های قافلانکوه آمده ایم افزود: از وقتی ازدواج کرده ام حدود ۱۰ سال است که خانواده ام سرگردان شده اند چرا که یک روز در میان برای تهیه آب مناسب به آچاچی مراجعه می کنیم. وی از مسئولین خواستار رسیدگی به وضعیت آب شرب میانه شد و گفت: مسئولین چند سال است که فقط وعده می دهند ولی به آن عمل نمی کنند لذا انتظار داریم مسئولین پاسخگوی مشکلات ما باشند.

دیگر همشهری میانه ای با اشاره به اینکه آب شرب میانه دارای مواد معدنی و رسوب زیادی است تاکید کرد: آب شرب میانه کیفیت نامناسبی دارد و باعث ایجاد سنگ کلیه و سنگ مثانه می شود.

وی افزود: در سایه این مشکلات، ما آب شرب خود را در میان جاده های پرپیچ و خم میانه به سمت تهران و تبریز تامین می کنیم و از مسئولین امر خواهشمندیم به وضعیت آب شرب میانه رسیدگی کنند.

حال وضعیت آب شرب میانه و رفت و آمد های مکرر شهروندان آن موجب بروز یک حادثه تلخ شد، اتفاقی که می تواند هر لحظه برای سایرین هم بروز دهد. داود مسلمی دبیر آموزش و پرورش بهمن ماه سال جاری بر اثر سانحه تصادف جان خود را در راه تهیه آب شرب در محور جاده قافلانکوه از دست داد.

فوت شهروند میانه ای که روزهای اول حادثه به تصادف جاده ربط داده می شد با روشن شدن قضیه از سوی خانواده مرحوم و مصاحبه با خبرنگار میانا ابعاد تازه ای به خود گرفت. برادر مرحوم مسلمی در این رابطه می گوید: برادرم به منظور تهیه آب شرب سالم به سمت چشمه قافلانکوه حرکت کرده بود که دچار این حادثه تلخ شد.

**آلمیش اولاجاقدیر. بودا سوزون دوغرو
آنلامیندا دیرلریمیزین اوزل اولاراق
دیلیمیزین یایلاماسینا ،دورالماسینا و
چاغلالماسینا گتیریب چیخاراجاقدیر. سایین
محمد بی صبحدل قارداشیم و بوتون امه یی
کئچنلره باشاریلار دیله یرک. اوغورلار و
اوزون سوره لی اولسون. خوش گلدینیز**

به گزارش یولپرس؛ در آیینی خاص «محمد صبحدل» مدیر مسئول و صاحب امتیاز فصلنامه بوتنا ضمن دعوت از اهالی فرهنگ و هنر و پیشکسوتان عرصه های مطبوعات به سالن فرهنگ و ارشاد اسلامی اورمیه طی سخنانی اظهار امیدواری



کرد علاقمندان به فرهنگ فولکلور و اصیل آذربایجانی و ایرانی عرصه های ادبی را خالی نگذارند.

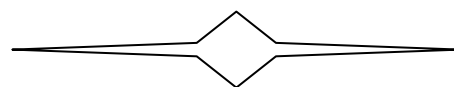
وی در ادامه افزود: از مقالات علمی و پژوهشی نویسندگان استقبال می نماید و دست هنرمندان و دست اندرکاران فعال در عرصه های یاد شده را به گرمی می فشارد.

در این آیین اساتیدی از حیطه های مختلف به بیان نقطه نظرات خود پرداختند. سخنرانان این گردهم آیی عبارت بودند از:

آقایان دکتر آیرملو، مترجم و زبان شناس - یحیی آلپلو، رمان نویس - محمد ترکمانی، شاعر - علی صابر رضایی - کارگردان، دکتر توحید ملک زاده، پژوهشگر تاریخ - اسماعیل زاده، فولکور شناس،

وی افزود: داود که خودش ۴۰ سال داشت، دارای دو فرزند ۶ و ۱۳ ساله بود که قربانی راهی شد که شاید سر منشا آن را بتوان در عدم اجرا شدن بسیاری از طرح های عمرانی از جمله انتقال آب شرب و رسیدگی به وضعیت جاده های ناهمواره و خطرناک میانه جست. داستان کیفیت نامطلوب آب شرب میانه از سالیان دراز است که نقل صحبت مردم کوچه و بازار بوده و اگر در گذشته تنها دلیل این موضوع، کمر زنی به آب بود، اما اکنون مردم به دلیل کمبود منابع تامین آب شرب مورد نیاز و خشکسالی، ورود آب چاه به شبکه آب شرب میانه را دلیل بی کیفیتی آب شرب می دانند. موضوعی که نمایندگان ادوار مختلف مردم میانه در مجلس شورای اسلامی نیز بر آن اذعان و به صراحت بر بی کیفیتی آب شرب میانه اذعان داشته اند.

بی تفاوتی به این امر پس از گذشت چند سال و نادیده گرفتن حقوق مردم این منطقه از سوی مسئولین استانی و کشوری موضوعی است که سلامت مردم را به خطر انداخته و رنج می دهد. این در حالیست که اتمام طرح آبرسانی میانه از سد گرمی چای در سند تدبیر و توسعه شهرستان میانه از سوی دولت حسن روحانی سال ۹۵ عنوان شده بود، که طبق اظهار نظر کارشناسان امر با این میزان اعتبارات، اتمام این طرح سالیان دراز به طول خواهد انجامید.



تبریک

**خدافرین درگیسی اولاراق بیزده بوتنا فصلیک
مطبوع ارکانین نشر ایدین آلماسینی جان و
کونولدن قوتلاییریق. تورک دیللی نشرلرین
چئشیدللیلی اوز نوبه سینده باشقا-باشقا
اوخوجو کوتله سینی ده اوز ایچریلینه**



های بچه ها و بزرگترها به نمایش گذاشته شده است. موتر آل بزرگترین شهر استان کبک در کانادا و دومین شهر بزرگ این کشور (پس از تورنتو) و پانزدهمین شهر بزرگ آمریکای شمالی می باشد.

کتاب «زبان ترکی» – سال ۱۹۳۵

Yıl 1935, Azerbaycan'daki okullar için yazılmış müfredat Türk Dili Ders Kitabı. Bu neşirden bir yıl sonra kitapların ismi de, dilin ismi de, milletin ismi de Stalin'in talimatı ile 1 gecede zorla değiştirildi, dilin adı Azerbaycan dili ve Türk milletinin adı da Azerbaycanlı oldu.

Translate from Turkish



11:26 PM - 15 Jan 2018

تقریباً یکسال بعد با دستور و پیشنهاد استالین یک شبه، نام "زبان ترکی" به "زبان آذربایجانی" و نام "ملت ترک" به "آذربایجانی" تغییر یافت.

بهرام اسدی، ناشر و شاعر پژوهشگر، دکتر ولی لطف دخت، کارگردان - یوسف بهنمون، نویسنده و شاعر - عیسی نظری، روزنامه نگار پیشکسوت، کامران کشتی بان، محقق و روزنامه نگار - فروهر و ساجدی و ولی زاده و خانمها فاطمه بهلولی، نویسنده - فاطمه میرحسن پور - نقاش و نویسنده، سنبله برنجی افشار نویسنده و روزنامه نگار، به ایراد سخنرانی پرداختند.

گفتنی است فصلنامه بوتای پذیرای مقالات علمی و پژوهش های فرهنگی، ادبی و فلسفی و تحلیل های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فعالان این عرصه به زبان های، فارسی، تورکی استانبولی و تورکی آذربایجانی خواهد بود. گستره توزیع بوتای استان های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی و زنجان و اردبیل خواهد بود.

به گزارش یول پرس به نقل از اهرنیوز، این نمایشگاه تا نهم اسفند ماه در کتابخانه Philippe Panneton شهر موتر آل دایر می باشد.



گفتنی است در این نمایشگاه تصاویری از زندگی های روستایی، مکانهای قدیمی، ارتباط قوی بین انسانها و طبیعت و زندگی های ساده و بی آلاشی، در چهره



حياتی و علمی یارادیجیلیق یولونا قیسا بیر نظر:و،
۱۹۳۴-جو ایلده باکیدا، آدلی-سانلی حکیمترین آغا



مهدی علیزاده و افشان خانیمین عایله سینده
دونیایا گۆز آچیب. بو عایله شجره سی آرادیجیل
اولاراق هم معنوی، هم ده فیزیکی ساغلاملیغین
کئشیگینده دوروب. بو سبدن ده نسلین آدلی-
سانلی آداملاری یا روحانی، علم خادیمی، یا دا
طیب اولوب. عاکیف الیزادین آتا باباسی آغا آخوند
علیزاده ایکی دفعه شیخ السلام سئچیلن یئگانه
دین خادیمی ایدی.

آکادئمیکیکین آتاسی آغا مهدی علیزاده اؤزونو
حؤرمتلی بیر ضیالی کیمی تانیدا بیلیر. آغا مهدی
نین حیات یولداشی افشان خانیم دا اونون کیمی
اصیللی-نجابتلی بیر خانیم ایدی. او، میر مؤحسون
آغانین باجیسی قیزیدیر. آکادئمیکیکین اؤزو ده هامی
نین روحونا ایندی ده حؤرمت ائتدیگی میر مؤحسون
آغانین باجیسی نوه سی اولدوغو اوچون فخر ائدی.
آما افشان خانیم نه قدر موحافیظه کار بیر عایله
نین اؤولادی اولسا، باکی نین ان ضیالی قادینی
کیمی یئتیشه بیلیر. بو عایله نین دیگر تانیان
عوضو آکادئمیک ع. علیزاده نین قارداشی ماقصود
علیزاده دیر. اونون دیگر قارداشی معسود علیزاده
آذربایجان سسر-ده کومسومول تشکیلاتی نین
رهبری اولوب. ورتا مکتبی گوموش مئداللا بیتیرن
گلک جک آما پرئزیدئنتی آذربایجان صنایع
اینستیتوتونو بیتیریب. بو، او واخت اوچون هئچ ده

دونیایا شؤهرتلی عالیم آکادئمیک عاکیف علیزاده
DÜNYA ŞÖHRƏTLİ ALİM AKADEMİK AKİF ƏLİZADƏ
Pro.Vuqar Əhməd

پروفیسور. دکتور وقار احمد



بنزرسیز علمی تفککوره مالیک اولان عاکیف علیزاده
نین مشغول اولدوغو علم ساحه سی باشقالارینا
بنزمیر. بیر چوخ کشفی ایله دونیایا علمی ایجتیماییتی
نین دیقتینی جلب ائدن عاکیف موعلیمین گئولوگییا
ساحه سینده تدقیقاتلاری اونا شؤهرت گتیرمیشدیر.
بیر عالیم کیمی عاکیف علیزاده نین علمی مارق
دایره سی رئگیونال گئولوگییا، تباشیر چؤکونتولری
نین ستراتیکرافیاسی، تباشیر دؤورونون موللوسکا
فاوناسی کومپلئکسی حاقیندا تعلیم، آرائیق دنیزی
ویلایتی نین تباشیر اونورغاسیزلار فاوناسینا گؤره
پالئوبیوجوغرافیاسی، موختلیف موللوسکا قروپلاری
نین عومومی تکامل یوللاری نین برپاسی کیمی
پروبلم مثله لری اهاته ائدیر. فیزیکی-کیمیوی
اوسوللارین عنعنه وی پالئونتولوگییا و
ستراتیکرافیایا تطبیقی نین واجیبلیگینی درک ائدن
عالیم اؤتن اسرین ۷۰-جی ایللری نین اوللریندن
باشلا یاراق ایزوتوپ گئوکیمیاسی اوسوللاری نین
تطبیقی ایله ایلک تدقیقات ایشلری آپارمیش،
قافقازدا تباشیر دنیزلری نین بیوگئوکیمیوی
رایونلاشدیریلماسینی تکلیف ائتمیش، قدیم
دنیزلرین و پالئوحووضه لرین گئوکیمیوی شرایطینی،
او جومله دن تئمپئراتور رژیمینی اؤیرنمیشدیر.

جاوان دیرئكتور مواوينی اولوب. ع. علیزاده "شؤهرت" و "شرف" اوردئتلر ایله موکافاتلاندیریلیب.

اوستاد

موقدس اوجاقدا دونیا یا گلدین،
طالعده هم شیرین، هم آجی گۆردون،
یئرین آلتی نین دا سیرینی بیلدین.
شجره سی زنگین او، اصیلزاده،
علم عالمینده تک علیزاده.

پیرشاغی سویکؤکون، ائلین اوباندير،
آخوند علیزاده مودریک باباندير.
ایبادت ائتدیگین الله، قوراندير.
شجره سی زنگین، او، اصیلزاده،
علم عالمینده تک علیزاده.

میرمؤوسوم آغانین جددی کؤمگین،
هئچ حدر گئتمه دی گرگین امگین،
آنجا ق حلال اولدو روزین، چؤرگین.
شجره سی زنگین، او، اصیلزاده،
علم عالمینده تک علیزاده.

اورکده یاشاتدین بالا داغینی،
گۆز یاشی ایسلادتدی، اوز-یاناغینی،
قلبینده سؤیله دین قملی آغینی.
شجره سی زنگین او، اصیلزاده،
علم عالمینده تک علیزاده.

طالعین روزگاری آیمه دی سنی،
غورورلا یاد ائتدین اولوب-اؤتنی،
شرفله یاشادین اوستاد، سکسنی.
شجره سی زنگین، او-اصیلزاده،
علم عالمینده تک علیزاده.

ساده قرار دئییلدی، چونکی عایله ده طیب
ایستقامتی موعین ائدیجی ایدی، گوموش مئدال
صاحبی ایسه او دؤورلرده اؤلکه نین ایسته نیلن
عالی مکتبینه موسابقه سیز داخیل اولماق حوقوقونا
مالیک ایدی.

طلبه علمی جمعیتینده فعال ایشتیراکی، جیدی
علمی ایشه هوس گؤسترمه سی ایله نتیجلندی و
سونرالار سئچدیگی بیلک ساحه سینده یئنی، هله
اؤیره نیلمه میس مسله لر جان آتماسی گله جک
موقددراتینی موعین ائتدی. محض بونا گؤره ده
اینستیتوتو بیتیره رک نئفت مدنلرینده قیولارین
تدقیقی اوزره تئخنیك وظیفه سی نین ایجراسینا
باشلاسا دا، یئنیند علمه قاییتدی.

۱۹۵۷-جی ایلده آذربایجان علملر آکادئمییاسی نین
گئولوگیا اینستیتوتونا ایشه قبول ائدیلدی.
اینستیتوت همیشه لیک فالیت مکانینا چئوریلدی.
آذربایجاندا گئولوگیا علمی ۶۰-۷۰-جی ایللرده
اؤزونون اینکیشاف زیروه سینه یوکسلمیشدی. بو
زامان بیر نچه گئولوق نسلی نین سی نتیجه
سینده رنگیونون گئولوژی قورولوشونون و
تکاملونون عساس جیزگیلری موعین ائدیلمیش،
آذربایجان گئولوقلاری طرفیندن اوزون ایللر
عرضینده ایقتیصادیاتین سابیت اینکیشافینی تمین
ائده بیله جک نئفت و قاز، پولیمئتال و فیلیز،
غئیری-مئتال فایدالی قازینتی یاتاقلاری کشف
اولونموشدو.

آردیجیل اولاراق اولجه علملر نامیزه دی، ۳۵
یاشیندا ایسه دوکتورلوق دیسسترئاسیاسی
مودافیعه ائدن آ. علیزاده سسری-ده ان گنج
یوکسک ایختیصاصلی موتخصیصلردن بیر و
آذربایجان علملر آکادئمییاسی سیستمینده ان

اوستادی -عظمسن، چکدین زحمتی،

اٹل اوچون قازاندین بۇیوک حۇرمىتى،

اۆزونه دوغما ساي ووقار احمدی

شجره سى زنگین ، او، اصیلزاده،

علم عالمینده تک علیزاده. ۲۰۲۰.۲۰۱۴

اوشاقلیقدان آتامدان آخوند موللا آغا علیزاده
 حاقیندا ائشیدردیم. آتام بۇیوک ایلاهیاتچی عالیم،
 گۆرکملی دین خادیمیندن فخارتله دانیشاردی.
 دئیردی کی، آخوند علیزاده بابام دوکتور کربلای
 ماحمود بیله (پیرشاغی)، آتام مشهدی سولطان
 احمدله یاخین اولوب. بیز بیر کئنددنیک، اوزاق
 قوهوملوغوموز دا وار. آتام رحمتلیک میکایل
 ماحمود ماقصود علیزاده دن صۇحبت آچاردی.
 دئیردی کی، عاکیف موعلیمین قارداشی پروفیسور
 ماقصود علیزاده بۇیوک عالیم، حکیم، یاخشی اینسان
 ایدی. حاجیخانیم آنام رحمتلیک ده آخوند علیزاده
 دن تئز-تئز صۇحبت آچاردی. آنا بابام کربلای
 عظیم (بینه قدی) موتمادی اولاراق آخوند علیزاده
 نین دینی ساوادیندان، شرق دیللی نین ماهیر
 بیلجیسی اولماغیندان دانیشارمیش. آنام دا
 آتاسیندان ائشیتدیکلرینی بیزه نقل ائدردی: آتام
 سؤیله یردی کی، آخوند علیزاده ایکی دفعه شیخ
 السلام اولوب. ایراندا دینی کومراندسا موللا آغایا
 رثقلامنت اوزره ۴ دقیقه واخت وئریلر. او، ایسه
 سوروشوب کی، عربجه دانیشیم، یا فارسجا؟ معطل
 قالیلار. ایرانین دین خادیملی دئییلر فارسجا
 دانیشین، مؤحترم شیخ. آخوند علیزاده یوکسک
 ناطیقلیک مهارتی، بلاغته، ماهیر ادبی تلفوظله ۴۵
 دقیقه چیخیش ائدی. سورکلی آلقیشلارلا قارشیلانیر.
 عاکیف علیزاده بئله زنگین شجره سى اولان بیر
 اینساندیر. میرمؤوسوم آغا خاندانینا منسوب دور .

آغانین باجیسی نوه سیدیر. میرمؤوسوم آغانین جددی
 دستک اولوب عاکیف موعلیمه کی، علمده حیرتامیز
 نایلیتلر الده ائدی، دنیا شؤهرتی قازانیر. آتا-آناسی

اولده قئید ائتدیگیمیز کیمی آغامهدی دوکتور، افشان
 خانیم مشهور حکیم اولوب، ایجتیمایتین رغبتینی
 قازانیلارمیش. من ایلك دفعه عاکیف موعلیمی حیاتدا
 ۱۹۹۱-جی ایل آپرئل آیینی ۱۶-دا گۆرموشم.
 اوشاقلیقدان آرزوم ایستامبولو، بیر ده تبریزی گۆرمک
 ایدی، الله تعالی ایکی مکانی دا گۆرمگی منه نصیب ائله
 دی. منه و باجیما تورکیه یه دعوت گلمیشدی. باکی-
 ایستامبول طیاره سى ایله ایلك طیارهیه بیزنس سالونا
 ایکی بیلط آلدیم. طیارهده بو بۇیوک عالیمله یاناشی
 اوتورموشدوق. هم سئوینیردیم کی، ایستامبولو گۆره
 جگم، هم ده من گنج بیر آسپیرانت بو نهنگ عالیمله بیر
 طیارهده یاناشی آیلشمیشدیک. قارداشیم احمد عاکیف
 موعلیمین ایشچیسی ایدی. ۱۹۹۵-جی ایلده آتام
 دونیاسینی دیشنده عاکیف موعلیم مرحومون اوچونه -
 بیزه ائوه یاس مراسیمینه گلدی. یادیمدا دیر هامی آیاغا
 قالخدی. بیر خالق شاعیری نبی خزری اوچون، بیر ده
 عاکیف علیزاده اوچون. اوندا آنلادیم کی، قدریبلن
 خالقیمیز عالیمه، شاعیره نه قدر احتیرام گؤستیریر.
 دوکتورلوق مودافیعه م عرفه سینده آک-دا مؤوضومون
 " کووردیناسییا شوراسی " ندا تصدیقیمی عکس
 ائتدیرن سنه دی ایتیرمیشدیلر. دوزدور سونرا تاپدیلار،
 ایندی ده ایتن سند منده ائوده دیر. عاکیف علیزاده یه
 موراجیعت ائتدیک قارداشیملا. رحمتلیک یاشار قارائوه
 زنگ ووردو کی، اینچیتمگین، دوبلیکات وئرن. ائله ده
 اولدو. بو بۇیوک عالیمه شوکرانلار دیله یه-دیله یه
 مودافیعه می ائتدیم. آکادمیک عاکیف علیزاده بو گون
 امکداشی اولدوغوم آمئانین پرنسپلر ائدیر. من فخر
 ائدیرم کی، بو گۆرکملی عالیمین رهبرلیگی آلتیندا
 چالی شیرام. هامیمیز اونونلا فخر ائدیریک... هامیمیز بو
 آریستوکرات، بد-نظر دن اوزاق ۸۴ یوخ، ۵۰-۵۵ یاش
 وئردیگیمیز بو یاراشیقلی، سلیقلی، شیق گئیین، شجره
 سى زنگین عالیمله فخر ائدیریک. مؤحترم عاکیف
 موعلیم، ۸۴ یاشینیز مبارک! آلاسه نظری اوستونوزدن
 اکسیک اولماسین. الله سیزی قوروسون!

شعریمیز ŞEİRİMİ

انجمن شعر وادب شهریار گیلان شاعرلریندن شعرلر.

گوندرن: سید نجم الدین دانیالی



سید نجم الدین دانیالی

بیلنلر هاردا؟

- ۱- اولکه داغی، سن اوجادان باخیرسان؛
هر بیر یانا، باخیشیوی تاخیرسان؛
قان اورمگه، بیلیمی نن یاخیرسان؛
اولار سن دن، بیلنلری ایستیییک؛
حق سؤزلری دیینلری، بسلییهیک.
۲- سن نعمتی ائل لرووه یایییرسان؛
معدن لرون سن ائل ووه ساییرسان؛
ائلین دالین غیرت ووه دایییرسان؛
آخ کی نجور کیملر یازی یازارلار؟
آجلیق، مرض، کؤکون، دیبدن قارارلار.
۳- بولوتلاردان، قار یاغیشی، آلییرسان؛
اورمک درده، ائل دردینن، سالییرسان؛
ائل کؤمک، سو چشمه دن، جالییرسان؛
سن بؤیوک سن، بؤیوکلوگون چوخ چوخ دور؛
اما حیف، بیزده یاخچی یول یوخ دور.
۴- اولار سن دن نئجه بیلینی گله؛
نعمت قدرین، یولون چمین، او بیلله؛
آجلیق لاری یئر اوزوندن او سیله؛
همّت ائده، کویری ده، سبز ائده؛
کول توپراغی، قیزیل ائده، ارز ائده.
۵- دنیا دوشه بیلنلرین آلینه؛
باریشیق لار ایری میوه درینه؛
او سوفرا کی، هامی یئییه سرینه؛
ساغلیق، شادلیق، یئر اوزونو بورویه؛
ائللر، ظولمو یئر اوزوندن کورویه
۶- دورو سؤزه، دنیا دا عزم ائیلنه؛
یامان سؤزه، سؤزونن رزم ائیلنه؛



احمد درگاهی

هیجران قوشو

بیر هیجران قوشودور، نه دیربو اوچاق
باغریما چنگ آتیب، دیدیر بو اوچاق
کؤنلومو قوپاریب، گئدیر بو اوچاق
قالخیر سا سؤنهجک اومود اوچاغی!
نه اولار دوردورون قالخان اوچاغی

سئوگیمی الیمدن آلیب آپاریر
باشیما گورولتو سالیب آپاریر
آیریلیق نغمه سین چالیب آپاریر
گئتسه اولدور مجک منی فراغی!
نه اولار دوردورون قالخان اوچاغی

نیشان اوزوگونو تاخمادی گئندی
سویوموز بیر یئر آخمادی گئندی
دؤنوب آرخاسینا باخمادی گئندی
کیملردن دوتارام سئوگی سوراغی
نه اولار دوردورون قالخان اوچاغی

هاوا لیمانیندا قالدیم سرگردان
یئتیشه بیلمه دیم، تئز گئجدی زامان
درگاهیکوز یاشیم دورمادی بیر آن
آرتیق قان تۆکهجک گؤزلر بولاغی
نه اولار دوردورون قالخان اوچاغی!

آتام آلیب نوه سینی قوجاقا
اوزده گولش اوزون وئریب بوجاقا
چوخ سؤوینیر «پرهام» گلیب اوجاقا
دونیانی نینیره م آتام اولماسا



انوش خلیلی (سپهر)

درون پیکر من یک تب جانکاه می رقصد
پلنگی دارد امشب در خیال ماه می رقصد
و در من شورشی قد میکشد با نام چشمانت
که اهویم درون لانهی روباه می رقصد
شبیه قلعه ام روی گسل های نگاه تو
که با هر گردش چشمان تو ناخواه می رقصد
ونه اصلا پریشانتر از آن موهات در بادم
که روی شانه ات هی گاه و هی ناگاه می رقصد
گمانم که دعا های من عاشق اثر کرده
که زیر پای او انگار دارد راه می رقصد
زمین و آسمان در من تبانی کرده اند امشب
که در من درد هایی.. دردهایی... آه... می رقصد
واو می رقصد و هی عمر من کوتاه تر.. کوتاه
که دارد دلبرم با دامنی کوتاه می رقصد



رایت عبادی

عشقونده دلی اولموشام هر صوبح ، هر آخشام
ای یار، منی یوخلا وفادن، سحر آخشام
گل آل گوتور ای یار جفا پیشه، ستم نن
فیکر ایله نلر، بو دلی گویلوم، چگر آخشام

کم قویمامیشام عشقووه لایق، بودی وسعیم
جان آزدی اگر، لطفیله ائیله، نظر آخشام
گل یغ باشورا، عشقلی پروانه نی ای شمع
سنسیر اولاجام، قویما اولام دربه در آخشام

دیندیر منی چک ، باشیمه آل ، ائیله نوازش
بو غصه لی هیجران ، اورگیمی ، دلر آخشام
هر پئرده مقیم اولسا ، دیردیم کی ، نه عیبی

هر مولکده گزمیشسه دولانسا ، گلر آخشام
آلیم دالیم غم یوکونو غربته چیخدیم
یاغدیردی پناهسیر باشیما ، غم ، شرر آخشام
سن یوخسان عزیزیم ، منه غربتدی بو دنیا

غربت ایلیسر ، کونلومی ، زیر و زبر آخشام
گوز منظرینه ، صف چکچک ، خاطیره بیر بیر
سن نن گچچک گونلری یاده ، دوشر آخشام
من خام خیالیله یئتیردیم ، باشا عمیری

افسوس اولای کی ، اولمادی سن نن خبر آخشام
هی طعنه منه ، ویرما کی " رایت " نه گزیرسن
عاشق همیشه ، سوگی سوراغین ، گزر آخشام
گون باتدی قارانیق یئری دوتدی گنه سنسیر
جانیم دوداقا چیخدی ، گنجه قمر آخشام



صابر عبادی

آتام اولماسا

یئرین گوی آرا تیروتیم اولسا
دونیانی نینیره م
آتام اولماسا

جئننتین قوخی قلیبمه دؤلسا

دونیانی نینیره م

آتام اولماسا

آتامدی باشیمی گویه اوجالدان
اوزباشی قوتارماز قیلبله قالدان
آغزینان چیخان سوز دادلیدی بالدان
دونیانی نینیره م آتام اولماسا

اوز ایشینده یالوارمیوب یولداشا
آل ایاقین آتوب کول کؤسا داشا
آه وایا دوشمیوب بیچنده خاشا
دونیانی نینیره م آتام اولماسا

باغیمدا باغچامدا گوللو آعاجدی
افلاطین اولسامدا باشیما تاجدی
باشینا دؤلانماق مکه مدی حاجدی
دونیانی نینیره م آتام اولماسا

توکلر آغاریب باشیمون اوسته قاریم اولدی
طاریمدا آغاجلار سسیمی بئلدن ائشیتدی
بئل دیدی آغاجلاردا سیزیلار تاریخ اولدی

اغیاریله خلوتده گئندیب قول-بویون اولدون
یالقیز آلی قوینوندا قالان قۇللاریم اولدی
یالوار دئدی قوی رحمة گلیب کامینی وئرسین
یالوارماقا کام آلماقا باری عاریم اولدی

بو حالیمه عالمده اورک یانديران اولسا
تکجه دوداقیمدا کؤزه رن سیگاریم اولدی
یاز قبریمون اوسته قویولان داشیما حجار
قانلیمنیم اول داشدان اورکلی یاریم اولدی



احد منصورى

آخار سولار سریندی
بیزیم گۇللر دریندی
دوست توتماق چوخ راحتدی
ساخلاماقی چتیندی

هر سؤزه تئز اینانما
دوز دانیش سن اوتانما
یالان سؤزون کاری یوخ
طاماهلانیب آلالانما

نه ایسته سون باشووا
اوندان ایسته قونشووا
نوخود گلسین قاشیغا
توک نوخودو آشووا

گولمه دایاق سیزلارا
یازیق سایاق سیزلارا
سیزدن یاردیم ایسته رم
ال سیز ایاق سیزلارا



احد جوان محبوب دوست

همه شب با خیلتن من نشینم
شکوفه از نگاهت من بچینم
چنانکه یک روز تو را من نبینم
همه جا من به دنبالت بگردم
خیالت نوش نوش است مرا
شعاری چه خود جوش است مرا
به سوز و سرمای هر زمستان
قبایى گرم پوش است مرا



بشیر قهرمانی

هرنه یازدیم عشقیدن، اوستادیم ایراد ائیلهدی
هرنه بیلدی حالیم، خلق ایچره اوستاد ائیلهدی
باخمادی افسوس اولا بیر دفعه ویران کونلومه
مطلبی آسان توتوب، چوخ داد و فریاد ائیلهدی

من دئدیم یاندیم اورکدن، انتمهیبب باور ولی
باخماییب احوالیم، بو قلبی ناشاد ائیلهدی
ائلمهیبب ایراد چکمیشدیم نگارین عکسینی
قالدی یارین صوحتی، اول غیره دن یاد ائیلهدی

گوز یاشین توکدوم، اینانسین، بی قرارم عشقینه
عشقیدن من هرنه یازدیم، موشگل ایجاد ائیلهدی
باخمادی قیسین گوزینن، لیلی نین سیماسینا
اوز گوزینن باخدی آخر، بیلدی هر زاد ائیلهدی

گورمهدی بوسینهی سوزانیدن اود قوزانیب
چوخ منه ایراد توتدی تئز ارشاد ائیلهدی
سویلهدی شاعر دئیرسن، من دئدیم شاعیر ندیر
بس دئدی دیوانهسن، ال چکدی آزاد ائیلهدی

من دئدیم عشقین مگر دیوانهسی گوزدن دوشر
اول دئدی سن ائیلمه بیر ایش کی فرهاد ائیلهدی
یازماقا داش اوسده شیرینین آدی، شیرین گلیب
یازدی پی در پی او داشدا، سئوگیلین یاد ائیلهدی

یاندی شیرین عشقینه بیر درد احساس انتمهدی
بیر آد اوسده عومورونو فرهاد بر باد ائیلهدی
بیر پری چهره (بشیرین) وئردی باده عومورونو
چوخ دولانديردی گندیب بیر غیری داماد ائیلهدی



محمد منافى (م.کوهستان)

گلدی هامینین سئوگیلیسی گلمه ز یاریم اولدی
بیرگونده گلن گلمه دی بیر ایل یاریم اولدی
دار واقعی دوشه ر کن اوره گیم داره چکیدی
زولفون هوروبن قارا هوروکلر داریم اولدی

من بیر داغیدیم سا آته بیم گوللی چیچک لی

عاصم

آغلامازدیم

آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی
دوز یولوندان آزان آغلالتدی منی
گوردوم حسرتدی همالر سوموگه
ایشله بیر شاخدا سوموگدن ایلیگه
دوزوموزده اییلیر ایری لیگه
قالدی قانماز قانان آغلالتدی منی
آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی
تک صبیر گلدی دئدیم ایش دوزه لر
قار گندر، بوز ارییر یازدا گلر
نه بیلیم یازدا بوران باغری ده لر
بوخاچیمیش گومان آغلالتدی منی
آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی
دندیلر بیر گون اولار ساز حالیمیز
قیتدیق اولسا واریمیز یاغ بالیمیز
ایندی کی اون تک اولوب ساققالیمیز
بو یالان سوز یامان آغلالتدی منی
آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی
ظن اندیردیم آغیر اولسا یارالار
یارالار آغریسین آنجاق یار آلا
نه بیلیدیم اوره گی یار یارالار
بیلمه مز لیکدی، قان آغلالتدی منی
آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی
اره لر توشدو که جنگل جانینا
تولکی لر تور توخودو اصلانینا
طرلانی اووچی باتیر جاق قانینا
اوخدان آرتیق کامان آغلالتدی منی
آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی
اری مز قالدی ببینده بوزوموز
گویده سایشمادی بخت اولدوزوموز
نه قویون قالدی نه املیک قوزوموز
قوردا بنذر چوبان آغلالتدی منی
آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی
من دئدیم باغلاسا یادلار قولومو
دایاقیم وار قورییا ساغ سولومو
قوپدی بیر چن که ایتیردیم یولومو
داغا باخدیم دومان آغلالتدی منی
آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی
وای بیزه اولدی پوزولماز یازیمیز
مضراب اود توتدی قیریلدی سازیمیز
قالدی قیشلانمادا عاصم یازیمیز

یازی گول سوز یازان آغلالتدی منی
آغلامازدیم زامان آغلالتدی منی

حجت محمدی اورنگی (شاوالی)



اولوتانری طبیعته
سنی وئریب پای بنوشه
آچیلاندا داغا داشا
عطیر یوی یای بنوشه
ظرافتلی هم اینجه لی
دوشونه نه دوشونجه لی
نه کوسمه لی اینجیمه لی
نه کوسه نه تایی بنوشه
ایلاهینین قدرتین
ائلین عشقی الفتین
پاشایشین لذتین
آی بنوشه آی بنوشه
چول بایرین افتخاری
(شاللی)نین کونول یاری
ایلنده گونه ساری
قددین اولور یای بنوشه

صیاد زیادپور



پولوم - پارام اولمور پالتار آلمایا
اینینه شعریمی بیچیرم مودام
ماددی دورومومو هئی قویور لاغا
روحومون دیلینی دویمایان آدام

پولون نه اولدوغون دوش قنم قر چوخو
شاعیرلر دویغویلا آل - وئر اندیرلر
گاه خیال آپاریر، گاه شیرین یوخو
یارین گوروشونه پولسوز گئدیرلر

گؤندریم اینینه، گئی، گؤزل گورقن
شعرین رنگی سولوب افرؤ قیریشمیر
یوخومدا قاییمی، دوی، گؤزل گورقن
کفسن لر اویاق کن آخی باریشمیر!

پرچم اسلامی قالخیزدین عدالت ایلدین
عدلین دیوان ائدن یوخدور سنن تک یا علی

قلعه ی خیبر داغیدان کفر ائوین ائتدین ویران
حاکم اولدون سن ایکی دونیایه یا مولا علی
سن حسینیله ابوالفضل تک پهلوانلار بسله دین
کربلاده اولدولار دین اوسته قربان یا علی

آند وئرم من سنی اوغلون حسنین جانینه
ات قبول منده گلیم بیر خاک بوسه یا علی
وصف وی یازماخ چتیندیر چون قلم عاجز قالیر
من جسارت ایله دیم عفو ایله یا مولا علی

ای شه مردان امیرین مطلبین سن وئرگین
گوزلرین آغلار قاپیندا قویما یا مولا علی

حبیب الله خان امیری

نفرین

بوگونلوم سندیران یارب جهاندا شرمسار اولسون
ال آچسین بینولار تک همیشه خار و زار اولسون
منیم بیل یوخدی تقصیریم اورک قانه دونوب سنسیر
نه دن جور و جفا ائتدین بهارین کاش خزان اولسون

سالبسان بیر یامان درده دواسی یوخدی دونیادا
حقایق گوزلرو توتسون الینده بیر عصا اولسون
آچیب دردیم بیان ائتسم. یانار اسماده کوکبلر
اگر حق دیر خدایا حق جهاندا پایدار اولسون

چکر باغبانداچوخ زحمت کی باغی گلستان ایلر
درنده میوه سین بیرگون بینده آبدار اولسون
گلستانیم خزان اولدی اوزوم مجنونو سرگردان
نه لازیمدر منه دنیا گلستان یا وئران اولسون

منی ترک ایلدی جانان گدیب، یار رقیب اولدون
سنینده کاش منیم تک یار بهارین تز خزان اولسون
وفاسیزدان وفا اویم و فاسی یوخدی دونیانین
هامی لقمان اولاماز دونیادا دارالشفا اولسون

گول اوسته بلبل شیدا اوزون خونین جیگر ایلر
وورار هر دم اوزون خاره کی عشقی پایدار اولسون

ایندی باریشمایان طالعی میزی

سنن اوز هاچالی یولون آییریب

سن وارلی من یوخصول، حیاتدا بیزی

شان شوهرت آراجی پولون آییریب

یاخشی کی سؤزومده اولچق بیچیم وار

درزی اولماسام دا شاعیردیر آدیم

یاخشی کی دویغودان دولو ایچیم وار

سن سیز قالدیم آما سؤزس قز قالمادیم

من جانلی کیتابام، یازیلی آدام

چؤل قمدن ایچمی اوخویور گورن

سن بینمه سن ده، سؤزه صیادام

ل قطف قن اسیرگه میر یئتک وئرن

حبیب الله خان امیری

یا علی



گوزلریم آغلار قالیدیر جانه گلیم یا علی
قامتیم اولدی کمان فریاده گلیم یا علی
شوق دیدارین ائدیپ افکارمی داغون منیم
سن چاغر منده گلیم لیبیک گویان یا علی

مطلبیمی یاخیندان عرض ائدم جانانیمه
لایق اولسام ایلیم بوجانی قربان یا علی
ال اتیب من دامننن توتوشام تاحشره جن
ناامید لر یاورى سن داد رس سن یا علی

سن قدم قویدون ازده اسلامی ائتدین قبول
شاد اولوپ گویده ملایکلر محمد یا علی

گدیب عهد جوانلیق غوصدن قدیم کمان اولدی
 گولر بوحالیمه دوشمن سیزه دوسلار عیان اولسون
 دیزیمده قالمیب طاقت الیمده اختیاریم یوخ
 منی درده سالان یارب اوزی درده دچار اولسون
 عجب عمروم فنا اولدی منیم بوفانی دونیاده
 اولاماز دای گنچن دوران امیری نو جوان اولسون

(اٹلمیرا زنجانی) صنم زنگانلی

دیلنیرم من

بیر پاییز آخشامی گوردوم سنی من
 بولود کیمین دولوب چیلنیرم من
 باخیشین قلبیمه اودلی اوخ اولوب
 سنی قدریمن دیلنیرم من
 بولود کیمین دولوب چیلنیرم من

سنی خاطریمن سیله بیلمدیم
 نه گلدی باشیما؟ بیله بیلمدیم
 وریلدیم باخیشا، دیله بیلمدیم
 سنی قدریمن دیلنیرم من
 بولود کیمین دولوب چیلنیرم من

نه اولار گلشن گوره سن منی
 گوزومده کی یاشی، دومانلی، چنی
 صنمین قلبینه دوشن نغمه نی
 سنی قدریمن دیلنیرم من
 بولود کیمین دولوب، چیلنیرم من

در آلتای آغ

رامیزن توز آدلی شعرینه توز یازمیشام

یعنی توزلار فارکلی بیزیم توزوموزو یازمیشام من
 توزون دیلینی یعنی تپه ده کی کول شکلیکدن کیم آنلار آخی
 بلکه گونشین منه آنلادیغی توز فارکلیمیش رامیزن توزوندان
 آخی سن هانکی توزدان سان
 من توزلا یازیشیرام
 من بیر توزام

کیپر بیم یئرینده
 قاشیم یئرینده
 دیلیمی دیشله میشم
 باخیئرام تانریا
 تانریدا بلکه ده بیر توزام من
 بیر توزام
 توز ایچینده گوزوم وار
 توز ایچینده آلاهییم وار
 من بیر توزام
 کیپر بیم یئرینده
 قاشیم یئرینده
 دیلیمی دیشله میشم
 باخیئرام تانریا
 تانریدا بلکه ده بیر توزام من
 عنوان سیز بیر توزام بلکه ده
 توز ایچینده گوزوم وار
 توز ایچینده ایتیمیش آلاهییم وار
 اوتانیرام توز ایچینده
 گورن ایلاهی توز ایچینده آدام اوتانار می
 من هاردایام ایلاهی
 آخی من توزام
 گورن توز سوال وررمیش
 توزون دیلینی آنلات ایلاهی
 اوره بین آنلات ایلاهی
 دیلین وارمی
 دیلین یوخ مو
 ایلاهی بیر دیل وار اورتادا
 بلکه ده من بیلیمیرم
 آنجاق بیر توز وار اورتادا
 او منی دوشونور من ده اونو
 بیز آدلی توزدا گورن کیم قرار وره جک
 بلکه ده سن آدلی بیر توز

در آلتای

سینله سئوگیلی اولدوم

سئوگی یاشادیق بیر زامانجیق
 من سنی سئومیشدیم
 سن باشقاسی نی
 من سنین گوزلهرینه باخیب سئوگی یاشارکن
 سن منیم گوزلریمده اونو یاشادین
 سنینله بیر گنجه او غورلو غوندا
 اولدوزلار سایریشدی

اوزله ديم سنى
 "جانيمين ايچى"
 ساچلارينا توخونمايم
 دوداقلارين دا آليشماديم
 اللرينده ايسينمه ديم
 ديسكىنيرم
 سنيئله كنجيرتدييم دقيقه لرله
 ياشا ديمى دويورام
 اوزله مك ايسته ميرم سنى
 فيرتينالار يارالى اوره ييمه دوغرو گنديرلر
 گل.....

پريسا حيدري (گونش)

سنى ورقه كوچورمك ايسته بيرم
 بيرمنلودى،
 بيرسوز جوك،
 بير ياراديجى....
 سنى هانسى آدلا شعره كوچوروم..؟
 هه
 سن ياشا بويله سينه:..
 آدين اوره ييمين دالغالانميش بوم بوش اوقيانوسلاريندا
 حكك اولوندو ايشده
 ومن
 دوپ دورو سو ايزله رينى
 دالغا آدلى بير مو عجزه يله يونلديره م
 ياشام بويله ايميش
 بيردالغا بيرده من.....



عزت طهماسبى

گول آچمارام مين ياز گله
 من پاييزا سوز وئرميشم
 سولا جاغام پرده لرده
 شعره، سازا سوز وئرميشم
 يورد سالاجام آغ كاغيزدا
 دوناجاغام قارلى بوزدا
 چئيننمرم هر آغيزدا
 آغ ساققيزا سوز وئرميشم
 هوروك-هوروك قاراساچين
 زارى يارام ايچين-ايچين
 سئل اولاجام اونون اوچون
 خان دنيزه سوز وئرميشم

سنودالار ياشادى
 "جانيمين ايچى"
 من سنى ياشاركن
 سن من ده اونو ياشادين
 من دويغولار يمل سنى دوشونن زامان
 سن گوزله رينين سنوينج بولا غيندا
 تنهاليق اوداسين دا اونو دوشوندون
 دئييرلر سنودالار ياشا بيرسان
 سنوينج درياسيندا غرق اولموش سان
 منسه سنسيز ليكده گوز ياشلار يمد
 بيتدى بو سنودا بير گوز قير ييميندا.
 ومن..

هر آنى لار يمد
 سنى ياشا بيرام
 دوشونورم
 اوشويوب ايسينيرم
 آچميرام گوزلر يمي
 بيتير بو سنودا



پريسا حيدري (گونش)

"جانيمين ايچى."

بو گنجه بولود بياض ايزله ريله چكيليپ
 سنه فرياد چكير
 گويلرده ايزيم
 ياغيش داملا لار يلا
 يئرلر اوزونو اورتور
 سنين اوره بين منه گل سين دئييه

پريسا حيدري (گونش)

هنج اوزله ميرم سنى
 دوستاقام فيكي رلر يمله بير اودادا
 سنى دوشونمهدن....
 گونشين تميزلى ييله اوجاليرام
 فيرتينالار قوپور بنينمين دامارلاريندا
 بير آن دارما داغين اولور وارليغيم
 سيختيلار گلير دونيما
 سنى ياشام صحيفه مده بير آتليق اوخويورام
 فيرتيناو يينه فيرتينا

داغی دوزو قاجاڭام
يئردن گويه اوچاڭام
باغلی قاپی آچاڭام
آی، اولدوز سوز وئرمیشم

دئمهیهجهم نئینیم نئجه
دو غراناڭام گئجه-گئجه
شهری کندی، کوچه-کوچه
تیکین آیا اولدوز منی

آغری - آجی ، اودا-اودا
باغلانمیشام سون اومودا
یاتمارام هئچ بیر یوخودا
دلی قیزا سوز وئرمیشم

چوخ دردیمی چکمه اوزه
گوزوم دونوب خان دنیزه
یاریم یایلاق سئوگیمیزه
هئی آغلایین سونسوز منی

سنی سئومک ایچین،
عؤموردن،
گوندن سوووشدوم.
اوره بيمده ،
سئوگی آدلی سارایین،
سندینی آدینا ووردوم.
پنجره سی،
گونشه آچیق.
گئجه سی ،
آی لا یولداش.
سؤیله:

بو سئوگینین بیرباشی بوش
اوخو منی آی قارانقوش
ایته بلکه منده بایقوش
تورپاغلایین گوندوز منی

اونو گورمک اوچون بیرده
تاپام بلکه تک صیبرده
سئوگیلیمله بیر قیبرده
باسدیرین اوز به اوز منی

عزت طهماسبی

اولدوز لاریوخولاییر گونش اویانیر
یایلییر کوینه بین بلیط قوخوسو
بیلیرم گئدیرسن قالان دئییلسن
بورویور شه هری مئییت قوخوسو

توءکولسون اووجونا پاخیلین گوءزو
گوءردو بیر سئچیمده ایرینی دوزو
دوشنده آرایا آیریلیق سوعزو
داغیلیر کوچه یه تابیت قوخوسو

ساجلارین-ساجلارین، شوه ساجلارین
کیمینی اولدوره ، سئوه ساجلارین
هوخورور اولومو ائوه ساجلارین
وئریر مین آغاجدان باریت قوخوسو

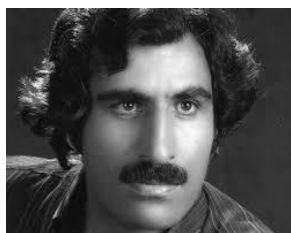
قورخولو اوره بیم قورخودان دولو
دئشه چک آغریلار ساغیملا سولو
قاییدیب گلینجه ایزله رم یولو
ایتمز اللریمدن قونوت قوخوسو

روحوما قاتیلما دین؟
هانسی سوکوتدا،
بویونو اوره بيمله اوخشامادیم؟
خیالینین لای لایلا گوزومو یوموب،
حسرتینین آهی لا،
آیلمیشام.
آه...
تاپیشردیغیم سن ایچین...
گوزوندن،
ایتگین دوشسم
دوشون کی،
خیالینین آلینی توتوب،
نفسیمین سونونا کؤچموشم

عزت طهماسبی

گوزلریندن خزل یاغیر
سولاجاقدی پاییز منی
سالاجاڭام چیغیر یاغیر
اولدورمچک او قیز منی

علی جوادپور



سنوگی آتشینده یانیرام هرآن
قدیمی آیریلیق انیله یب کامان
سن اوچون قیسمتیم اولسادا هیجران
آدین سا کونلومده هرآن یاشاییر
غملی گوزلریمه گورون مسن سن
بیرگونده یوز دفعه اوله جه یم من
سنوگیلیم من سندن آیری دوشندن
علی یم کونلومده گومان یاشاییر

علی طالبی قیه باشی

مرد الیم

ویجدان سیزا - اینصاف سیزا قتیم دی
پلنگ الیم نهنگ الیم قورد الیم
قاناتلارا پایاندازی اوره بیم
قائمزلارا پانپاچادی دورد الیم
عرشه چاتیر مظلوم لارین هارایی
ظولوم گورور هر هفته نی هر آیی
اوره بیم دی حقیقتین سارایی
اولمایاچاق حق یولوندا سرد الیم
کورک علی ، عومرون گنتمه بیب بوشا
جان چاغیریب جان دنمیشم یولداشا
اوزانماییب هنج باجییا - قارداشا
حیاتیمدا کاسیب الیم، مرد الیم

علی طالبی

نه تورپاق گورونور ، نه داش گورونور
هیجران غم الیله هوروب کونلومو
سنوگیلی یاریمدان اوزاق دوشندن
عشقیم کوز اوستونه سرب کونلومو
عالمی لاخلادیر آهیم آماتیم
یامان آجی کنچیر ساعاتیم انیم
سانکی گوزلریمدن سوزولور قانیم
آیریلیق کونوندری دریب کونلومو
«علی» نین توکنمز کدری - غمی
ال چاتماز اولودو سنوینجی - دمی
گوجوم چاتمیر اویاتماغا عالمی
انحتیاج انیله بیب قریب کونلومو

علی طالبی قایاباشی

منی آغلار قویوب بو ویرانه ده
اوزونسه دالیمجا گول آی بخته ور
سنودیگین کیمسه نین الیندن توتدون
من اولدوم هیجرانا قول آی بخته ور
درد ونردین حاییف کی چاراسی قالدی
یاندردین قلیمین پاراسی قالدی
کونلومده عشقینین یاراسی قالدی
گنت اولسون سنوینجین بول آی بخته ور

بئرلرده بو قدر داش اولماز آخی؛
گویلدن یاغیرمیش نه واختسا بلکه!
بولودلار چاخناشیب داش یوکلریله،
داش، شیمشک شاخیرمیش نه واختسا بلکه!

قوشلار دیمدییینده، داش داشیبیرمیش
آداملار عومرونو، داش یاشیبیرمیش

داش؛ داشی سیندیریب، داش؛ داشی یارمیش
داش، ائولر بیخیرمیش نه واختسا بلکه !

بورا، داغ-داش دئییل؛ داشلار داغی دیر
بو داشلار تورپاغین داش یاشماغی دیر
داشلار شیکسته دیر، داشلار آغی دیر
یاندریب یاخیرمیش نه واختسا بلکه !

دئییرلر: دونیانین داش عصری اولوب،
انسانلار داشلارین اسیری اولوب
دئملی چورمکلر داشلا یوغرولوب-
داشلاردان چیخیرمیش، نه واختسا بلکه!

داش کیمی یاتماق دا؛ او واختدان قالیب
باشلارا دوشمک اوچون داشلار چوخالیب
داشلار، تکجه داش یوخ، گوز یاشی اولوب -
اوزلردن آخیرمیش نه واختسا بلکه

آتوما تاپشیردی داشلار دونیانی،
هله ده شوشهده بو دئوین جانی،
انسان طالعینه قادانی- قانی
اوز الی دوغورموش نه واختسا بلکه...!

علی طالبی قایاباشی

سنین اوره ینده شادلیق نغمه سی
منیم اوره یمده امان یاشاییر
سنین گوزلرینده سنوینج یاشی وار
منیم گوزلریمده دومان یاشاییر

اوره یه توخونماق سنه پنشه دی
فرهاد تک باشیمدا سینان تنشه دی
کؤوره بین اوره بی سینیق شوشه دی
گل یالنیز بو سوزو بیل آی بخته ور

علی طالبی

اورپه یینی چک کانارا
جامالینی گؤروم لاله
اوره ییمی اودا سالیب
سنده کی شوخ دوروم لاله
عطیرله دین یوللاریمی
یاز انیله دین چوللاریمی
بوینونا سال قوللاریمی
قوینون اولسون یئریم لاله
سنوگیمیزی یایاق انله
دردیمیزی آتاق سنله
بیرگون دوشر دیلدن دیله
سن عنوانلی شئعیریم لاله
کؤورک علی اولسا خسته
ساغالماغی سنه بسته
ساچلارینی دسته دسته
گرده نینده هوروم لاله

علی طالبی

اوره بیمه دولو دوشور
بو شهره گلنده من
دردین منه یولو دوشور
بو شهره گلنده من
یاتان لاری اویاتمیرام
بیر آن اوزومده یاتمیرام
گلدیغیم یولو تاپمیرام
بو شهره گلنده من
کنجیمیشیمده اوزورم هنی
گؤز یاشیمی سوزورم هنی
ایلک عشقیمی گزیرم هنی
بو شهره گلنده من
دیلقم چالماق ایسته بیرم
شعیر یازماق ایسته بیرم
قوناق قالماق ایسته بیرم
بو شهره گلنده من
آلشیرام هنی یانیرام
هامینی «کؤورک» سانیرام
هر کوچه نی دولانیرام
بو شهره گلنده من

در آلتای

توکون روحو

توکون روحو

اونون دو غوش روحو...
بیتش فلسفه سی...
و دو غوش...
آنامین دارغی
تانرینین قبریستانداکی ساچلاری
و سئغال یوللاری...
بلکه شاعیرلرین ایلیشن کلمه سی
و اوره ک ده کی شله سی...
آغ بیتکی لر وار
آنلاتیر یوللاری توکلر...
توکومون تابوتونا یئل اسیر...
بیر آز مندن آپاریئریر...

در آلتای آغ

رامیزین شرفینه بلکه بو بویله ایمیش

باشقا بیر شهرلیم
من باشقا شهرلیم
سودیکلریم باشقا
اوریمیم باشقا
کلمم باشقا
من باشقا انشیق دوشونورم
منیم آنلادیغیم انشیقدا کینکلر یانماز
اونلارا هیکل قورارلار
و دوعا ادرلر
اونلار هپ سوگی ریکلامی
اونلار اوشاقلارین قودرتی
و معصومیت اوپرازی
من بوشهرلی دیلیم
نه من نه ده کلمه لریم
ایناتیرام کی بو شهرلی دنیلیم
من بلکه ده شهرسیزی



شاعیر عباسقلی آقاپور سولغون شعرلر

غزل (هارداسان)

کئچدی ظولمت له عؤمور ای ماه تابان هارداسان
گؤستر اول نور روخون سولموشدو هریان هارداسان

قورخورام کی گؤرمه یم عؤمرون خزان یاز اول
تئز چاپیر عؤمرون آتی هر دم شیتابان هارداسان

گؤسته ریر عدلین نیشانین یانلیز افسانه-ناغیل
قوی باشا عدلین تاجی اول جان هارداسان

برگ جانیم هئی سارالیر آخمیری قان اونلارا
گل گتیر یازی قوی آخسین برگیمه قان هارداسان

گون به گون قارلار یاغیر باشیم سراسر قار اولور
چیخ بولوت دان قوی ساچا اول نور سوزان هارداسان

باغچا-باغی ائيله میش ویرانه بایقوش بانلاری
بولبول یله وئر چمانه بیر یئنی جان هارداسان

چوخ درین چنلی دره سالدی اوزه مین بیر قیریش
گل یاناق لار گول سالا لب لرده خندان هارداسان

قوی کمانه تیر موژگانی هدف قیل قلبیمی
تا کی قوربان لار کسیل سین بیر تۆکوم قان هارداسان

هئی تیکان لی-چنلی آشدیم قلبی آلچاخ یوللاری
جان وئریر جانین داها ای جان هارداسان

بیر نظر سال سولغونون کؤهنه-پاس آلمیش قوفلونا
کی آچارسان مین دویون سن بؤیله آسان هارداسان

اولار

مین یاغیش دامجیسی دوشر دریایا
صدفله تاپیشان گؤهر بار اولار
باراما قورت لاری یارپاق لار ایچره
تکجه توت یارپاغین خریدار اولار

اتینی آرییا وئرمه سن چالا
چاتمازسان یقین کی پتک لی بالا
زحمت سیز یئتیشمز هئج کس کامالا
گولون قیراقیندا مودام خار اولار

دریبه گولمه سین هئج وعده داغلار
یاشام لا دولو چای دره ده چاغلار
یازیخ لار گؤزله رین ائيله مه آغلار
سنین ده گؤزله رین بیر گون زار اولار

اویماسین قارغالار اوزون یاشلارا
قیی سالان قارتال دیر داغدا داشلارا
سئوین مه آی قانماز قارا ساشلارا
اوجا بوی داغلارین باشی قار اولار

اینسان لیق آدینی دوشونوب بیل سن
ائل اوسته دوشمانین گؤزونو دل سن
آ سولغون عشقینن یاشاییب اول سن
هر زامان دیل لرده آدین وار اولار

@solghoun

